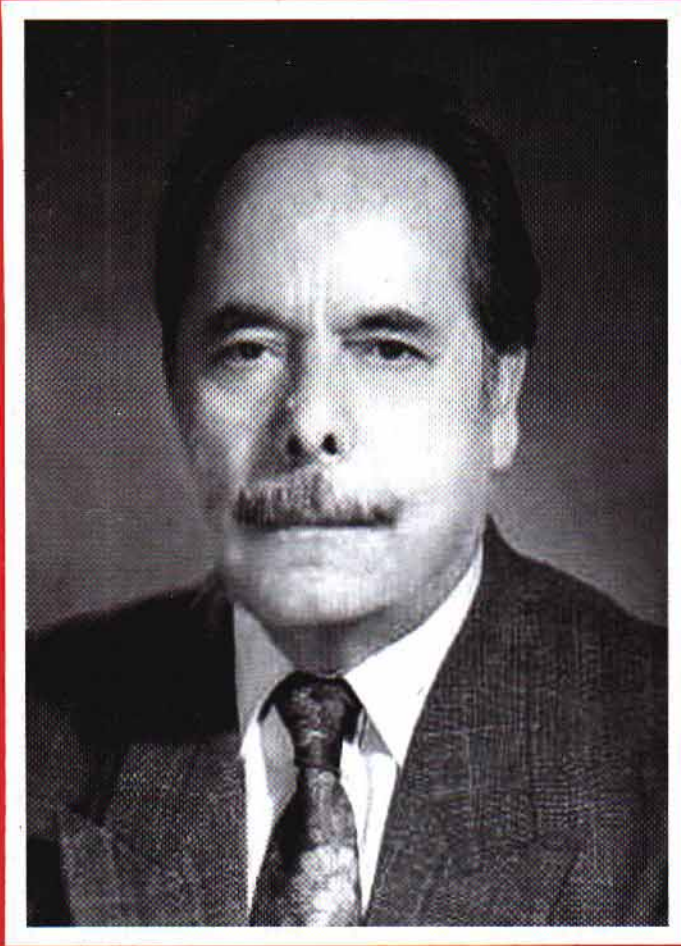


وارليق

تورکجه - فارسجا ف ۵ گي درگي
فصلنامه فرهنگي ترکي - فارسي

۲۵- جی ایل، یاز ۱۳۸۲، سایي ۱-۱۲۸، ۹۶ صحيفه



عزيز محسنی

يازيچي، شاعير، تدقيقاتچي

ISSN 1023 7186

قيمت: ۵۰۰ تومن

اۋلو تانرى نىن آدى ايله

وارلىق

فصلنامه فرهنگى فارسى - تركى

تۆركجه - فارسجا فرهنگى درگى

۲۵- جى ايل، ، ساىي ۱-۱۲۸، ياز ۱۳۸۲

بۇ سايمىزدا:

- ۳..... نگاهی به زبان باستانی ترکی، حجت‌الاسلام محمد حافظ زاده
- ۱۴- جى يۆز ايلليگين ادبى شخصيتى حيبى، سراج‌الدين حاجى ۱۴
- ۳۹ ادبياتيميزين اۋفوقلرى، نظامى جعفرى
- ۴۳ ايلام اۋلكهسى و مدنيتى حاقيندا، مير هدايت حصارى
- ۵۴ نباتى، يىنى دۆشونجهلر و چاپ اولماميش شعرلر، تبريزلى رضا همراز
- ۶۲ گۆزكملى آراشديريغى عزيز محسنى نين دده قۇرقود كيتابى باره ده، دۆكتور جواد هيئت
- ۶۴ آذربايجاندا، داش دؤورو مدنيتى نين ايلك اينكيشافلارى (۱)، بهرام آجترلو
- ۶۷ بير نئجه خبر، ابراهيم رفر
- ۷۱ شعر
- ۷۲ دۆكتور احمد فروغون ياسيندا، دۆكتور جواد هيئت
- ۷۵ زير ذره بين ريشه شناسى، اسماعيل هادى
- ۸۷ تۆركجه نين اتمولوژى سۆزلوكلىرى، محمد رضا هيئت
- ۹۳ آذربايجان تۆركجه سينده ديشكن دنيمسلىك مسألهسى، ابراهيم رفر
- ۹۸ آذربايجان تۆركجهسى نين تشكولو، دۆكتور جواد هيئت

وارلىق درگيسى اورتوقرافى قۇراللارى اساسيندا يايىنلانير

اولو تانری نین آدی ایله

وارلیق

فصلنامه فرهنگی فارسی-ترکی

تۆرکجه-فارسجا فرهنگی درگی

۲۵- جی ایل، ، سایه ۱-۱۲۸، یاز ۱۳۸۲

نگاهی به زبان باستانی ترکی

حجت الاسلام محمد حافظزاده

آنچه از متون منابع به دست می‌آید، قدیمی‌ترین آثار مکتوب مربوط به زبان ترکی، کتیبه‌های «اؤرخون» و «ینی‌سئی» می‌باشد که در فاصله سده‌های پنج تا ده میلادی نوشته شده‌اند. در سال ۱۹۷۰ میلادی نیز یک پیاله نقره‌ای احتمالاً متعلق به سده ۵-۴ قبل از میلاد در «گوری» در نزدیکی «ایسپیک‌کول» کشف شده که در بر دارنده یک نوشته دو سطری به خط اؤرخون است.

این کتیبه‌ها بیشتر در کناره‌های رودهای «اؤرخون» که در «مغولستان» جریان دارد، و «ینی‌سئی» که در سیبری جاری است، پراکنده‌اند. بعضی از این کتیبه‌ها از سده ۱۷ میلادی شناخته شده بودند، اما نخستین بار «ویلهلم تومسن» دانمارکی در سال ۱۸۹۳ میلادی موفق به گشودن راز خطوط آن‌ها شد و یک سال بعد «رادلوف» آلمانی کتیبه‌های اؤرخون را خوانده، متون آن‌ها را همراه ترجمه آلمانی منتشر کرد. دانشمندان در مورد منشاء این خطوط اتفاق نظر ندارند. بعضی اساس آن را خط «رونی» و بعضی دیگر آن را برگرفته از حروف «آرامی» و یا حروف «پهلوی»- که خود از آرامی گرفته شده است- دانسته‌اند. اما دانشمندانی چون «ن. آریستوف»، «گ. مالیتسکی»، «رشید رحمتی آرات» و «احمد جعفر

اوغلو» و ... منشاء این حروف را تمغاهای قدیمی ترک دانسته‌اند.

لازم به یاد آوری است که الفبای اوزرخون، در غرب نیز با اندک فرقی‌هایی توسط «بلغار»ها، «خزر»ها، «پچنک»ها و «مجار»ها مورد استفاده قرار گرفته است. از این اطلاعات چنین نتیجه‌گیری شده که این خط از خاور دور تا اروپای مرکزی انتشار یافته و میان توده‌های مختلف یک وسیله مشترک کتابت بوده است.

کتیبه‌های اوزرخون و ینی‌سئی از نظر مطالعه زبان‌های ترکی سده‌های پیش و بعد از اسلام و نیز از جهت این که حاوی اطلاعات تاریخی ارزنده‌ای درباره قبایل و زبان آن‌ها و نیز همسایگان ایرانی زبان آن‌ها هستند، از ارزش خاصی برخوردارند.

از متون کتیبه‌های پراکنده در مناطق پهناور مغولستان و سیبری که در سده‌های مختلف به زبان‌های گوناگون ترکی نوشته شده‌اند، چنین بر می‌آید که اساس این زبان‌ها، یعنی ساخت دستوری و اساس و ریشه لغوی آن‌ها تا حدود زیادی یکسان است.

قبل از آن که در حدود سده دهم میلادی (چهارم هجری قمری) خط عربی برای نوشتن زبان‌های ترکی به کار گرفته شود، الفبای «اویغوری» در آسیای میانه در فاصله سده ۸ میلادی (۷۶۳م به بعد) تا ۱۶ میلادی متداول بوده است. این خط از خط «سغدی» گرفته و به زبان اویغوری تطبیق داده شده بود. آثار به دست آمده نوشته شده به الفبای اویغوری بیشتر از آثار نگاشته شده به خط رونی ترکی است.

در حقیقت برای هر ملتی زبان نعمتی است خداوندی و وسیله‌ای برای بیان افکار، اندیشه‌ها، احساسات و عواطف انسانی. زبان بهترین وسیله پیام رسان علوم و فنون و هنرها است. بنا بر این هر کس که با زبانی دشمنی می‌ورزد و با نشر آن مخالفت می‌کند، در واقع با انسانیت و انسان‌ها دشمنی دارد و مخالف حیات سعادت‌مند انسان‌ها است.

زبان در میان هر قومی و از هر نژادی، پدیده‌ای است تکامل پذیر و تحول‌یاب و در پیرامون خود تأثیر گذار و از اطراف خود تأثیر بردار.

در آغاز قرن بیستم بیش از ۶۰۰۰ زبان وجود داشت و اینک که قرن بیستم پایان پذیرفته، تعدادی از آن‌ها دیگر گوینده ندارد. این روند اضمحلال موجب تأسف و تأثر است. زیرا هر زبانی حاصل گنجینه‌ای از فرهنگ و مدنیت است و تلاش برای نابودی هر زبانی، حرکتی غیر انسانی و غیر فرهنگی است. اصولاً زبان‌های دنیا به چند خانواده تقسیم شده است که خانواده «آلتایی» یکی از آن‌ها است. زبان‌های وابسته به این خانواده عبارتند از: «ترکی»، «چوواشی»، «مغولی»، «منچو-تونگوزی»، «کره‌ای» و ... پس زبان‌های ترکی جزو خانواده اورال-آلتایی و به عبارت صحیحتر و روشنتر، جزو گروه زبان‌های آلتایی است.

زبان‌های ترکی به چندین شاخه و شعبه تقسیم می‌شوند که ترکی آذربایجانی به گروه غربی خانواده زبان‌های ترکی وابسته است. منابع اصلی زبان‌های منسوب به شاخه غربی خانواده زبان‌های ترکی و از آن جمله زبان آذربایجانی عبارت بوده‌اند از زبان‌های قبایل و طوایفی که به نام‌های ساک، ایسکیت، سکا، گاس، گاسپی، گاسیت، خزر، سابیر، سووار، هون، گون، ترک، توْرک، غز- اوغوز، قیچاق- قیفچاق و . . . شناخته شده‌اند. اینان در سده‌های پیش از میلاد و نیز در نخستین هزاره میلادی در اطراف دریای خزر مسکن گزیده بودند. زبان آذربایجان نیز به مانند دیگر زبان‌های وابسته به گروه غربی تحت تأثیر حوادث اجتماعی- تاریخی پیچیده‌ای به صورت زبان واحد خلق تشکیل یافته و به تکامل رسیده است.

زبان ترکی که حدوداً ۲۰۰ میلیون نفر سخنگو در سراسر جهان دارد به حکم قانونمندی بی‌مانندش جزو بالنده‌ترین و درخشانترین و کاملترین زبان‌های دنیا است.

زبان ترکی در آذربایجان

اطلاعات به دست آمده از منابع و مآخذ تاریخی و نتایج حاصل شده از تحقیقات علمی در طول سالیان دراز نشان می‌دهد که از قدیم الایام در سرزمین ماد- آتروپاتن، طوایف و اتحادیه‌های- قبیله‌ای ترک‌زبان زندگی می‌کرده‌اند. بیش از همه، نویسنده «تاریخ ماد» به این موضوع اشاره کرده است. «دیاکونف» درباره اسکان اقوام غیر ایرانی در حیطة حکومت ماد و تعیین زبان مردم ماد به نظرات دیگر دانشمندان نیز اشاره کرده و از آن‌ها در این زمینه سود جسته است. آنچه از تحقیقات دیاکونف استفاده می‌شود، این است که در سرزمین ماد و مرکز آن‌ها یعنی همدان (اکباتان) مادهای غیر ایرانی زبان نیز می‌زیسته‌اند. سند دیگری که به زندگی مادهای غیر ایرانی زبان در همدان (اکباتان) پایتخت مادها دلالت دارد، اثر «آ. آ. گرانوفسکی» است. غیر از او دانشمندان دیگری نیز نظریه‌های مشابه ابراز می‌دارند و به نحوی به وجود چنین واقعیت تاریخی اصرار می‌ورزند.

اما در میان همه این اسناد و مآخذ تاریخی و فرضیه‌ها و نظریه‌ها، نوشته «توفیق حاجیف» بیشتر از دیگران جلب توجه می‌کند. حاجیف توجه خود را روی یک مسأله یعنی زندگی مادهای غیر ایرانی زبان در اکباتان (همدان) پایتخت ماد معطوف می‌دارد و از سکونت ترکان در آن سرزمین خبر می‌دهد. او چنین می‌نویسد: «به نظر می‌رسد همین طوایف غیر ایرانی زبان همانا ترکان بوده‌اند. باید توجه داشت که چنین شرایط تاریخی می‌تواند شروع منطقی باشد که در آینده آذربایجان را به مرکز زبان ترکی برگرداند. در این جا صرفاً موقعیت فعال اقوام ترک زبان است که این قسمت از ایران را به تدریج از اراضی ایرانی‌زبان مجزا ساخته و زبان ترکی را در آن غالب می‌سازد». غیر از حاجیف، پرفسور دکتر «رضا نوره»

در گرامی اثر خود به نام «تاریخ ترک» با بیانی قاطع و بدون شک و تردید به موقعیت آذربایجان آنروزی و اسکان ترکان در این سرزمین و زبان آنان اشاره کرده و به شرح زیر اظهار نظر می‌کند:

«آذربایجان قسمت غربی و جنوب غربی دریای خزر است. به عبارت صحیحتر، سرزمینی است که از حوالی تهران آغاز شده، همدان، زنجان، دریاچه ارومیه را در بر گرفته و تا کوه «قاف» (قفقاز) کشیده شده است. نام قدیمی این سرزمین ماد بوده است. رومیان و بیزانسیان به آن آتروپاتن می‌گفتند». نویسنده چنین ادامه می‌دهد: «نخستین اهالی شناخته شده ماد ترکان هستند. آنان ابریشم را از چین آورده و به بیزانسیان می‌فروختند». همو در ادامه مطالب خود، مادها را از نژاد ترک به شمار آورده و با بیان روشتر می‌نویسد: «نخستین صاحبان سرزمین ایران پیش از میلاد مادها هستند و پیش از آنان نام ایران و عجم وجود نداشت. ماد حکومت همه سرزمین را در دست داشت. مادها نیز ترک بودند. این ترکان در تمامی قسمت‌های شمال شرق ایران امروزی سکونت داشته‌اند». باز درباره تمدن درخشان مادهای ترک نژاد چنین گوید: «این ترکان که به مدت چهار قرن حکومت کرده‌اند، دارای تمدنی والا بوده‌اند. به گفته محققان اروپایی، تمدن ایرانی صرفاً بر پایه مدنیت مادها پا گرفته و رشد کرده است. به عبارت دیگر، تمدن ماد در تمدن ایرانی همانا تمدن توران بوده است و آغازگر دولت ایران همانا دولت ترک ماد می‌باشد».

جالب است که پرفسور «بسیم آتالای» نیز با قاطعیت تمام و با بیانی شیوا روی ترک بودن نخستین اهالی ماد تأکید کرده و چنین نگاشته است: «دولت ماد تنها در سایه ترکان توانسته است به موفقیت‌های علمی، فرهنگی و هنری دست یابد».

مسلم است که به قول «م. کریمی»، «طرح ترک بودن مردم اصلی ماد و موقعیت غالب آنان و افکار و ملاحظاتی از این دست اعتراض عده‌ای را به دنبال خواهد داشت». اما بررسی برخی اسناد و مدارک، حقایق را روشتر می‌سازد و هیاهوی آنان و افکار و عقاید دگم گونه شووینیزم را باطل می‌سازد و تک صدای آن‌ها را خاموش می‌کند. واقعیت این است که در سرتاسر اراضی موجود در همسایگی ماد در طول قرون و اعصار، نمایندگان کهنتر آسیای مقدم و ساکنان شناخته شده آن یعنی «سومریان» و «اکدیان» زندگی می‌کرده‌اند. معلوم است که سومریان و اکدیان و نیز اندیشه نزدیکی ژنتیکی زبان آنان با زبان‌های ترکی و حتی ترک بودن همه آنان سالیان درازی است که مباحث آتشی‌نی را موجب شده است.

حاجیف برای اثبات و تحکیم افکار خود درباره ارتباط زبان‌های سومری و ترکی و قرابت ژنتیکی آن‌ها به مقایسه‌های مشخص در شکل‌گیری گرامری این زبان‌ها دست می‌یازد و نکات جالب توجهی از تشابه و هماهنگی آن‌ها را مطرح می‌سازد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که اسناد ارائه شده حداقل این امر را تصدیق می‌کند که در دوران سومر و در همسایگی آنان، اقوام ترک‌زبانی زندگی می‌کرده‌اند که

امکان داشته‌اند روابط فرهنگی و اقتصادی را حفظ نمایند و از یکدیگر متأثر گردند.

آکدیان و سومریان نیز همچون ترکان باستانی به ستایش و پرستش ماه، خورشید، ستارگان و نیروهای طبیعت می‌پرداختند. غیر از دانشمندان یاد شده، دانشمندان و محققان دیگری نیز از جمله «ن. ی. مار»، «ژ. ا. پر» و ... زبان‌های سومری، آکدی و عیلامی را از زبان‌های «یافتنی» (ترک) به شمار آورده‌اند. مار به مطالعات دامنه داری دربارهٔ زبان عیلامی پرداخته تا برای فرضیهٔ خود دال بر یافتنی بودن زبان‌های یاد شده نمونه‌هایی بیاید. بالاخره دانشمند مذکور زبان عیلامی را مادی خواند و البته بسیاری از دانشمندان زبان عیلامی را خویشاوند زبان‌های ترکی دانسته‌اند و دیاکونف احتمال چنین ارتباطی را بسیار قوی توصیف می‌کند. از سوی دیگر نویسندهٔ کتاب «تاریخ ماد» زبان عیلامی در هزارهٔ اول پیش از میلاد را به کاسپی‌هایی که در جنوب غربی دریای خزر زندگی می‌کردند، نسبت می‌دهد.

برابر نظریه‌های ارائه شده از سوی متخصصان، میان زبان‌های عیلامی و ترکی، قرابت ژنتیکی و نزدیکی ریشه‌ای و دستوری وجود دارد. «ز. ژامبولسکی»، با صراحت وجود جهات مشترک در زبان‌های عیلامی و ترکی را مطرح ساخته می‌نویسد: «در زبان عیلامی واژه‌هایی چون «اؤکوز»، «میشه» و ... با همان مفاهیم آشنای ترکی مشاهده می‌گردند و دارای همان مفاهیمی هستند که امروز در زبان آذری دارند.

از سوی دیگر، تحقیقات تاریخی و باستان‌شناسی نشان می‌دهد که حتی در قرن ۱۴ ق. م. (۳۵۰۰ سال پیش) در آذربایجان قدیم، در اطراف دریاچهٔ ارومیه، طوایف ترک‌زبانی می‌زیسته‌اند و دارای تمدنی نیز بوده‌اند. این امر را کتیبه‌هایی که از ملل قدیمی آسیای مقدم به خط میخی کشف شده و در معرض استفاده قرار گرفته است، به ثبوت می‌رساند. به عنوان نمونه می‌توان به این واقعیت تاریخی اشاره کرد که در ۳۵۰۰ سال پیش از این ترکان در منابع آشوری با نام «تورک‌ها» و در آغاز هزارهٔ اول پیش از میلاد یعنی ۳۰۰۰ سال پیش در نوشته‌های میخی اورارتویی با نام «توریک» معرفی شده‌اند. این سند تاریخی، نشانگر آن است که حدود ۳۰۰۰ و ۳۵۰۰ سال پیش از این اقوام ترک‌زبان همسایهٔ نزدیک آشوری‌ها و اورارتویی‌ها بوده‌اند و از هر حیث به ویژه از لحاظ فرهنگی و مدنیت با آنان به رقابت برخاسته‌اند. برابر اسناد دیگر تاریخی می‌توان با صراحت نتیجه گرفت که طوایف ترک یکی از ساکنان اصلی و قدیمی در سرزمین ماد-آرتو پاتن بوده‌اند و همسایگان آنان بر اقوام دیگری همچون آسوری‌ها، هوریت‌ها و اورارتوها شامل می‌شده است. در اطلاعاتی که «هرودوت» یونانی مورخ قرن پنجم پیش از میلاد دربارهٔ «سایپر»های (ساویرهای) ماد به دست می‌دهد، سکونت آنان را در کرانه‌های رودخانهٔ ارس و در همسایگی «کلخ»ها، «اورارتو»ها، «آلاروتید»ها، به ثبوت می‌رساند. و بنا به احتمال «ق. آ. مسکیشویلین»، قبایل هوریت، اورارتو، «اسکیت» و «کیمری»ها در اتحادیهٔ طایفه‌ای ساسپر‌ها وارد شده‌اند. جالب است

که در کتیبه‌های اوزرخون نیز «سابیر» (ساسپر) یکی از طوایف ترک قدیم به شکل «ساپر» نوشته شده است. پس می‌توان گفت، زندگی صدها ساله طوایف «عیلام»، «آشور»، «هوریت»، «اورارتو» در همسایگی قبایل ترک‌زبان در سرزمین آذربایجان آن روزی - هر دو سوی ارس - یک حقیقت تاریخی و واقعیت قدیمی و باستانی است.

جریان ارتباط تاریخی اسکیت‌ها با مادها مدلل می‌سازد که آذربایجان از قدیم‌الایام محل اسکان ترکان بوده و سند معتبری است مبنی بر تبدیل قبایل ترک‌زبان این سرزمین به مردم «ساکن» و «اهالی بومی و دایمی» این اراضی. از لابه‌لای کتب تاریخ استفاده می‌شود که قسمت اعظم اسکیت‌ها در قرن هفتم پیش از میلاد از کناره‌های دریای سیاه و شمال قفقاز حرکت کرده و به خاک آذربایجان وارد شده‌اند. در آثار «ا. آ. پاخامف» نیز به آمدن طوایف اسکیت و کیمری به آذربایجان و امتزاج آنان با مردم بومی این سرزمین اشاره شده است.

همه این‌ها نشانگر این است که آمدن اسکیت‌ها از نظر تاریخی به آذربایجان و امتزاجشان با مردم بومی حقیقتی انکارناپذیر است و اکثریت متخصصان در این نظریه تردید به دل راه نمی‌دهند. علاوه بر منابع تاریخی، جریان اسکان اسکیت‌ها را در ماوراء قفقاز از جمله آذربایجان، کاوش‌های زمینی و کشف اشیاء مربوط به فرهنگ و تمدن اسکیت‌ها نیز به ثبوت می‌رساند. پس از استقرار این قوم در اراضی یاد شده در نیمه اول قرن هفتم پیش از میلاد، اسکیت‌ها در آذربایجان اقدام به تشکیل دولت مستقلی نمودند. بنا به باور «ر. فرایا»، مرکز اصلی پادشاهی اسکیت‌ها، همانا سرزمین مغان آذربایجان بوده است. دانشمندان دیگری نیز از جمله «ر. بارت»، «ق. غیب‌الله‌یف» با فرایا هم‌عقیده‌اند. بنا بر این اسکان اسکیت‌ها و تشکیل دولت توسط این قوم از نظر تاریخی در قفقاز به ویژه سرزمین جمهوری آذربایجان کنونی و آذربایجان ایران حقیقتی انکارناپذیر است.

علاوه از منابع ذکر شده، در جغرافیای ارمنی قرن هفتم نیز طایفه «اسکیفیا» به عنوان «آناختارخ» یعنی ترک توضیح داده می‌شود و چنین نشان داده می‌شود که ترکان در سرزمین اسکیت‌ها زندگی می‌کنند.

«ف. ق.» میسشنکو در سال ۱۸۹۶ میلادی هنگام کاوش‌های زمین‌شناسی بر پایه اشیاء کشف شده از قبور اسکیت‌ها، با قاطعیت تمام اساس پادشاهی اسکیت‌ها را متشکل از ترکان قلمداد کرده است. «ر. راسک» نیز طایفه‌های «تورک-منگول»، «مانجور»، «تونقوس»، «فین» و «اوغور» را از طایفه‌های اسکیت به شمار آورده است. برابر اسناد و اشیاء به دست آمده دیگر، چنین فهمیده می‌شود که اسکیت‌ها از نظر تاریخی در اراضی پیرامون رود «کر» و «ارس» و میان این دو رود اسکان یافته‌اند که از قرن سوم هجری قمری به آنجا «اران» گفته شده است. معلوم است که اران دارای منشاء ترکی است، زیرا این واژه همان

«آران» یا «اران» - هر دو بدون تشدید- است که به معنای «جای گرم» بوده و در مقابل یایلاق (ییلایق) به کار می‌رود. تاریخ نویسان ارمنی هم این کلمه را واژه‌ای ترکی می‌دانند. از جمله «گوکاسیان» این کلمه را دارای اصالت و منشاء ترکی می‌داند. اتفاقاً کلمه اران در منابع قدیمی ترکی نیز آمده است.

در جمع بندی این دوره از تاریخ، می‌توان نتیجه گرفت که در تمامی اراضی ماوراء قفقاز در طول سالیان دراز، قبایل ترک‌زبان و زبان ترکی برای خود وزنۀ خاصی داشته است و در تمامی حرکت‌های قبیله‌ای در این منطقه، ترکان حرف اول را می‌زده‌اند. بنا بر این، هیچ تردی نیست که ترکی سخن گفتن آذربایجانیان بر گرفته از علاقه این مردم به اجداد ترک زبان خود بوده است، زیرا تماس با قبایل ترک دلیل قانع کننده‌ای برای زبان این سرزمین نیست. تصادفی نیست که مردم آذربایجان از نظر آنتروپولوژیک با خلق‌های جنوب شرقی آسیای مقدم نزدیکی غیر قابل انکاری دارند.

بسیاری از زبان شناسان عقیده دارند که بومیان آذربایجان یا بخش عمده آن ترک زبان بوده‌اند و ریشه زبان ترکی در این سامان به هزاره‌های پیش از میلاد مربوط می‌شود. به طور خلاصه می‌توان پذیرفت که طوایف ترک‌زبان در طول سده‌های مختلف وقتی پایشان به آذربایجان می‌رسید، با هم‌زبانان خود مواجه می‌شدند و به همین خاطر به راحتی پذیرفته می‌شدند. معمولاً همین طایفه‌ها به زبان‌های مختلفی از شاخه‌های ترکی سخن می‌گفته‌اند که امروزه زبان آذری بر آیندی از این زبان‌ها است که اصالت خود را در طول هزاران سال حفظ کرده و از گزند حوادث مصون مانده است.

در بسیاری از کتاب‌های عربی و فارسی، از جنگ «وهرام» پنجم ساسانی (بهرام گور) که روزگار شاهنشاهی وی پس از مرگ یزدگرد اول ساسانی در فاصله سال‌های ۴۲۱-۴۳۸ یا ۴۳۹ میلادی بوده است، با ترکان سخن رفته است که در این جا به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- محمدبن جریر طبری در ذکر پادشاهی بهرام پنجم ساسانی، جریان جنگ وی با «خاقان» پادشاه ترک را چنین می‌نویسد:

«و چنان شد که بهرام پس از پادشاهی سرگرمی و تفریح را از کارهای دیگر برتر می‌دانست، چندان که عیب‌گویی رعیت بر رفتار وی بسیار شد و شاهان اطراف به طمع دست اندازی به قلمرو وی افتادند و نخستین کسی که به اندیشه ستیزه‌جویی افتاد، خاقان پادشاه ترک بوده که با دویست و پنجاه هزار از ترکان به جنگ وی آمد و پارسیان خبر یافتند که خاقان با سپاهی بزرگ آهنگ بلادشان دارد و بیمناک شدند. . . بهرام. . . سوی آذربایجان رفت که در آتشکده آنجا عبادت کند و از آنجا سوی ارمیه رود. . .».

۲- ابو حنیفه احمد بن داود دینوری نیز از حمله خاقان ترک علیه بهرام گور سخن به میان آورده است:

«و چون پادشاهی برای بهرام فراهم و استوار شد، خوشگذرانی را بر کارهای دیگر برگزید تا آن

اندازه که رعیت او را در این کار سرزنش کرد و پادشاهان اطراف او به کشورش طمع بستند، نخستین کس که در این مورد قیام کرد، پادشاه ترکان بود که با لشکرهای خود در خراسان پیشروی و شروع به حمله کرد... بهرام... آهنگ دشمن نمود... و برادرش «نرسی» را به جانشینی خود گماشت و به سوی آذربایجان حرکت کرد... و چون به خاقان خبر رسید که بهرام گریخته و مردم کشور معتقد به فروتنی برای خاقان شده‌اند، شیفته شد و خود و سپاهش در امان شدند و در جای خود منتظر رسیدن نمایندگان و اموال شد...»

آنچه حایز اهمیت فراوانی است، این است که اکثر مورخان در دوره ظهور آیین آسمانی اسلام، عقیده دارند که آذربایجان به طور کلی در دست ترکان بوده است، زیرا منابع تاریخی نشان می‌دهند که در دهه‌های اولین سده نخست و در زمان خلافت «عمر بن خطاب» لشکر اسلام در آذربایجان با ترک‌ها رو به رو شده‌اند. از جمله این منابع «اخبار عبید بن شریه» است. عبید که در سال ۶۷ هـ. ق. دار فانی را وداع گفته است، جهانگرد ماهری بوده، وقتی از وضع آذربایجان به معاویه خلیفه اموی گزارش ویژه می‌دهد، از این سرزمین به عنوان دیار ترکان یاد می‌کند. همین روایت دوبار در «کتاب التیجان فی ملوک حمیر» نوشته شده در سده دوم هجری قمری توسط «ابن هشام» تکرار شده و در آن جا آذربایجان وطن اصلی و اجدادی ترکان به شمار آمده است. این موضوع در منابع دیگری هم از جمله «تاریخ طبری»، «تاریخ بلعمی»، «الکامل» ابن اثیر و سایر منابع تکرار شده است. «محمد عوفی» در کتاب «جوامع الحکایات و لوامع الروایات» در ذکر خلافت «عمر بن عبدالعزیز» (سال ۹۹ تا ۱۰۱ هـ. ق.) از قیام و حرکت حدود ۲۰ هزار نفر از ترک‌های آذربایجان و برخورد آنان با چهار هزار نفر نیروی عرب‌تبار سخن رانده است. دیگر اسناد و منابع عربی هم مردم آذربایجان را در قرن ششم و هفتم میلادی یعنی مقارن با ظهور دین اسلام ترک زبان قلمداد کرده‌اند. با قبول این مسأله حتمی می‌توان نظر داد که جریان شکل‌گیری و استحکام این زبان از سده‌های پیشتر شروع شده است. این نظریه را اندیشمندان اسلامی در آثار گرانقدر خود و دانشمندان غیر اسلامی نیز قبول کرده‌اند.

منابع یونانی در دوران اولیه میلادی به حضور طوایف ترک‌زبان در آذربایجان اذعان دارند. «استرابن» و «پلینی» دو مورخ نامدار یونان در قرن اول میلادی و «دیونیسوس پریگت» جغرافی‌نگار قرن چهارم میلادی ساکنان قسمت غربی دریای خزر را قبایلی چون «سایبرها»، «کنگرلوها»، «هونها»، «سکاها»، «کاسپیها»، «کادوسها»، «آلبانها»، «گیرکانها»، «ماردها»، «تاپیرها» نام می‌برد. این قبایل همه ترک‌زبانند و این امر می‌رساند که در سده‌های اولیه میلادی قبایل ترک‌زبانی که از نظر تعداد نیز اندک نبوده‌اند، در آذربایجان سکونت داشته‌اند. بنا بر این، درباره اسکان قبایل ترک زبان در آذربایجان از زمان‌های باستان اطلاعات مشخص را می‌توان از منابع یونانی استخراج کرد. مثلاً در یکی از منابع آمده است که در سال

۲۴ م. در بیلاق‌های با صفای «شروان» و «میل» ترکان می‌زیسته‌اند.

«ر. یاتکانیان» نویسندهٔ ارمنی تبار در قرن ۱۹ میلادی نمونه‌هایی از کلمات آذری موجود در زبان ارمنی در منابع قرن چهارم- پنجم میلادی به دست داده است. کتاب «تاریخ آغوان» از «موسی کالانکاتی» مربوط به قرن هشتم میلادی دارای کلمات ترکی زیادی است. «گوکاسیان» روی این کلمات، کارهای ارزنده‌ای انجام داده است و با قاطعیت ساکنان اصلی و بومی سرزمین آذربایجان را ترکان می‌شناسد. آنچه بیان گردید، از اسکان ترکان در سده‌های اولیهٔ میلادی تا ظهور دین اسلام در آذربایجان خبر می‌دهد و محققان زبان آذری در قرن‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی عقیده دارند تا این دوره زبان آذری حداقل راه هزار سالهٔ تکوین و تکامل را پشت سر نهاده است. پرفسور «توفیق حاجیف» اسکان ترکان در آذربایجان در دوره‌های پیش از میلاد را جستجو می‌کند: «منابع نشان می‌دهند که در هزارهٔ دوم و سوم پیش از میلاد در اراضی آذربایجان اتحادیه‌های طایفه‌ای شروع به شکل‌گیری کرده... رفته رفته این اتحادیه تکوین یافته و بزرگتر می‌شوند». مؤلف یاد شده در این شکل‌بندی، نقش اصلی را اتحادیه‌های طایفه‌ای برای طوایف ترک‌زبان قایل است.

به هر صورت طوایف ترک‌زبان در سرزمین آذربایجان از نظر اقتصادی و سیاسی از موقعیت برتری برخوردار بوده‌اند. لذا مردم دو سرزمین آروپاتن و آلبانیا در نتیجهٔ عوامل فوق متحد می‌گردند و زبان واحدی را انتخاب می‌کنند.

در قرن‌های اولیهٔ اسلامی زبان ترکی آذربایجان نه تنها واسطهٔ انسیت و زبان عمومی مردم ترک و غیر ترک سرزمین آذربایجان بود، بلکه دایرهٔ تأثیر و نفوذ آن در میان ملت‌های مختلف قفقاز و مردم مناطق همجوار گسترده‌تر می‌شد و در نتیجه، وظیفهٔ یک زبان بین‌المللی را تأمین می‌کرد.

چنین وظیفه‌ای برای زبان ترکی آذربایجان به ویژه در قرن‌های نهم و دهم میلادی به صورت مشخص‌تر به چشم می‌خورد و دایرهٔ استفاده از این زبان وسعت بسیار می‌یابد. «دمیرچی زاده» در این باره می‌نویسد: «در این دوره حتی در فاصله دریند- ری- بغداد، زبان ترکی صورت عمومی تری یافته بود.»

بی تردید می‌توان گفت که زبان ترکی آذری چنین وظیفه‌ای را در ازمنهٔ قدیمی‌تر به عهده گرفته بود. بنا به نوشتهٔ «و. گوکاسیان» زبان ساویرها و خزرها در قرن ششم و هفتم میلادی در میان تمامی خلق‌های قفقاز زبان عمومی مردم شده بود. اگر بپذیریم که ساویرها و خزرها در شکل‌گیری زبان ترکی آذری نقش مهمی ایفا کرده‌اند، می‌توان وظیفهٔ بین‌المللی زبان ترکی را تا سده‌های پیش‌تر میلادی پیش برد. صرفاً در نتیجهٔ چنین امری است که ریشه‌های زبان ترکی را می‌توان در همهٔ زبان‌های قفقازی یافت به طوری که نه تنها واژگان بسیاری از ترکی در این زبان‌ها ریشه دوانیده است، بلکه قوانین گرامری و تلفظی ترکی نیز در این زبان‌ها برای خود جا باز کرده است.

زبان‌شناسان و متخصصان برجسته جهان از توانمندی بالای زبان ترکی در دوره‌های یاد شده سخن به میان آورده‌اند. از آن جمله «و. بارتولد» می‌نویسد: «بی توجه به تأثیر فرهنگی ایران، ترکان صاحب نیروی حیاتی بزرگ بوده‌اند و توانستند زبان خود را حفظ نمایند. عادتاً زبان ترکی در برخورد با زبان‌های دیگر تسلط و سیطره خود را حفظ کرده و از برتری بالایی برخوردار بوده است.»

«ر. آچاریان» زبان‌شناس ارمنی از تأثیر شگرف زبان ترکی در زبان ارمنی سخن رانده است. دکتر «مردانیان» نیز به این تحقیقات آچاریان مهر تأیید زده و نشان داده است که زبان ارمنی با وجود این که جزو زبان‌های «هند و اروپایی» بوده، از تأثیر نیرومند زبان ترکی آذری بر کنار نبوده است.

زبان ترکی تأثیر شگرفی بر زبان‌های «اسلاو» نیز داشته است. «ن. آ. باسکاکف» می‌نویسد: «زبان ترکی آذری در گروه زبان‌های اسلاوی شرقی از جمله «روسی»، «اوکراینی» و همچنین «بلاروسی» تأثیر قابل توجهی داشته است و در فرم و شکل‌گیری این زبان‌ها تأثیر شایانی نهاده است.»

بی تردید نگارش آثار ترکی در قرن‌های چهارم و پنجم میلادی و رسیدن به آذربایجان زمینه را برای زبان ادبی آذربایجان آماده ساخته است. وجود ده‌ها کتیبه مهم و ضبط و ثبت صدها بیت شعر بلند و کوتاه ترکی در «دیوان لغات الترك» (سال نگارش ۴۶۶ هـ. ق.) نشانگر زبان ادبی هزار ساله ترکان است.

قرن ۱۲ میلادی را می‌توان عصر رنسانس ادبی آذربایجان به شمار آورد. ظهور ده‌ها شاعر بلند آوازه و خلق آثار بسیار گرانقدر مؤید ادعای ما است. در این دوره هر چند که آثار زیادی به زبان‌های فارسی و عربی نیز نوشته می‌شوند، شاهد رغبت و اشتیاق شاعران و عالمان نسبت به زبان و فرهنگ مادری خود هستیم. رغبت شاعرانی چون «نظامی گنجوی»، «خاقانی شروانی»، «مہستی گنجوی»، «فلکی شروانی» و... به زبان اصیل مادری‌شان مصداق مثل معروف «مشت نمونه خروار» می‌باشد. نظامی کتاب ارزشمند و جاودانه «ده قورقود» را در آثار خود جان تازه‌ای بخشیده و صدها عبارت و اصطلاح ادبی ترکی را به زبان فارسی برگردانده است. ده قورقود چه از نظر موضوع و چه از نظر زبان ادبی در خلاقیت آثار این دوران نقش بارزی ایفا کرده است.

در این دوره و از آن به بعد زبان ترکی آذری نه تنها در آذربایجان به عنوان زبان ادبی شاعران و عالمان مطرح می‌شود، بلکه در کشورهای همسایه، مناطق شرق دریای خزر، آسیای صغیر، خراسان و... زبان ترکی آذری در تدوین آثار ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این دوره زبان ادبی آذری به زبان قدرتمند مشرق زمین تبدیل شده بود. آثار بی شماری که در قرن سیزدهم میلادی به زبان ترکی آذری نوشته شده است، نشانگر دایره نفوذ این زبان است. آثار اندیشمندان و دانشمندانی چون «محمود کاشغری»، «یوسف بالاساغونلو»، «خواجه احمد یسوی» باعث خلق آثار گرانسنگ و ارزشمندی توسط شاعران بزرگی چون «حسن اوغلو»، «احمد فقیه»، «یوسف مداح»، «مصطفی ضریر» و... می‌شود و زمینه

را برای ظهور صدها شاعر آذری چون «عماد الدین نسیمی»، «قاضی احمد برهان الدین»، «فضولی»، «ختایی»، «ملک الشعرا حبیبی»، «کشوری»، «صادقی» در قرن‌های بعدی آماده می‌سازد.

نفوذ و تأثیر زبان ترکی آذری در زبان پارسی نیز حقیقتی انکار ناپذیر است. گذشته از این ترکان پارسی‌گوی هدایایی گرانقدر از فرهنگ مادری خود به زبان فارسی عرضه داشته‌اند. نفوذ صدها واژه ترکی در آثار نظم و نثر فارسی نیز حایز اهمیت فراوانی است و امروز زبانی به نام ترکی آذری از گذشتگان نیک‌نام به عنوان میراث ارزشمندی به دست ما رسیده است که در حق آن کافی است بگوییم: «با قاعده‌ترین و کامل‌ترین و شیرین‌ترین زبان‌های جهان فعلی است».

منابع این مقاله:

- ۱ - آذربایجان در سیر تاریخ ایران، رحیم رئیس‌نیا، ج ۲، تبریز ۱۳۳۸.
- ۲ - آذربایجان ادبی دلی‌نین تاریخی، توفیق حاجیف، باکو ۱۹۰۱.
- ۳ - تۆرک بۆیوکلری، بسیم آتالای، ج ۴، ۵، استانبول ۱۹۳۹.
- ۴ - آذربایجان دلی تاریخی، جهانگیر قهرمانف، باکو ۱۹۹۱.
- ۵ - تاریخ ماد، دیاکونوف، ترجمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۵۷.
- ۶ - تواریخ، هرودوت یونانی (پدر تاریخ) ترجمه وحید مازندرانی، تهران.
- ۷ - مقدمه‌ای بر تاریخ تحولات زبان ترکی آذری، م- کریمی، زنجان ۱۳۸۱.
- ۸ - اخبار الطوال، ابوحنیفه احمدبن داود دینوری، ترجمه دکتر محمد مهدوی دامغانی، تهران ۱۳۶۴.
- ۹ - تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، محمدبن جریر طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران ۱۳۶۲.
- ۱۰ - ایران در زمان ساسانیان، آرتور کریستینسن، ترجمه رشید یالمی، تهران ۱۳۶۷.

۱۵- جى يۈز ايللىگىن ادبىي شخصىتى حىببى

سراج الدىن حاجى

فىلولوگىيا علملر نامزدى

يازىمىزا كۆچۈرن: ح. م. ساوالان

۱۵- جى يۈز ايللىك آذربايجان تۈركلىرى نىن سىياسى، علمى، ادبى، مدنى كىملىگى نىن بېچىملىنمە- سىندە آيرىجا يىر تۇتور. بۇ دۈنمە مىلى و دىنى قايناقلا اۈزرىندە بۇى اتان عنعنەلر فۇرمالاشماسى نىن ايلكىن مرحلەسىنى باشا وورراق جىدى نىتجەلر وثرىر. ۱۳- جو يۈز ايلدن باشلاپ اراق عۆمومى تۈركجە- دن آيرىلان و «محللى بىر تۈرك دىلنە» چشورىلمىش آذربايجان تۈركجەسى ۱۵- جى يۈز ايللىكىدە بۇ بۆلگە نىن سىياسى و ادبى مۆحىطى نىن آپارىجى دىلى اولور، سارايىن و اۈردونون دىلنە چشورىلن آذربايجان تۈركجەسى آنا دىللى ادبىياتىن اينكىشافىنا گۆجلو تاثير گۆستىر، بۇ دىلدە چۆخ سايلى اثرلر يازىلىر، تۈرك دىلى اۈز ايمكانلارنى گنىشلندىرەرك ادبىياتىن بۆتون يوللارنى احاطە اندىر.

«عراق، آذربايجان و شرقى آنادولو ساحەلرىندە كلاسىك آذرى ادبىياتى نىن اينكىشاف يۈلۈندا داوامسى طىبعىدېر. ... كۆچمە تۈركمەن قىبەللىرى نىن تشكىل ائتدىگى اۈردودا و سارايلاردا تۈركجە نىن اهمىتى آرتمىشىدى. . . قارا قۇيونلو و آغ قۇيونلو پادشاهلارى، ايران ادبىياتى نىن اينكىشافىغا خىدمت ائتدىكلرى قدر تۈركجە اثرلر يازىلماسىنى دا تشويق اتمىشلردىر. . . آغ قۇيونلار دۈورۈندە، بالخاصە قۇوتلى بىر علاقه و حىمايه گۆستىرىلدىگىنى، بىر چۆخ مۆكىفلرىن، شاعىرلرىن آغ قۇيونلو شاهزادەلرى نامىنا اثرلر وۆجۈدە گتىردىكلرىنى بىلىرىك...»^۱

۱۵- جى يۈز ايللىكىدە آذربايجان سىياسى وارلىغى نىن گۆچلنمەسى، قاققازىن، ياخىن و اۈرتا شرقىن قۇدرتلى دۈولتلىرىندىن بىرىنە چشورىلمەسى مىلى ادبىياتىن سىياسى حىمايهسىنى تامين ائتدى. «... آغ قۇيونلو اۈزۈقلارى نىن آذربايجاندا حاكىمىتلىرى دۈورو بۇ اولكە نىن ان پارلاق و تۈرك نۆفۇدونون ان چۆخ

یایلدیغی دؤور ایدی...»
 ۱۵- جی یوزایللیک سیاسی، مدنی، ادبی مۆباریزه دۆنمیدیر. بۇ دۆنمده میلی دۆولت حدلرینی گئیشلندیریر، شیعه‌لیگین یایلماسی چۆخ ساییل چتینلیکلرله اۆزلیشیر. بۇ مذهب قیلینچ و قلمین گۆجو ایله سیاسی و مدنی مۆحیطده، اؤیغون بۆلگه‌ده اؤزونه یئر تۆتور.

۱۵- جی یوزایللیکده آذربایجان ادبیاتیندا آیری- آیری دینی، ادبی جریانلارین تأثیری آرتیر. «بۇ عصرده آذربایجان تۇرپاقلاریندا بیر یاندان ایران، بیر طرفدن ده اورتا آسیا تصوّف حرکات و ادبیاتلاری- نین تأثیری آلتیندا گۆجلو بیر تصوّف جریانی بۆلوندوغو و آذری تۆرک ادبیاتی نین بۇ ساحه‌لرده داها چۆخ بیر تصوّف ادبیاتی حالیندا گلشیدیگی سۆیلنه بیلیر»^۱.

بۇ دۆنمده حۆروفیلیک جریانی ادبیاتین بیجیملنمه‌سینده، ادبیاتین ایسدتیا و اؤسلوبوندا آیریجا یئر تۆتور، تصوّفون تأثیری ایله ادبیاتدا بیر یاندان وحدت- وۆجود گۆروشو یئرلشیر، باشقا یۆندن ایسه حۆروفیلیک دۆشونجه‌سی نین بۆیوک شاعیری، ادبی ایسدتولوقو نسیمی نین نۆفوذو میلی ادبیاتین گۆجلنمه‌سینه یۆل آچیر، نسیمی نین تأثیری ایله بیر سیرا شاعرلر یئتیشیر. گرچک اولان بۇدورکی، ۱۵- جی یوزایللیک آذربایجان تۆرک ادبیاتی نین مضمونونو، اینکیشاف یولونو نسیمی و اونون آردیجیللاری بللی اندیر.

۱۵- جی یوزایللیکده میلی ادبیاتین وزینده عروض دا وار، هیجادا. بۇ ایکی اولچو آراسینداکی مۆباریزه ده ادبیاتین ایرلیمه‌سینه یۆل آچیر. ادبیاتدا اسکى دۆردلۆکلرین سایی آرتیر، ائل ادبیاتی دیوان ادبیاتی نین مضمون و قۇرولوشونا تأثیر اندیر. آرتیق ائل ادبیاتی نین ایزلری دیوان شعرى نین تکجه دیلینده دگیل، مضمونوندا دا آیدین گۆرونور.

بۇ دۆنمده غزل و قصیده ایله بیرگه مثنوی ده یازیلیر، خالق ادبیاتی و ساز شاعیرلری اؤنه چتخیر. قیزیل باشلیق دۆشونجه‌سی نین دۆرلری عروض و هیجادا یازیلان شعرلرین مضمون و فۆرماسینا یئرلشیر.
 ۱۵- جی یوزایللیکده آذربایجان تۆرک ادبیاتی ایسلام مدنیتی نین تأثیری آلتیندادیر و بۇ مدنیتی بۆتون یۆنلرده زنگینلشمه‌سینه یاردیم اندن دۆرلی اثرلر و تریب.

بۇ دۆنمده کلاسیک ادبی عنعنلر گۆجلو اینکیشاف اندیر. «خمسه» مۆوضوعلاری ادبیاتدا گئیش یئر تۆتور. «... بهیشتی نین «وامیق و عذرا»، «یوسیف و زولئیخا»، «حۆسن و نیگار»، «سۆهیل و نۆوباهار»، «لئیلی و مجنون» مۆوضوعلاریندان مثیدانا گلن «خمسه» سی، رضوانین «خمسه»- نیظامی» ترجمه‌سی، محوی نین هاتفیدن ترجمه‌ اتدیگی «حۆسرؤ و شیرین» ایله «لئیلی و مجنون» و جلیلی نین «خمسه

نظامى» ترجمەسى، عبدالوھاب خىيالى نىن «ئىلى و مجنون»، سولطان جەمىن «خورشيد و فرھاد شاھ» بۇ فەئالىتلەرنىن مەھسۇلۇدور...^۱

۱۵- جى يۈزايلىككە آيرى- آيرى تۈرك مەدنى مەركەزلىرى آراسىندا باغلىقلىق آرتىر، قارشىلىقلىق زىنكىنلىشىدورمە، قارشىلىقلىق كۆچلەندورمە باش وئىر. بۇ باغلىقلىقلىق ايزلرلى ادبىياتدا آيدىن كۆرونور.

۱۵- جى يۈزايلىككە تەرىز آذربايجاننىن سىياسى و مەدنى مەركەزى ايدى. بۇ دۈنمە قەدىم ايبك يۈلونون اۋستوندا يىرلشش تەرىز شەھرى آذربايجان تۈرك، ائەجە دە شرق (ايران) خالقلارلى نىن اينكىشاپىندا اۋنملى يىر تۇتوردور.

۱۵- جى يۈزايلىككىن سىياسى و مەدنى مۇھىطى حىببى كىمى كۆچلۈ بىر شاعىر اۋرتايا چىنخاماسىندا دا يۈل آچدى.

حىببى نىن دۇغوم ايلى، يىرى و مەزارى

حىببى نىن دۇغوم تارىخى ايلە باغلى شاعىردن يازان قايناقلاردا و تۈرك ادبىيات شۇناسلارلى نىن آراشدىرمالارىندا قەدىق بىلگى يۈخدور. شاعىرلە باغلى آراشدىرما ياپمىش كۆركملى عاليملردن مەھمەد فۇاد كۆپرولۇ، اسماعىل حەكىم، زكى ولىدى تۇغان، نىھاد سامى بانارلى، سەيدكەمال قارالى اۋغلو، آذربايجان عاليملرىندىن عزيز آقامەدوف، ائەجە دە بىر سىرا باشقالارلى حىببى نىن دۇغوم تارىخىنى كۆسترمەمىشلر.^۲

بۇنونلا بىرگە حىببى نىن دۇغوم ايلىنى يازان بىر سىرا قايناقلاردا وار. «تۈرك انسىكلوپىدىسى» نىن «حىببى» مادەسىندە شاعىرىن دۇغوم تارىخى اۋلاراق ۱۴۷۵-۱۴۷۰- جى ايللر كۆسترىلمىشىدور.

حىببى ايلە باغلى مەقالە يازمىش سەيفالدىن آلتايلى دا شاعىرىن دۇغوم ايلى نىن ۱۴۷۰-۱۴۷۵- جى ايللر آراسىندا اۋلاجاغىنى تەكرار ائىدىب. آنچاق حىببى نىن دۇغوم ايلى ايلە باغلى اۋلاراق كۆسترىلن تارىخلىرىن، قايناغى وئرىلمەدىگىندىن، اھتىمال خاراكتىرى داشىبىر.

شاعىرىن دۇغوم ايلى نىن بىللى ائىدىلمەمەسى بىر سىرا چىتىنلىكلردن ايرلى گلير. بۇ ايلك سىرادا حىببى نىن بۇتۇۋ بىدىعى يارادىجىلىغى نىن اللە اۋلاماماسى، شاعىرلە بىر دۈنمە ياشامىش تەذكىرە چىلرىن

۱ - مەھمەد فۇاد كۆپرولۇ، تۈرك ادبىياتى تارىخى، اىستانبول ۱۹۸۰، ص ۳۷۰

۲- مەھمەد فۇاد كۆپرولۇ، تۈرك ادبىياتى تارىخى، اىستانبول ۱۹۸۰، اسماعىل حەكىم، «حىببى»، حىيات مەجموعەسى، سايى ۶۶-۶۷-۶۸، اىستانبول ۱۹۸۰، زكى ولىد تۇغان، اىسلام انسىكلوپىدىسى، آذربايجان مادەسى، ج ۲، عزيز آقامەدوف، «حىببى» ادلى كىتابا يازدىغى اۋن سۇز، ۱۹۸۰

اۋنۇن دۇغوم تارىخىنى گۇسترمەمەسى و حبىبى نىن حياتى نىن سىياسى قارىشىقلىقلار ايچىندە كىچمەسى ايله باغلىدىر. حبىبى نىن دۇغوم يىرى ايله باغلى تۈرك عاليملىرى نىن دۆشۈنچەسى بىردىر. حبىبى آذربايجانين «گۆى چاي» بۆلگەسى نىن «برگۆشاد» كىندىندە دۇنيايا گۆز آچىب. حبىبى نىن ايلك دۇورلرینه عاييد معلوماتى بيزه سام ميرزه ۹۵۸- دە يازمىش اولدوغو تذكيره ده وئيرير. اۇنا گۆره «حبىبى آذربايجاندا گۆى چاي ناحيه سينده، برگۆشاد قصبه سينده دۇغولموش و آغ قۇيونلو حۆكمدارلار يىندان سۇلطان يعقوبون لۇطف- ترييه سيله يىتتيره رك طبع- شاعيرانهسى اينكىشاف اتمىشدير...» (ص ۳۶).

حبىبى نىن اولوم تارىخى ايله ده باغلى دۇغرو بيلگى يۇخدور. بۇ قايناقلاردان بىرى لطفى تذكيره سيدير. لطفى شاعيرين بىرىنچى سليم دۇنمينده ۱۵۲۰- جى ايلدن قاباق اولدوگونو يازىب. «عسگر يتله عاشيق چلبى دن ايستيفاده اتمىش اولان خينالى زاده حسن چلبى ده همان- همان بۇ تذكيره ده بۇ مۇطاليعه يى يۇروتمكله برابر، لطفى يه تايدۇ اۋنۇن سۇلطان سليم دۇورونده (۹۲۶-۹۱۸) وفات ائتديگىنى تصريح ائديور كى، بالخاصه ديقته شاياندير: «ديار- عجمدن سۇلطان بايزيد زامانيندا رۇما كىچمىش پرگاروار نۇقطه-ى- جهانى اياق آلتينا آلمىش، عالمى سياحت اتمىش، اهل- علم و معرفت كيمسنه ايدى. اگرچى اداسى عجمانه، لاکين شعرى عاشيقانه و كندوسى نىن بىر طرز- مخصوصى واردير كى، اۇندا يىنگانه ايدى. سۇلطان سليم خان دۇورونده ويداع- جهانى اتمىشدى».

شاعيرين اولوم تارىخى اولاراق سۇنرادان ۱۵۲۰- جى ايل آيرى- آيرى آراشديرمالاردا اۋزونه يىر تۇتموش، دۇغرولوغو تصديق اولونماسا دا قبول ائديلمىشدير.

تۈرك عاليملىرى حبىبى نىن مزارى ايله باغلى دۆرلنديرمه لرینده اۋوليا چلبى نىن يازيلارنى اساس گۆتورموشلر: «اۋوليا چلبى نىن وئردىگى معلومات سايه سينده حبىبى نىن مدفننى بىليوروز. بۇ بۇيوك سياح سليم- اول شاعيرلرینى ساياركن حبىبى يى اۋنوتمايدىگى كيمى، آيريجا سۇدلوچه ده جعفرآباد تكيه- سيندن بحث ائدركن ده اۋنۇن قيمتدار ايضاحاتىنى وئيرور:

«زيارتگاه- سۇلطان- شۇعرا حبىبى كنديسى عجمدندير. شاه سليم- اولين نۆدماسينداندير. حقًا كى، پاكيزه اشعارى واردير. بۇ سۇدلوچه ده، جعفرآباد تكيه سينده مدفوندور. جعفرى مذهبنده اولدوغونىندان جعفرآباد تكيه سينده دفن اولونماغى وصيت ائتدى- دنيۇ مشارالايهه بعضى ايسناداتدا بۇلۇنان اولدى».

گۆركملى عالم «فؤاد كۆپرولو اۋوليا چلبى نىن شاعيرين «ملك الشعرا» اولدوغونو بيلمه سىنى اۋنۇن حبىبى نىن مزارىنى گىرچككن گۆردوگونو و بۇ آدين مزار داشيندان «نقل و ايقتيباس اتمىش» اولدوغونا باغلايىب، بۇ دا حبىبى نىن مزارى نىن سۇدلوچه ده اولدوغونو تصديقله ين بىر فاكئدير.

حېبىي نىن تانىناماسى

حېبىي ايلە باغلى دۈۋرونون تەكلىپە چىلىرى آز- چۈخ يىلگى وئىرىلەر. سام مىزەنن، لىقىنى نىن، عاشىق چىلى، حسن چىلى، اۋوليا چىلى نىن، شمس الدىن سامى نىن تەكلىپلەرنىدە حېبىي نىن اينسانى و ادبىي كىملىكى نىن آيرى- آيرى يۇنلرىندىن سۆز آچىلەر.

تۈرك عاليملىرى سىراسىندا حېبىي نىن تانىدىلماسى، شعرلىرى نىن تۇپلانماسى، نىشى، تىلىملى يۇنوندە ان چۈخ ايش گۇرن بۇيوك عاليم فۇاد كۇپرولودور. فۇاد كۇپرولو ۱۹۳۲- جى ايلدە حېبىي نىن ۴۲ شعرىنى چاپ اتتىرىپ. عاليم حېبىي نىن عۇمور يۇلو و يارادىچىلىقى نىن اۋزلىكلىرى ايلە باغلى آراشدىرما يازىپ.^۱

داھا سۇنرا تۈرك عاليمى فۇوزىيە تانسىل دە حېبىي نىن بىر غزلىنى اۋزە چىخارىپ. حېبىي نىن اۋىرتىلمەسى يۇنوندە اسماعىل حكمت، نىهاد سامى بانارلى، على ياوروز آك پىنارن گۇردوگو ايشلەر دە دىرلىدىر.

حېبىي نىن اۋىرتىلمەسىندە آذربايجان عاليملىرى جىدى ايشلەر گۇرولەر. گۇركملى عالimler سلمان ممتاز، حمىد آراسلى، مىرزە آقا قولوزادە، عزيز آقاممدوف شاعىرىن ايرى نىن تانىناماسى، آراشدىرىلماسى و ادبىيات تارىخىندە يىر تۇتماسى يۇنوندە دىرلى آراشدىرمالار آپارىلار. بۇ عالimler سىراسىندا عزيز آقاممدوفون آيرىجا يىرى وار. عاليم آيرى- آيرى قايناقلاردان حېبىي نىن ۴۷ شعرىنى تۇپلاياراق يازدىقى بىر اۋن سۆزلە بىرلىكدە باكىدا چاپ اتتىرىمىشدىر.

حېبىي نىن آدى كىچىن بۇتون قايناقلار اۋنون اۋشاقلىقدا چۇبان اۋلدوغوندىن، بىر خۇش تصادوف نىتىجەسىندە سۇلتان يعقوبلا تانىشىدىغىندان يازمىشلار. شاعىرلە سۇلتانن گۇروشونە و حېبىي نىن يۇكسلىشىنە يول آچان بۇ حادىتە بىلەدىر:

فقرو ضرورتدن دولاي گىنجلىگىندە چۇبانلىقلا كىچىمگە مجبور اولان حېبىي نىن سۇلتان يعقوبلا
ايتتىسابى ... بىر تصادوف سايهسىندە اۋلدو. حۇكمدار مۇعتادى و جەلە بىر گۇن اووا چىخمىشىدى. يۇلدا
بىر چۇبانن قۇزولارنى اوتلاتدىغىنى گۇردو. هر نەدىسە ماراق اندەرك مەتىدە كىلرىندىن بىرىنى ايشى
آنلاماق اۋچۇن گۇندردى. حېبىي نىن يانينا گلن مۇلازىم گىنج چۇبان سۇردو:

- بۇ قۇزولار كىمىندىر؟

طبعى ظريف و حاضىر جاواب اولان حېبىي تۇركون بۇ سۇالنا شۇ جاوابى وئردى:

- قۇيونلارن.

- كۆيۈنوزون بۇيۇكلرى كىملىرىدۇر؟
- اۆكۈزلر ھېسپىندن داھا بۇيۇكلدور.
- بن اۆنو سۇرميوروم، سىزلرە پىشوالىق ائندىلىرى سۇريوروم.
- سىنىن كىمى بىر ذات كۆيوموزە گلېنچە پىشوالىق ائندىلىرى ايتلر، كۆپكلردىر. تۆرك بۇ جاوابلاردان حىداتلنەرک تۆركجە باغىردى:
- ائى نە چا پايدىم من سنى!
- حبىبى بۆنون آلتىندا دا قالما يارق شۇ جاوابى وئردى:
- چا پا گۆركى، بۇلداشلارین گىتتىدى.
- بۇ مۆكالىمەدن ھىچ مەنۇن اولمايان تۆرك، ھەن حۆكمدارىن يانينا عۇودت ائدەرک آرادا كى سۇال و جاوابلارى آنلاتتىدى. شعر و صنعتە، ظرافت و نۆكتەدانلىغا فۇوق العادە مەجذوب اولان سۇلطان يعقوب بۇ چۆيان چۇجوغون فېطرى بىر اىستعدادا مالىك اولدوغونو درحال آنلادى و اۆنون تریەسىنە و اىنكىشاف- معنویەسىنە ھىمت ائتتىدى. بۇ صورتلە ساراينىداكى بىر چۆنخ تۆرك و عجم شاعىرلىرىنە گىنج و مۆستەمىد بىر شاعىرى داھا ايتىحقاق ائتمىش اولدو.
- حبىبى سۇلطان يعقوبون ساراينىدا بۇيۇك حۆرمەتە صاحىب اولدو، شعرلىرى تانىندى و گىنىش يايلىدى. سۇلطان يعقوبون اولوموندىن سۇنرا حبىبى نىن بىر مۆدەت نىچە ياشادىغى بللى دگىل.
- «حبىبى شاه اسماعىل صفوى دۇوروندى ساراينىن ان نۆفۇذلو شاعىرى اولموش، «ملك الشعرا» آدى قازانمىشىدى. شاه اسماعىل شاعىرە بۇيۇك دۆر وئرمىشىدى. «ختانى» تەخلۇصو ایلە يازدىغى تۆركجە شعرلىرىلە مىلى لىسانە و مىلى ادبىياتا اعتىنادار اولدوغونو گۆسترن بۇ شىعە تۆرك حۆكمدارى نىن حبىبى كىمى بۇيۇك بىر تۆرك شاعىرىنە بۇ قدر توجۇه گۆسترمەسى پك طىبىعیدىر»^۱.
- قايناقلارین وئردىگى بىلگى بە گۆرە حبىبى «با يزىد- ثانى دۇورى اواخىرىندە» اىستانبولا گلمىشىدىر. تذكیره چىلر شاعىرىن بۇ آددىمى نىن سببى ایلە باغلى بىر شىى يازمامىشلار. گۆركملى عالیم فؤاد كۆپرولویە گۆرە. . . «حبىبى كىمى ملك الشعرا لىقدا تىكرىم ائدىلن بىر شاعىرىن صفوى ساراينىدان اىستانبولا گلمەسى بىر آز مەنىداردىر»^۲. عالیمە گۆرە حبىبى نىن بۇ گىدىشى سارايداكى ئابىتسىزلىكلە، اۇنا قارشى سايغىسىزلىقلا باغلى اولاي بىلر.
- «تۆرك انسىكلوپىداسى» ندا شاعىرىن اىستانبولا گىتمەسى نىن سببى ۱۵۱۴- جۇ ایلدە سۇلطان

۱ - فؤاد كۆپرولو، آذرى ادبىياتىنا عايد تەدقىقلر، باكى ۱۹۹۶، ص ۳۷

۲ - فؤاد كۆپرولو، آذرى ادبىياتىنا عايد تەدقىقلر، باكى ۱۹۹۶، ص ۳۸

سلیمین تبریزی فتح ائتمه‌سینه باغلانلیب.^۱

آذربایجان عالیمی عزیز آقاممدوف دا چالدیران دؤیوشونو حبیبی نین ایستانبولا گئتمه‌سی نین سببی کیمی گؤستریب. «۱۵۱۴- جو ایله بیرینجی سولطان سلیم صفوی جو کمداری شاه اسماعیل مۆخاریبه اعلان ائتدی. منبعلرده گؤستریلیرکی، چالدیران مۆخاریبه‌سیندن سؤنرا حبیبی عؤمرونو تۆرکیه‌ده کئچیرمیشدیر.»^۲

آنجا حبیبی نین ایستانبولا گئتمه‌سی نین تاریخی سولطان بایزید حاکمیتی نین سؤنونا دؤشدوگوندن شاعیرین بو آددیمی نین ۱۵۱۲- جی ایلدن اؤنجه اولدوغو آیدینلاشیر. حبیبی نین حیاتی نین ایستانبول دؤورو ایله باغلی الده بیلگی یوخدور.

قاینقلاردا حبیبی نین اینسانی و ادبی کیملیگی ایله باغلی بیر سیرا دیرلی بیلگیلر وار. عاشیق چلبی یازیر: «علم صاحبی و سیاحتی چؤخ سنون بیر اینساندی. آذربایجانلیلارا خاص داورانیشلارا و زامانین شاعیرلریندن آیری بیر اؤسلوبا مالیکدی. شعرلرینده عشق چشنیسی، کاراکترینده تصوف قوخوسو وار.»^۳

لطیفی یازیر: «عجم سرحدینه قریب یئردندیر. تۆرک نظم ناظیملریندندیر. بیر طرز- خاص و اؤسلوب- مخصوصی واردیر. بو فنده فرزانه و طرزینده یئگانه دیر.»^۴

لطیفی شاعیرین ایکی بئیتینی وئرمکله بیرگه بو میصراعلارا اؤزونون بیر بئیتلیک نظیره‌سینی ده آرتیرمیشدیر:

حبیبی:

بیر نظر گئتمز خیالین چشمه‌سار- دیده‌دن،
بیر پریدیرکی، پیکار اولموشدورور آنا وطن.
گئتمگه باشدان خط- سبزین خیالی، دوستیم،
گر مزارین اؤستونو توتارسا سرتاسر چمن.

۱ - تۆرک انسیکلوپدیاسی، آنکارا ۱۹۷۰

۲ - حبیبی، باکی ۱۹۸۰، ص ۴

۳ - آذربایجان تۆرک ادبیاتیندا آیده شخصیتلر، بیرینجی جیلد، آنکارا ۱۹۸۷، ص ۶۴

۴ - فؤاد کؤپرولو، آذری ادبیاتینا عایید تدقیقلر، باکی ۱۹۹۶، ص ۳۹-۴۰

لطيفى:

قامتيم خم اولدو غمدن، دست بۇسه چاره چۇخ،
باغريما تاشلار باسام خانيم كيبي، ائى سيمتن.^۱

حبيبي نين ادبىي كيمليگى

حبيبي ايرئينى آراشديران تۆرك عالملىرى شاعيرين دۆشونجه، اۆسلوب و ديل باخيميندان آذربايجانا باغلى اولدوغونو گؤسترملكه بيرگه اونون عثمانلى تۆركلىرى نين ادبياتينا دا تاثير گؤسترديگيني يازميشلار. حبيبي نين تصوّف دۆشونجه سيندن قايناقلانان، ائله جه ده عاشيقانه شعرلى، آخيجى اۆسلوبۇ اونو باغلى اولدوغو موحيطين نؤفوذلو شاعيرينه چئورميشدير. «... حبيبي آدرى ساحه سينده اولدوغو قدر عثمانلى تۆركلىرى آراسيندا دا شوهرت قازانميشدير.»^۲

حبيبي نين آراشديريجيلارى شاعيرين آذربايجان ادبياتيندا يىرى نين نسيمي ايله فضولى آراسيندا اولدوغونو، اونون بۇ ايكي بۇيوك شاعيرى بير- بيرينه باغلادىغيني اؤنه چكمشلر. «... حبيبي نين تام بير ديوانى مئيدانا چيخاجاق اولورسا، اونون نسيمي، ختائى، فضولى كيمي اخلاف و موعاصيرلريله نه بۇيوك بير موشابيهتى اولدوغو بير قات داها تايد ائديله جك...»^۳

«حبيبي، آدرى ادبياتيندا ۱۴- جو عصر شاعيرى نسيمي نى، ۱۶- جى عصرين بۇيوك شاعيرى فضولى يه باغلايان بير كنجيد دؤرونو صنعتى و شخصيتى ايله دولدورموش، اولدوقجا قودرتلى بير شاعيردير. دها چۇخ اوغور قازاندىغى ساحه غزل طرزيدير. غزللىرى عاشيقانه و صوفيانه بير ادا ايله يىر- يىر تميز بير تۆركجه ايله سؤيلىنميشدير. بير طريقته منسوب اولدوغو كسين اولاراق ييلينمه مكله برابر، اونداهم ائديلميش بير تصوّف كۆلتورو و دؤيومو واردير...»^۴

شاعيرله بير دؤورده ياشاميش نذكيره چيلر ده حبيبي نين طبعينده تصوّف قۇخوسو و شعرينده عشق چشنيسى اولدوغونو گؤستميشلر.

حبيبي اسلام دۆشونجه سينه حقلى، اوجا تانرى نين ازكى و ابدى اولدوغونا اينانان، بۇ عقيدە نى شعرلرينه يىرلشديرن شاعيردير.

۱ - فؤاد كؤپرولو، آدرى ادبياتينا عاييد تدقيقر، باكى ۱۹۹۶، ص ۴۰

۲ - فؤاد كؤپرولو، آدرى ادبياتينا عاييد تدقيقر، باكى ۱۹۹۶، ص ۴۱

۳ - فؤاد كؤپرولو، آدرى ادبياتينا عاييد تدقيقر، باكى ۱۹۹۶، ص ۴۱

۴ - نيهاد سامى بانارلى، رسملى تۆرك ادبياتى تاريخى، ايستانبول ۱۹۸۷، ص ۴۳۶

بۆزۈنۈ ھەر كى، گۆردۈق باركا الله،
 دندى ذى حۆسن ايچىندە وجە - زىبا.
 يۈزۈندۈر جنت - فيردۈۈس - اعلا،
 كى، «طه» اۈخۈر اۈندا حق تعالى.
 شۇ كىم تۈۈحيدە قايلىدىر، «احد» دئر،
 سنە، ائى حۆسن ايچىندە فرد - يشكتا.
 خط - ياقوتىنى جان مۆصحفیندە،
 حبىبا، دست - قۇدرت اتتدى اينشا.
 حقيقت سنسن، اول مظهر حقيقت،
 كى، مظهر دیر سنە سر جۆملە اشيا.
 اگر عاشيق و گر معشوق، سنسن،
 گە آدم قۇرسان آدين، گاه حوا.
 گهى مجنون اولورسان لىلى ايچون،
 گە اولورسان گشوق مجنوننا لىلا.
 گهى واميق، گهى عذرا اولورسان،
 گهى يوسف، گاه اولورسان زؤلثيخا.
 گهى احمد، على سن، گە خديجه،
 گهى مريم اولورسان، گە مسيحا. .

حبىبى «توحيد» ين آردىندان تانرى نين يارادىلىش سببى اولدوغونو آچىق جيز گىلرله گۆستىرىر:

گهى صورت اولورسان، گاه معنا،
 گهى اسما اولورسان، گە مؤسمّا.
 ائشىدىر بۇ صدائى خلق - عالم،
 كى، سنده دیر: سمعنا و اطعنا^۱.

۱ - سمعنا و اطعنا: اىلاھى، امرىنى ائشىتىدىك و ايطاعت اتتىدىك.

گۆنشدن كندۆزۆنۆ ظاهير ائتدين،
 قامۇ شئيدە گۆرنمزلاكين اعما.
 دۆ عالمده نه كيم وار، جۆمله سنسن،
 اكر اسفل اوللا و ياخود اعلا.
 گۆرونورسن بۇ كشرت عالمينده،
 بصيرت اهلىنه، پۆنهان و پشيدا.
 سنى هر شئيدە گۆردوچۆن حيببى،
 كۆلالى نغى ائدۆب، ائيدور كى ليئا.

حيببى «وحدت- وجود» فلسفه سینه اينانير. اونسون «شيعه مذهب، حۆروفى مشرب» اولدوغو شعرلرينده آچيق گۆرونور. نسيمى نين حيببى اۆز رينده تائيرى داها چۆخ بۇ يۆنده باش وئيرير. «نسيمي دن فضولى يه قدر شاه اسماعيل، شاهى كيمي، شاعيرلر ده داخيل اولدوغو حالدا آذربايجان ساحه سينده دوام ائندن و حتا فضوليدن سؤنرا دا حۆكۈم فرما اولان ساده، صوفيانه طرزين فضوليدن اولكىسى ان مۆهوم نۆمايندەلر يئندن بيرى ده شۆبهه سيز، حيببيدير.»^۱

حيببى شعرلرينده حۆروفى گۆروشونه باغليليغى ان اۆزده اولان مسألهلردن بيريدير:

حيات- جاودان بولا «حيببى»،
 او قاشين عئيدينه قۇربان اولورسا.
 الا ائى ديلبريم، ياريم، خرابات،
 ديل و جان ايچره ديلداريم، خرابات.
 عناصۆر، شش جهات و هفت كۆوكب،
 بۇ دۆققوز چرخ- دؤاريم خرابات.
 اكر صوفى ووجود- نور اولورسا،
 حديث و نقل و اخباريم، خرابات.

كلام و حكمت و علم- لدقنى،
 منيم مھرىمدىر، انوارىم، خرابات.
 بيان و منطق و قانون ھىيات،
 غزل قۇوليله اشعارىم، خرابات.
 دف و نى، عود و شش تا چنگ و برىط،
 منيم تصنيف- ادوارىم خرابات. . .^۱

بۇ غزلدە حبىبى يە حۆروفىلىگىن و نىسىمى نىن تاثيرى چۈخ آيدىن گۆرونور. حبىبى غزللىرىندە فضل-
 الله نىسىمى نىن آدىنى دا چكىر:

گۆنول چىركىن يۇگتسىن فضل اليله،
 آ طامىر، پاك ابھارىم خرابات.
 منى بۇ ايكىلىكىدن بىرە ايرىگر،^۲
 آ ھفت و پنجوم و چارىم خرابات.^۳

باشقا بىر شعرده:

ھر كىمە ھمراھ «فضل الله» اول،
 آنا فضل- فئىض اول آلاھ اول.^۴

ياخود:

گرچى ياران مست اولوب، بۇش ائىلە مزلر كاسە بى،
 بىزە فضلین دۆولتىندە جزرعهى- باقى يىتر...^۵

۱ - حبىبى، باقى، ۱۹۸۰، ص ۱۶

۲- قۇوشدور

۳ - حبىبى، باقى، ۱۹۸۰، ص ۱۷

۴ - حبىبى، باقى، ۱۹۸۰، ص ۱۹

۵ - حبىبى، باقى، ۱۹۸۰، ص ۴۱ و ۴۲

حبیبى تصوّف دۆشونجەسى نىن بۆتون آنلامىنى بىلىر، بۇ يۇلون اۋنو تانرىيا قۇوشدورا جاغىنا اينانير، شاعىر ايکىلىكىدن قۇرتولماغا جان آتير و بۇنون يۇلونو حۆروفىلىكىدە گۆرور:

كايىناتىن وارلىغىندان منە سن شاقى، يىتر،
قىيلە و محرابى، جانا، قاشى نىن طاقى يىتر.

شمس - دىنۆن صۇحبتىندە بىزە، ائى يار - ظريف،
نۇغل و شمع و سبزه، آب و ساز ايله ساقى يىتر.
بىز بۇ بى پا و سر و اۆفتاده دىل ريشىن مۇدام،
تۇتماغا اليندە جامى ساعيد - ساقى يىتر.

دۆرد - صاقى نە سۇنار سا ساقى - جان، نوش قىل،
دىنمە سۇن كىم، ائى حبیبى، مستدۆر ساقى، يىتر...^۱

حبیبى نىن عاشىقلىق و عشق آنلايشى دا تصوّف دۆشونجەسىنە باغلىدىر و حۆروفىلىكىن تمللرىنە داىانير. بۇ آنلايشىلار نىن اىسلام دۆشونجەسىنە گۆرە دىرلندىرىلمەسى ايله حبیبى نىن وئردىگى آنلام اۆست - اۆستە دۆشور. «نسىمى نىن قۇوتلى تاثيرى آلتىندا، آذرى لهجەسى ايله صوفيانە و صمىمى عشق شعرلرى يازدىغى اۆچون... گرک صنعت و گرک ايدنولوژى باخىملارىندان نسىمى نىن شاگىرد و مۇتعاقيبى ساىماق داها دۇغرو دور...»^۲

حبیبى بە گۆرە عشق بىر مۇقدّس يۇلچولوقدور، تانرىيا قۇوشماغىن ان دۇغرو يۇلودور، عاشىقلىق سۇنو خىترە جالانان عذاب كىشلىكىدىر:

درد - عشقه هر كى، اول دمساز اول،
اول گرک لا بۆد كى، اهل - راز اول.

۱ - حبیبى، باكى، ۱۹۸۰، ص ۴۱ و ۴۲

۲ - اىسلام انسىكلوپىدىياسى، اىستانبول ۱۹۷۹، ص ۱۳۲

عاشىق - صادىق اۆدور معشوقونون،
 يۇلونا جان ترك انده، سرباز اوللا.
 ... عاشىقن ايشى گرک شام و سحر،
 ويردى حسرت، گۆز ياشيله آه اوللا.
 نوريله رووشن اوللا بۇ كايينات،
 اول سعادت نجم «شمس الله» اوللا.

وجه - عالمدير^۱ صيراط - مؤستقيم،
 اولنا دۇغرو گتتمه ين بيراه اوللا.
 ائتمه ين سجده ملكوش آدمه،
 ديو - ملعون، عاصى - گۆمراه اوللا.
 اول دۇرور سۇلطان ايكى عالمده بس،
 چۆن حبيبي هر كى، عبدالله اوللا.^۲

تۆرك ادبيات شۇناسلارينا گۆره، حبيبي نين صوفيانه شعرلىرى نين اۆزلىكلىرىندىن بىرى بۇ شعرلر نين سادده ديلله ايفاده اولونماسيدير. حبيبي، شعرلر نينده حۆروفيليك دۆشونجه سى نين اۇيغون ترمينو لوكياسى - نين اغير ليغيندان، آنلاشيلماز ليغيندان قاچماغا چاليشير. حبيبي باغلى اولدوغو دۆشونجه نى آنلاشيلان و اينانيلان بير اۆسلوبدا تقديم ائتمك اۆچون آيرى - آيرى يۇللاردان يارارلانير. يئنى ايمكانلار يارادير و تطبيق اندير. بۇ مقصدله حبيبي خالق ادبياتينا اۆز توتور، ائل ايچينده ايشلنن دئيملرى حۆروفيليك دۆشونجه سى يئرلشميش شعرلره گتيرير، گۆرومولوگو آرتيران بديعى تصوير، ايفاده واسيطه لر نينه اۆستونلوك وئرير، سۆزه لى غزللر ن ايمكانلار نيندان فايدالانير. «آغ قۇيونلو حۆكومدارى سۇلطان يعقوبون شاعيرلر نيندىن ايكن سۇنرادان اسماعيل صفوى به ايتتيساب اندهرك «ملك الشعرا» عۆنوانىنى قازانان و نهايت، بيلمه ديگيميز بير سببله ايستانبولا گلن حبيبي نين حۆروفى اولدوغو شعرلر نيندىن آنلاشيلير. حبيبي آذرى ادبياتى نين فضولىدىن اول يئتيشن ان قودرتلى شاعير يدير كى، تاثيرى فضولى اۆز رينده ده گۆرولمكده دير. صوفيانه، فقط سادده و صميمى شعرلر نين عثمانلى تذكيره چيلرى ده تقدير دن گئرى

۱- باشقا نۆسخه لردە: «وجه - آدمدير صيراط - مؤستقيم، آنا دۇغرو گتتمه ين بيراه اوللا.

۲ - فؤاد كۆپرولو، تۆرك ادبياتى تاريخى، ايستانبول ۱۹۸۰، ص ۳۸۰

دۆرمامىشلاردىر.^۱

حىببى نىن باغلى اولدوغو دۆشونجه نىن آنلاشيلماسىنا يول آپان نۆمونه لرە باخاق:

توت ساقى نىن الينى، قوی باشونو آياقدا،
ايچ جام - عشق مست اول سن بۇ زامان چمنده.^۲

ای حىببى، عقلى قوی، توت جام - عشقى هر نە دن،
شؤيله لايىقل، اولى گؤر كيم گؤله مجنون بيزه.^۳

يا دا شاعيرىن آخىجى، سوژه لى، اوبرازلى، خالق دنيىملرى ايله زنگين باشقا بير غزلىنه اوز توتاق:

بىر سحر پىر - مۇغانى چۆن زيارت ائيله دىم،
آياغىندا باش قودوم^۴ چۆخ - چۆخ عيادت ائيله دىم.
بىر عجب رطل - گىران سوندو الومه پىر - مست،
آلدىم ايجدىم، جان و دىل مۆلكون عيمارت ائيله دىم.
چۆن منى مست ائيله دى اول رطليله پىر - مۇغان،
من دخى مۆطرىيله ساقى يه ايشارت ائيله دىم.
مۆطرىيا، راستگو نواده چۆن دۆزتدير چنگىنى،
عاكيف - مئىخانه يه چۆن كيم، بشارت ائيله دىم.
جمع اولوب كاشانه ايجره، نۇش قىلدىق جام - مى
ساقى - مهروى گؤردوم، چۆخ شطارت ائيله دىم.
جان و كؤنلو، عقل و دىنى جۆمله وئردىم ساقى يه،
شول زيانگر صوفى يه سانكىم خسارت ائيله دىم.

۱ - همان يترده

۲ - حىببى، باكى ۱۹۸۰، ص ۲۴

۳ - همان يترده

۴ - قودوم: قويدوم.

بۆرگۆشايىش اولدوغومو گۆردو، دئز: انى بينوا،
 چوخ سئوينمه، جيسم و جانى يۇخسا غارت ائيله ديم؟
 انشىدۆب پيرۆن سۆزون، ايچدويم حۆصور- قلب ايله،
 جۆمله ايسقاط- صلاتيمه كفارت ائيله ديم.
 بير زامان چۆن ساكين- مئىخانه اولدوم پيريله،
 نفس- شوم ايامينى خئىلى حقارت ائيله ديم.
 پيريمۆن بير جۆرعە سينه ساتمام ايكى كۆونى من،
 انى حيببى، كى بيليرسن، خوش تيجارت ائيله ديم.^۱

حيببى نين صوفيانه شعرلرينده «گۆزو دؤيماز»، «سرخوش اولوب، غملىر ايچر، نه ائئدوگۆنو دؤيماز»،
 «گۆز قيماز»، «مينى بير سايماز»، «مردۆملرى ايكى جاھان خلقى دؤيماز»، ائله جه ده اولنلار جا معنائين
 آنلاشماسينا يۆل اچان سۆز و دئئيم وار.

حيببى نسيمي ايله فضولى آراسيندا بير كۆرپو اولماق ميستياسيني حۆروفيليك دۆشونجه سيله باغلى
 شعرلرينده يئرینه يئتيرديكى كيمي، ساده، صميمى عاشيقانه شعرلرينده ده گئرچكلشديرىب. «آذرى
 ادبياتيندا نسيمي دن فضولى يەدك بير تكمؤل جيزگيسى گؤسترن، ساده، صميمى و عاشيقانه سؤيله ييش
 فضولى يە حيببى نين شعريندن كئچەرك اولاشميشدير. اساساً اونون صنعت دؤيرى نين ان اچيقت دليلى
 بۆتون تۆرك شعرى نين ان قۆدرتلى شاعيري فضولى طرفيندن تصديق و نظير ائديلمگه دؤير بۆلموش
 اولماسيدير.^۲»

جان آليجى خونى گۆزون بير دم آمان وئرمز، نئديم؟
 ديل خسته يە كيرپيكلرۆن اول دخى جان وئرمز نئديم؟

باشقا يترده:

مؤستدام اولغىل هميشه، انى گۆزل خانيم منيم،
 گۆزلرى نرگيس، يۆزو گۆل، زؤلفى رئيحانيم منيم.

۱ - همان يترده، ص ۲۹ - ۳۰

۲ - نيهاد سامى بانارلى، رسملى تۆرك ادبياتى تاريخى، ايستانبول ۱۹۸۷، ص ۳۳۶

گۆن یۆزون گۆردوکجه واللاهی بۇ گۆنلوم شاد اولور،
 حق سنی وار ائیله سین، دؤولتلی سولطانیم منیم.
 سن فراغت، شاد و خوژم، من قیلاریم ناله لر،
 خوژشمیدیر، دیلیر، سانا بۇ آه و افغانیم منیم؟
 حسرتیندن خسته اولدوم، دردیمی بیلمز طیب،
 دیلیرا، وصلینده دیر، واریسه درمانیم منیم.
 ای حبیبیم، ایشته غۆزی مدحینی تیکرار ائدم،
 بۆلبول- شوریده نم، سنسن گۆلوستانیم منیم.^۱

عاشیقانه شعرلر حبیبی نین اؤسلوبونا ساده لیک، آیدینلیق، جانلیلیق، پارلاقلیق گتیریر. حبیبی غزلرینده آذربایجان تۆرکجه سی نین بۆتون قوللاریندان یارارلانماغا چالیشیر، سئوگیلینی اینجه جیزگیلرله تصویر ائدیر. حبیبی سئوگیلینی تصویر ائدرکن طبیعتین ان گۆزل، ان عطیرلی چیچکلرینی سئچیر:

ای آغزی غۆنجه، چؤهره سی گۆل، خطلری سمن،
 زؤلفی بنؤوشه، حؤسنی چمن، بؤیو یاسمن.
 صاحب- جمال و اهل کمال، شکرین مقال،
 یوسیف صیفتلی، عیسا نفس، وجهده حسن.
 ای گۆنلو سنگ و عادتى جنگ، خووی هم پلنگ،
 ناز ائیله یین، کیریشمه قیلان، عاشیق اولدورن.
 یوخ- یوخ، خطا دئدیم غلط ائتدیم، کج آنلادیم،
 ایشی وفا و گۆنلو صفا، عاشیقین سئون.
 آز ائیله ائی حبیبی، شیکایت ز- جوور- دوست،
 درد- بلادن اینجیمه سین عاشیقم دئین.

حبیبی نین بئله پارلاق بدیعی تصویر و ایفاده واسیطه لری ایله زنگین عاشیقانه شعرلری تۆرک دیلینده

۱- حبیبی، باکی ۱۹۸۰، ص ۳۱ - ۳۲

۲- باکی نۆسخه سینده: گئج آنلادیم، ایران نۆسخه سینده: کج آنلادیم.

یازیلان غزللرین مضمون و اۆسلوبونا تأثیر گوستریدی، آذربایجان تۆرکجهسی نین بدیعی ایمكانلارینی آرتیریدی، آذربایجان دیلینده یازیلان غزللری علمی دۆشونجهیه باغلایدی، آنا دیللی غزلده عرب و فارس تأثیرینی آزالداراق اؤنون میلی چالارینی آرتیریدی و قۇرودو.

«حیبی نین شعرلری آذربایجان تۆرکجهسی ایله قلمه آلینمیش اولوب، ساده و صمیمی بیر ایفاده داشیماقدادیر. او، آهنگلی، جانلی، پارلاق مجازلارلا عاشیقانه و صوفیانه منظومهلر یازمیشدیر. اؤنون شعرینده یئر- یئر حۆروفیلکله باغلی قاوراملارلا راستلانیر. نسیمی، ختائی، فضولی آراسیندا بیرکئچید دؤنمین تمثیل ائتدیگیندن کۆرولو طرفیندن ۱۵- جی عصرین ان اؤنملی آذری شاعیری سایلیر.»^۱

حیبی نین ادبی دۆشونجهسی نین فؤرمالاشماسیندا نسیمی نین بؤیوک یئری اولدوغو تثبیت اولونموش نتیجه دیر. بۇ بیرباشا ۱۵- ۱۶- جی یۆزایللیک آذربایجان شعرینین ایدئیا یؤنو و اۆسلوبونون موعینلشمهسینه جیلدی تأثیر گوستریب. آراشدیریجیلار حیبی نین ختائی و فضولییه تأثیرینی شاعیرین ادبی دۆنمینی گوسترن اؤنملی مسأله کیمی ذیرلندیریلر.

آذربایجان عالیملریندن عزیز آقاممدوف ختائی نین:

سندن اۆزگه یاریم اولسا، ائی پریش سیمتن،
آستاینین چشوره سینده قوی کی، خاک اولسون بدن.

مطلعلی غزلی نین حیبی غزلینه نظیره اولدوغونو گوستریمش، بۇنونلا بیرگه حیبی نین:

گۆرلدن زۆلف- عنبر بارین ائی دوست،
پریشان دیر بۇ دیل افکارین ائی دوست.

مطلعلی غزلینه ختائی نین:

بۇ عالم حۆسنونه حئیراندیر، ائی دوست،
سنه بۇ غۆنچه لب خندان دیر ائی دوست.

نظیره سیندی ده میثال چکمیشدیر.

بۈيۈك تۆرك عالمى محمد فۇاد كۇپرولو حبىبى ايله باغلى آراشديرمالارندا شاعىرىن فضولى يە تائىرىنە آيرىجا يتر وئرمىشدير. عالمى حبىبى نىن فضولى يە خوجالىق اتىدىكى فيكرىنى بىر قايناغا اساسلانمايدىغىندان تىكذيب اتىمىش، شعرلىرى نىن ايسه فضولى اۆزىرىندە تائىرى نىن آچىق اولدوغونو وۇرغولامىشدير. «.... نسىمىدەكى صوفىانە و ايلاهى وجدى، فضولىدەكى جوشقون و يۆكسك لىرىزمى حبىبىدە آراماق معناىز اولور. بۇيله اولماقلا برابر، شۇهرتى فضولى دۇورونه قدر دوام اتدن بۇ شاعىرىن، آذرى شعرى نىن عۆمومى تىكامۇلوندە اونودولماز بىر مۇوقى واردىر»^۱.

محمد فۇاد كۇپرولو حبىبى نىن فضولى يە تائىرى نىن آيرى- آيرى جىزىگىلىرىنى و كۆنكرت نۆمونه- لىرىنى دە وئرمىشدير: «.... فضولى مشهور «دندىم- دندى» مۆسدسىنى بۇنا نظيره اولاراق تنظيم اتىدىكى كىمى، بعضى پارچالارىنى، يۇخارىدا تىكذيره چىلردن نقلأ ذىكر اتىدىگىمىز غزلى دە تخمىس اتىمىشدير. بۇ تخمىس فضولى دىوانىنى مطبوع و غنير- مطبوع بۆتون نۆسخه لىرىندە فقط فضولى نىن بالذات ترتيب اتىدىكى بىر مۇخمس شكلىندە مۇوجود اولدوغوندان، يالنىز حبىبى نىن غزلىنى نقل ايله اىكتىفا اندىوروز:

گر سنين چين قىلمايام چاك، انى بۆت- نازىك بدن،

گۇروم اولسون اول قبا اگنىمده پىراهن كفن.

چىتخمايا شۇداى- زۇلفون باشدان، انى مه، گر بۆز ايل،

اۇستخوان- كلهم ايچره تۇتسا عقربلر وطن.

دۇشدر شىنم باغه گل، تا گۆل نىثار اتسون سنه،

سبزه نىن هر برگينه بىر دۆركى، تاپشۇرموش چمن.

انى گۇنول عشق اهلينه هر دم گولردىن شمع تك،

من دىتمىدىم كى، بىر گۆن آغلاياسىدىر گۆلن؟

نىچه دىنلسۆن حبىبى سنسىز، انى اندامى گۆل،

چۆن باتىر جىسىممه تنده هر تۆك اولموش بىر تىكن.

«فضولى نىن اثرلىرىنە جۆزىي آشيناىلىنى اولان هر كس اىلك اۇخونوشدا اعتراف اندر كى، بۇ ساده، صمىمى، عاشىقانه ادا فضولى نىنكىندن فرقسىزدير. فضولى هئچ شۇبهه يۇخ كى، حبىبى نىن اثرلىرىندن چۇخ مۇتائىر اولموشدور...»^۲.

۱ - اىسلام انسىكلوپدىياسى، اىستانبول ۱۹۷۹، ص ۱۳۲

۲ - فۇاد كۇپرولو، آذرى ادبىياتىنا عايىد تىقىقلر، باكى ۱۹۹۶، ص ۴۲

سۆزسوز کی، حییبی نین اۆسلوبو ۱۵- جی یۆزایللیکده بیچیملمکده اولان آذربایجان شعرینی داها چۆخ و داها گۆجلو تمثیل ائتدیگیندن میلی ادبیاتین اینکیشافیندا، فضولی یه تأثیرده اونون آدی ایلیک سیرادا یئر توتور. فضولی ده بیر یاندا حییبی نین ایستعدادینی دَیرلندیریر، باشقا یونندن ده اونون آدیلا باغلی اۆسلوبون اۆستونلوگونو تأمین اتمگه چالیشیردی. «نسیمی قدر جوشقون اولماماقلا برابر، حییبی صنعت قودرتی باخیمیندا کندی اثری باخیمیندا کندی اثرینده کی آذری شعرینی تمثیل ائده بیله جک بیر قودرتدیر»^۱.

تۆرک ادبیات شؤناسلاری حییبی نین ادبی اۆسلوبونون بیر سیرا اۆزللیکلرینی سنچهرک دَیرینی، بۇ جیزگیلرین یۆزایللیگین اورتاق ادبی اۆسلوبوندا یئرینی گؤستریشلر. عالیملر حییبی اۆسلوبونون اۆزل جیزگیلریندن چیخیش ائدهرک شاعیرین باشقالاری ایله اورتاق و آیری اولان یونلرینی اؤنه چکمیشلر. حییبی اۆسلوبونون فورمالاشماسیندا، بۇ اۆسلوبون ناخیشلاری نین بللی ائدیلمه سینده بیر سیرا ادبی- فلسفی آخینلارین، شاعیرین میلی تعصوب کشلیگی نین آیریجا یئر واری. حییبی نین حؤروفیلیگه باغلی اولماسی، ائل ادبیاتی ایله دؤغمالیغی، تۆرک دیلینده یازماغی، بۇ دیلی عرب، فارس باقسیندا قورتارماق ایستگی شاعیرین اۆسلوبوندا جانلیق، آخجیلیق، فلسفی درینلیک، صمیمیلیک مۆدریکلیک چالارینی آرتیرمیشدیر. ائله بۇنا گؤره ده حییبی نین چاغداشی اولان تذکیره چیلر شاعیرین اۆسلوبونا «اؤزونه مخصوص بیر اداسی» اولدوغونو دؤنه- دؤنه یازمیشلار. چاغداش تۆرک عالیملری آراشدیرمالاریندا دقتی بۇ «اؤزونه مخصوص ادا» اؤزرنه یؤنلتمیشدیر. «بۇ ادبی حؤکمرانلیق، بۇبوک بیر احتیماللا اونون یاشادیغی چئوره نین اۆسلوبونا اویما باراق آذری تۆرکجه سینه اولان صداقتیندن ایرلی گلمیشدیر. شعرلری مؤوضوع و طرز اعتباریله سارای دیشیندا قالمیش، قصیده و مدحیه طرزیندن سیریلیب چتخمیشدیر. شعرلری خالق ادبیاتینا یاخین بیر اۆسلوبدادیر. اثرلرینده حؤروفیلیک تأثیری حیسن ائدیلمکده دیر»^۲.

من کی، لعلین جان یئرینده گؤرموشم،

دردینی درمان یئرینده گؤرموشم.

تیر- غمزه زخمینی جانندان روان،

مردۆم آخار قان یئرینده گؤرموشم.

۱- نیهاد سامی بانارلی، رسمی اۆزک ادبیاتی تاریخی، ایستانبول ۱۹۸۷، ص ۴۴۶

۲- تۆرک انسکیلوپدیاسی، آنکارا ۱۹۷۰، ص ۲۶۳

خانەى- گۈزدە خىيالىن كۈلگەسىن،
 شۆكر كىم، مەھمان يىرىندە گۈرموشىم.
 گۆن يۆزۈندە كۆفر- زۆلفون، اتى صنم،
 من يقين ايمان يىرىندە گۈرموشىم.
 مۆصحف- حۆسنوندا خەط و خالىنى،
 حرف- حرف قرآن يىرىندە گۈرموشىم.
 قاشلارین بايىنە كىم عىبىد آيىدىر،
 جانلارى قۇربان يىرىندە گۈرموشىم.
 ھر نە جۇوراتتىسن، حبیبى لۇطف ايله،
 حۆسن- خۇلق، احسان يىرىندە گۈرموشىم.

عثمانلى تەذكىرەچىلرى حبیبى نىن اۆسلوبوندا «عجمانە اۆسلوب» اۆلدوغونو وۇرغولايلاق بۇنون
 شاعىرىن آذربايجانىن مدنى چئورەسىنە باغلىيغىندان ايرلى گلدیگىنى يازىبلار. تەذكىرەچى سام مىرزە
 حبیبى نىن «شيعە مذهب- حۆروفى مشرب» رۇحونون شاعىرىن اۆسلوبونا جىدى بىر تائىر گۇستردىگىنى
 اۇنە چكىب.

حبیبى نىن اۆسلوبونداكى ناخىش چۇخلوغو شعرىن قۇرولوشونون بۆتۈلۈگونە خىل كىمىر. حبیبى
 دتاللىرى يىرىنە گۆرە، مقصدە اۇنغون ايشلدە بىلىر. حبیبى نىن غزلىرىندە اۆلكە، ىر و شىھر آدلارى چۇخ
 ايشلىنىپ:

شۇ كافر چىشى گۆردوم اىصطىفاده،
 عۆلومى آندان اتتىم اىستىفاده.
 كآنا بنزر دىخى بىر بۆت بۇلونماز،
 ختا و چىن و روم و اۆستۆاده.
 دۆز، اتى مۆطرىب، روباى و چىنگىنى راست،
 عراق و اصفهان ايله نواده.^۱

ياخۇد دا:

لعل و گۆۋەر دېشىلە ياپېشمىش دۇداغىنە،
 مۆشك - خۆتن ھوسدن اولاشمىش ياناغىنە.
 دۆر - نجف ھودان آسىلمىش قۇلاغىنە،
 چۈخ دانە - دانە نىسە تۆكۈلمۈش آياغىنە.
 «ھى - ھى، بۇ نە عىقىق يىمىدىر؟» - دېدىم، دىدى:
 «گۆزدن آخان جىگرە كى قانين دۇرور سىنين»...^۱

حبىبى نىن غزلىرىندە، تارىخى، افسانەۋى شىخىيەت و اۋىرازلار نىن آدلارى تىز - تىز چكىلىر. شاعىر داشىدىغى معنا يۆكۈندىن دۆشۈنچەسىنى ايفادە اتمىكە يارارلانير:

گل، ائى صوفى، ايكى كۆۋىن صفاىسىن،
 دىلرسن، اىستە، بۇل جام - صفاىدە.
 آنىن چۆن حۆرمىتى معلوم اولوندى،
 كىتاب - عىسى، موسى، مصطفىدە...^۲

ائى حبىبى، عقلى قۇى، توت جام - عشقى ھىر نفس،
 شۆىلە لايىقل، اولى گۆر كىم گۆلە مچنون بىزە.^۳

نە شىرىن لىدىر اول خسرو كى، جان فرهادىدىر جانىن،
 نە لىلىدىر كى، مچنونو هزاران ھىچو من - سىندىر.^۴

چۆن گلۆر مین نازىلە اول سرۇ - سىم اندام يار،
 ساناسان مچنوننا لىلى، وامىقە عذرا گلۆر...^۱

۱ - ھمان يىردە، ص ۵۱

۲ - ھمان يىردە، ص ۲۱

۳ - ھمان يىردە، ص ۲۴

۴ - ھمان يىردە، ص ۴۰

حبیبى شەرىندە گۆى جىسىملىرىنىڭ آدلارنى دا سىخ- سىخ گۇروروك:

يۆزۈنە زۇھرە، مۇشتىرى، مەر ایلە ماہ اۆيۈنمەسىن،
كۆل^۲ گۆنشىن بىر دزەسى مین ماھتاب اولور شها.^۳

جان گۇزون، مئرىخ غمزەن، سئىقى چۆن عنبر اولور،
تیر- زۇھرە، ماہ، مەر- آسمانىن، نئیلە بىم؟^۴

حبیبىنىڭ اۆسلوبوندا آلئىتراسيانىن، آز دا اولسا، ىثرى وار. شاعیر غزلىرىندە خلىق دئىملىرىنە، آتالار سۆزۈ گۆجۈندە اولان بىرلشمەلرە آیرىجا ىثر وئیر. بۇ ایسە غزلىرىن دىلىنى سادەلشدیریر، تۆرک بدیعی دىلىنىڭ ایمكانلارنىڭ آرتیریر، شعرى ياددا قالان اندیر و معنائىن دۆلغون آنلاشیلماستىنا يول آچیر:

بىر سحر بىر- مۇغانى چۆن زیارت ائیلەدیم،
آياغىندا باش قودوم^۵، چۆخ- چۆخ عیادت ائیلەدیم.^۶
ائى گۆنول، عشق اهلینە ھردم گۆلردین شمع تک،
من دئمز میدیم کى، بىر گۆن آغلاياسیدیر گۆلن؟^۷...

حبیبى تصوؤفون باشلیجا آنلايشلاریندان اولان سئوگى و عاشیقلىک آنلايشىنى چۆخ سادە، ایناندىرىجى، اۆبرازلى بىر دىلدە ایفاده اندیر:

۱ - همان ىثرده، ص ۲۵

۲- كۆل = كى اول.

۳ - همان ىثرده، ص ۲۰

۴ - همان ىثرده، ص ۳۵

۵- باش قودوم: باش قويدوم.

۶ - حبیبى، باكى ۱۹۸۰، ص ۲۹

۷ - همان ىثرده، ص ۳۶

خواب- غفلتتىن اۆيانسون عشق- دىلدار ايستەين،
 بۆلبول- شورىدە اولسون وصل گۆلزار ايستەين.
 نى كىمى باغرىن دىلىب، ھر دەمە نالان اتىلەسۆن،
 درددە يانسىن، ياخىلىسىن وصلت- يار ايستەين.
 عاشىقىن يانماقدان اۆزگە دردىنە درمانى يۇخ،
 يانماغا پروانە بۆلسون شمع- رۆخسار ايستەين.
 عاشىق اولدور جان و دىلدىن درد قىلدى ايختيار،
 دردىنە درمان بۆلدى دردى تىكرار ايستەين.
 جان وئرىب بىر جان اۆچون يانسا حبىبى، غم دگىل،
 ماسودان قارىغ اولدو وصل- دىلدار ايستەين. . .

حبىبى، غزلىرى نىن دىل و اۆسلوبونا اۆنادك غزلدە چۆخ آز ايشلنن سۆزلىرى اۇغورلا يترلشديريز:

محلەن گۆلخنى نون گۆشە سىيدىر،
 سىغىنجىم، بۆرجوم و باروم خرابات.^۱
 مشام- جانە عطرىن بۇيون ايرگر،
 آ طيب انفاس، عطارىم خرابات. . .^۲

حبىبى نىن ايشلتدىگى بۇ سۆزلىر سىراسىندا «تاپون» (سجدە) «آىروق» (باشقا، آرتىق) «اور» (ووز)،
 انلەجە دە بىر سىرا باشقالارىنى گۆسترمەك اولار.

انلە بونا گۆرە دە «... حبىبى نىن ان بۇيوك اۆزلىگى خالق دىلىندەكى سۆزلىرى شعرلرىندە مھارتلە
 كۆللاناراق يىنى بىر جىغىر آچماسىدىر».^۳

حبىبى نىن شعر دىلىندە جوشقونلوق، صىمىلىك، آخىجىلىق وار. حبىبى «دندىم- دندى» فۇرماسىندان
 اۇغورلا يارالانىز، اونون ايمكانلارىنى آرتىرىز. سۆنرالار بۇ اۆسلوب جىزگىسى آذربايجان بدىعى دىلىندە

۱ - حبىبى، باكى ۱۹۸۰، ص ۱۶

۲ - همان يتردە، ص ۱۷

۳ - آذربايجان تۆرك ادبىياتىندا آيىدە شىخىتىلر، ۱- جى جىلد، آنكارا ۱۹۸۷، ص ۶۴

اۋزونه يتر اندەرك يازىلى و شفاهى ادبىياتدا چۈخ يايىلاراق يتكىنلىشىر:

ياشىم يۆرۈدۈ سۆكىمى اول سرو سويىنە،
گۈز باخا قالدى زۆلف و خط و روى و مويىنە،
پىرانە سر كۆنول آخوب اول قەد- جويىنە،
آلداندى طيفل تك دىل آنىن رنگ- رويىنە.

«بۇ نە خۆجستە سرو- سمندىر؟» - دىدىم، دىدى:
«بخت- سعید و عۆمر- جوانىن دۇرور سنين».

نرگىس اۋياندى، بۇ چمن دامن و جامه خواب،
گۈل چىنخدى، پىرهن ياخاسىندان آچۇب نىقاب.
تب دۆشۈدو جانە، جۆملەى- آفاق تۇتدۇ تاب،
اول دم كى، دۇغدو قىبلەى- مشرىقدن آفتاب.
بىر ذرە گۇردوم آندا، «دەندىر!» - دىدىم، دىدى:
«بۇ سۆز يەين، حىببى، گۇمانىن دۇرور سنين».^۱

حىببى نىن اۋسلوبوندا دىقتى چكن جىزگىلردن بىرى دە غزلىدە مۆراجىعت فۇرماسى كىمى «انى»
شكىلىدن چۈخ «آ» شكلىنە يتر وئرمە سىدىر. بۇ دا بىر باشا خالق ادبىياتى ايله باغلىلىقدان، مىلى ادبى دىلىن
اىمكەنلارنىن آرتىرماق اىستىگىنن، آذربايجان بدىعى تۆركجەسى نىن فۇرما اۋزلىگىنى ياراتماق،
فۇروماق، ايرلى آپارماق تعصوب كىشلىگىنن ايرلى گلىر.

حىببى نىن دىل اۋسلوبۇ آذربايجان بدىعى تۆركجەسى نىن آرتىق فۇرمالاشمىش، آتريوتلارنىن موعىن
اىتمىش بىر مرحلهسى نىن تمىلچىسىدىر. قاضى برهانالدىن احمدىن غزلىرىندە عروضو تۆرك بدىعى
دىلىنە اۋىغونلاشدىرماقدان ايرلى گلن قۇصورلار حىببى نىن شعرلىرىندە چۈخ آزدىر. قاضى برهانالدىن
داها چۈخ بىر اۋرتاق آنا دۆلو تۆركجەسى نىن تمىلچىسى كىمى چىنخىش ائدىرسە، حىببى بىر باشا
«آذربايجان سئوگىسىنە باغلىدىر»، «اۋنون عجمانە اۋسلوبۇ» وار.

تۆرك عاليملىرى نىن حىببى نىن ادبى ايرئىنە گىنىش يىر آيىرماسى شاعىرىن عۆموم تۆرك بدىعى

دۆشونجهسى نین اینکیشافیندا تۆتدوغو یئرله باغلیدیر. تۆرک ادبیات شۆناسلیغی حبیبی نین کیملیگینی، بدیعی دۆشونجهسینی، دیل و اؤسلوبونون آیری- آیری یؤنلرینی اؤیرنمکله بیرگه شاعیرله باغلی آراشدیرمالارین گلهجک یؤنونو ده گؤستمیشدیر:

«...حبیبی، نسیمی، شاه اسماعیل، فضولی ایله برابر آذری ادبیاتی نین شۆبهه سیز بویوک ایستعدادلاریندان بیریدیر. اؤنون تام دیوانی میثدانا چیخاریلاجاق اولورسا، بۇ بۆتون تۆرک ادبیاتی اؤچۆن پک مسعود بیر حادیه تشکیل ائدهجکدیر»^۱.

قایناقلار

- ۱- اسماعیل حکمت، حبیبی، حیات مجموعهسی، ایستانبول، ۱۹۲۸.
- ۲- کؤپرولو، محمد فؤاد، آذری ادبیاتینا عایید تدقیقلر، باکی، ۱۹۹۶.
- ۳- محمد فؤاد کؤپرولو، تۆرک ادبیاتی تاریخی، ایستانبول، ۱۹۸۰.
- ۴- ادبیات مجموعهسی، ج ۸، ایستانبول ۱۹۳۲.
- ۵ و ۶- تۆرک انسکلوپدیاسی، آنکارا ۱۹۷۰.
- ۷- تۆرک دیلی و ادبیاتی انسکلوپدیاسی، ایستانبول ۱۹۷۹.
- ۸- میرزه آقا قؤلوزاده، آذربایجان ادبیاتی تاریخی، جیلد ۱، باکی ۱۹۶۰.
- ۹- سلمان مۆمتاز، سؤلطان الشعرا حبیبی، فؤقرا فیوضاتی، سایى ۳، باکی، ۱۹۲۱.
- ۱۰- سید کمال کارالی اوغلو، رسملی مۆتیولی تۆرک ادبیاتی تاریخی، ۱- جی جیلد.
- ۱۱- نیهاد سامی بانارلی، رسملی تۆرک ادبیاتی تاریخی، ایستانبول، ۱۹۸۷.
- ۱۲- ایسلام انسیکلوپدیاسی، ایستانبول، ۱۹۷۹.
- ۱۳- فریدون بیگ کؤچرلی، آذربایجان ادبیاتی تاریخی، ۱- جی جیلد، باکی، ۱۹۲۵.
- ۱۴- حمید آراسلی، آذربایجان ادبی تاریخی، ج ۱، باکی، ۱۹۷۳.
- ۱۵- حبیبی باکی، ۱۹۸۰.
- ۱۶- فؤزیه تانسئل، آذری شاعیری حبیبی نین بیر غزلی، آذربایجان یورد بیلگیسی، سایى ۲۸، ۱۹۳۴.
- ۱۷- آذربایجان تۆرک ادبیاتیندا آبیده شخصیتلر، ج ۱، آنکارا ۱۹۸۷.
- ۱۸- ادبیات فاکولتهسی مجموعهسی، ج ۸، سایى ۵-۶، ایستانبول ۱۹۳۲.

آذربایجان دیلی، تاریخی، ادبیاتی و. س. بارهده مؤختلیف باخیملاردان اهمیتلی کیتابلار یازمیش دؤکتور جواد هیئتین بو گؤنلرده تهراندا آذربایجان تۆرکجه سیله یئنی بیر کیتابی، «ادبیات شؤناسلیق» دا چاپدان چیخمیشدیر. آذربایجانین جنوبوندا و شیمالیندا چؤخ مشهور «وارلیق» ژورنالی نین علاوه سی اولان بو کیتاب یالنیز احاطه انتدیگی مسأله لرین مؤختلیفلیگینه گۆره دگیل، هم ده مضمونونا، پروفسیوناللیق سوته سی نین یۆکسکلیگینه گۆره دیقتی جلب ائدیر. آذربایجانین شیمالیندا یازلمیش «ادبیات نظریه سی»، «ادبیات شؤناسلیغین اساسلاری»، «ادبیات شؤناسلیغا گیریش» و. س. درسلیکلرین متودیک تجرؤبه سینه بو و یا دیگر درجه ده اساسلانسادا، مؤخترم دؤکتور ج، هیئتین کیتابی، دنمک اولار کی، تاممیله اؤریژینال دیر؛ هر شئیدن اوّل، همین کیتابدا ادبیات هر هانسی ایدئولوگیا مؤوقعیندن دگیل، «نئجه وارسا اؤچۆر» تحلیل و تقدیم ائدیلمیشدیر. ایکینجیسی، شیمالدا چیخان درسلیکلره داخیل اولونمایان یا خود داخیل اولونماسی (سیاسی ایدئولوژیک مؤلاحیظه لرله) مصلحت گۆرولمه - یین بیر سیرا مسأله لر، مؤوضوعلار و. س.، مؤختصر ده اولسا شرح ائدیلمیشدیر (مثلاً، مؤعاصیر ادبیات نظریه لری، فؤرمالیزم، ایستروکتورالیزم، امؤسیونالیزم، ادبی تنقیدین اؤصوللاری، متودیک مسأله لری، بین الخالق

ادبیاتیمیزین اؤفوقلری

دؤکتور جواد هیئتین «ادبیات شؤناسلیق»
کیتابی

نظامی جعفرؤف، تۆرکولوق

یازیمیزا کؤچورن: ح. م. ساوالان

نین فیکرینه قاتیلاراق، حاقیندا بحث اتدیگی عرب، فارس و تۆزک دیللی علمی - نظری منبعلی یاخشی بیلمه سی دۆکتور ج - هیئتین ائله بیر اۆستون جهتیدیر کی، همین جهت آذربایجاندا بۇ گۆنه قدر یازیلیمیش عۆمومی ادبیات شۆناسلیق کیتابلاری مؤلفلری نین چؤنخ آز قیسیمینه عایدیدیر، دنسم، منجه، اؤ قدر ده بؤیوک سهو اتمرم.

حورمتلی حمید محمدزاده داها سؤنرا قئید ائدیر کی، «لاکین بۇ کیتاب (صوحت دۆکتور ج - هیئتین «ادبیات شۆناسلیق» - نیندان گشدیر - ن. ج) گنیش اؤخوجو کۆتله سی اؤچون نظره آلیندیغیندان ادبیات شۆناسلیق، ادبیات نظریه - لری، بدیعی تنقید و اونون نؤوعلری، تطبیقی ادبیات، بین الخالق ادبی تاثیر و ادبی علاقه لری، ادبی مکتبلر، آذربایجاندا رئالیزم جریانی، ۲۰ - جی عصرده ادبی جریانلار، ادبی نؤوعلر، قافیه، وزن، عروض، هیجا وزنی، سربست شعر، ادبی - بدیعی اثرلرین دیلی، بدیعی صنعت واسیطه لری حاقیندا ضروری اولان قیسا معلومات و ثریر و هئچ ده هر طرفلی بیلیک و ثرمک ایدیعاسیندا دگیل». مسأله نین محض بؤجۆر اولدوغونو یازدیغی مؤختصر «گیریش» - ده کیتابین مؤلفی ده گؤستریر: «الینزه آلدیغینیز بۇ کیچیک حجملی کیتاب ادبیات شۆناسلیق علمی نین ییغجام بیر خؤلاصه سیدیر» و علاوه ائدیر: «... ایران اسلام اینقیلابی نین گتیردیگی دیل - مدنیت آزادلیغی نین ایشیغیندا یازیلیب

علاقه لری، ادبیاتین تطبیقی پروبلملری و. س.). اؤچونجوسو هم شیفاھی، هم یازیلی ادبیاتی، هم ده موعاصیر ادبی پروسسسی یاخشی بیلن مؤلف بیزیم بیر سیرا ادبیات شۆناسلیق کیتابلاریمیز اؤچون خارا کتریک اولان «ادبیات اطرافی گزیشمه لر» - دن صرف - نظر اتمیش، اؤز کیتابینی بیر ادبیات انسیکلوپدیاسی کیمی ایشله میشدیر... اونا گۆره ده دۆکتور ج - هیئتین «ادبیات شۆناسلیق» - ی، هئچ شۆبهه سیز، بوندان سؤنرا آذربایجاندا (ایستر شیمالدا، ایستر جنوبدا اولسون) یازیلجا ق «ادبیات شۆناسلیق» کیتابلاری اؤچون اساس علمی - متؤدیک منبعلردن بیرى اولجاقدیر، ظنینده ایم.

کیتاب آذربایجان و عۆموماً شرق ادبیاتی ساحه سینده گۆرکملی مۆتخصیص، پروفسور حمید محمدزاده نین «بیر نئچه سؤز» - و ایله آچیلیر - بؤرادا گؤستریلیر کی، «ایسلام شرقینده عرب، فارس، تۆزک دیلرینده سؤز صنعتی، رساملیق و موسیقییه عاید دۆزلی نظری اثرلر یازیلیمشیدیر. کلاسیک شاعیرلر ده اؤز اثرلرینده سؤز صنعتی حاقیندا قیمتلی فیکیرلر سؤیله - میشلر. قرآن - کریمین ایلاهی تعلیمیندن ایلهام آلان نظامی، فضولی کیمی شاعیرلرین اثرلرینده ادبیاتین بیر سیرا نظری مسأله لری اؤز حلینی تاپمیشدیر. مکتبلرده معانی - بیان، بدیع، فصاحت، بلاغت فئلری نین تدریسی، بۇ ساحه - ده چؤنخلو قایناقلارین گلیب الیمزه چاتماسی بؤنا گؤزل نؤبوتدور». «بیر نئچه سؤز» مؤلفی -

رۇمانتسىزىم، رئاللىزم (معارىفچى رئاللىزم، تنقىدى رئاللىزم، ايجتىماعى رئاللىزم)، ناتوراللىزم، سىمبوللىزم، سۇررئاللىزم، ايمپرىسىيونىزم، فوتورىزم، اكرىستانسىياللىزم و. س. ايستىك-فلسفى جريانلار بارەسىندە مۇختصر (لاكىن عىنىن - زاماندا مۇكەمل) معلومات وئرىلمىشىدۇر. هم شرق، هم دە غرب ادبياتلارنىن، ايجتىماعى - ايستىك تىككۆز فورمالارنىن تجرۇبەسىنە اساسلانان همىن معلوماتلار دۇكتور ج - هيئىتىن صنعت فلسفەسى ساحە - سىندە دە گۇرۇكىلى مۇتخىسسىس اولدوغونو گۇستىرىر (قتىد ائىدك كى، اۇنون «غرب فلسفەسى تارىخى» آدلى آرىجا بىر كىتابى دا يىسخىن زامانلاردا اۇخوجىتلاردا چاتدىرىلاجاقدىر).

«ادبيات شۇناسلىق» - ىن دۇردونجو بۇلمە - سىندە ادبى نۇوعلر و ژانرلار بارەدە صۇحبت گىدىر كى، همىن بۇلمە، بىرىنجى نۇوبەدە، سىستىمىلىكى و گىتىرىلن نۇمونەلرىن، گۇستىرىلن مىثاللارنىن هم مۇوافىقلىكى، هم دە زىنگىلىكى اىلە سىچىلىر. سۇنراكى بۇلمە ايسە ادبى - بدىعى اثرىن باشلىجا كىفئىتلىرىدىن بىرىنە دىل - اوسلوب مۇسئەسىنە حصر ائىدىلىشىدۇر. نىهات، سۇن سۇز يىرىنە «گۇنوموزدە ادبيات» باشلىغى آلتىندا مۇلىقىن ماراقلى مۇلاحىظەلرى تىدىم اولونموشدۇر.

البته، اوزىرىنال بىر كىتاب بارەدە كىچىك مقاله دە بۇتون گىنىشلىكى و لايىق اولدوغو

چاپ اوزو گۇرۇموشدۇر. بۇنونلا بىلە كىتاب نە قدر يىغجام اولسا دا، مۇعاصىر ادبيات شۇناسلىغىن اساس آنلايشىلارنى، بىرىنسىپلرىنى و پىرۇبىلملرىنى احاطە ائىدىر.

مۇلىف «ادبيات نە دىر، نە ايشە يارار؟» سۇآلىنا جاواب وئردىكدن سۇنرا ادبيات نظرىە - لرىنىن شىرىنە كىچىى - عۇمومىتلە، «ادبيات نظرىەلرى» آدلانان بىرىنجى بۇلمەدە عكس ائىدىرمە (اىنئىكاس) نظرىەسى، ماركىسىست صنعت گۇرۇشو، سۇسىالىستى رئاللىزم، اىفاده نظرىەسى، فۇرماللىزم، اىستىرۇكتوراللىزم، اۇخوجونو مركز قرار وئرن نظرىەلر (جىسى تاثير، اىدراك نظرىەلرى) و. س. كىمى جىدىكى علمى - مۇدولوژىك باخىشلار تىسوىر ائىدىلىر. اىكىنجى بۇلمە بۇتۇلوكدە ادبى تنقىد مۇسئە - لرىنە حصر اولونموشدۇر - بۇرادا ادبى تنقىدىن تىرىفى («ادبى تنقىد: ادبى اثرلرى تىدقىق ائىدىپ، اۇنلارى دىرلندىرىر و ياخشى - پىس طرفلرىنىسى و قاىناقلارنىن آچىقلايىر») وئرىلدىكدن سۇنرا اۇنون اخلاقى، اىجتىماعى، پىسخولوژىك، علمى (فىئى) و. س. داىاقلارى، بۇرادان اىرلىسى گلن اىستىقامتلرى آراشدىرىلماقلا، ادبيات شۇناسلىغىن مۇهوم تىكىب حىصەسى كىمى اساس فۇنكسىيالارى مۇعئىنلشدىرىلىر.

كىتابىن اۇچونجو بۇلمەسىندە «ادبى مكتبلر» باشلىغى آلتىندا اۇمانىزم، كلاسىسىزم،

انتدیگیمیز کیتابین شوهرتی ده علاوه اولوناجاقدیر، چونکی «ادبیات شوناسلیق» یالنیز منسوب اولدوغو میلتین ادبیاتینی اؤرکدن سئون بیر آذربایجان تۆرکونون اثری اولاراق قالمیر، هم ده موعاصیر دؤنیانین علمی تفکورو، مدنیتینه ییهلنمیش بیر مۆتفکیرین اثریدیر و هئج شۆبهه سیز، جنوبلو- شیماللی آذربایجان اوخوجولاری، باره سینده چؤخ مۆختصر بحث انتدیگیمیز کیتابی عین- زماندا محض همین مۆتفکیرین کیتابی کیمی اوخویاجاقلار. مۆکیف مندن بو کیتاب باره ده مطبوعاتدا تنقیدی قنیدلریمی بیلدیرمگی خواهیش ائتدی، من ایسه اعتراف ائدیرم کی، همین کیتابدا یئرینده اولمایان، موباحیثه دوغوران بیرجه مۆلاحظه یه ده راست گلمه دیم.

دؤکتور ج- هیث آذربایجان، تۆرکیه و ایراندکی مۆختلیف چینیش، معروضه و مۆحاضیره لرینده اؤزونه مخصوص بیر تراضوع ایله نه قدر «من، دیلچی، تاریخچی و یا ادبیات شوناس دگیلم، من بیر حکیم- جراحام...» دنسه ده، آراشدیرمالاری نین سوئه- سی بو مۆحترم تدقیقاتچی نین عین- زماندا هم بیر دیلچی، هم بیر تاریخچی، هم ده مۆصوصیله بیر ادبیات شوناس اولدوغونو گؤستریر و ثبوت ائدیر.

سوئه ده دانیشماق، ساده جه اولاراق، مۆمکون دگیل، اونا گؤره ده هم مۆتخصیصلره، هم ده گنیش اوخوجو کۆتله سینه (اصلینده، کیتاب گنیش اوخوجو کۆتله سی اؤچون نظرده توتولموشدور) آنجاق ان ضروری معلومات و نرملکه کیفایتلندیم- بونونلا بئله موعاصیر آذربایجان ادبیات شوناسلیغی نین پرؤبلملرینه آشنا اولان اوخوجولار انله همین مۆختصر معلوماتدان دا آنلایاجاقلار کی، مۆحترم مۆکیفین، حاقیندا صؤحبت گئدن کیتابی بؤیوک زحمتین و کامیل ایستعدادین محصولو کیمی مئیدانا چینمیشدیر. لاکین اصیل الیفباده- عرب الیفباسیندا اولدوغونا گؤره، بو کیتابدان آذربایجانین شیمالیندا ایستیفاده ائدیلمه سی مۆشکول مسأله دیر و چؤخ یاخشی اولاردی کی، او، شیمالدا ایستیفاده اولونان الیفبالاردان بیری ایله ده بؤراخیلسین.

دؤکتور ج- هیثین «ادبیات شوناسلیق» کیتابی اونون «اساس ایختیصاصیندان کنار حساب ائتدیگی «تاریخ زبان و لهجه های ترکی»، «مقایسه اللغتین»، «آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش»، «آذربایجان شفاهی خالق ادبیاتی»، «تۆرکلرین تاریخ و فرهنگینه بیر باخیش» و. س. کیتابلاریندان سؤنرا، بو ایسه او دئمکدیر کی، بؤیوک علمی- نظری تجرؤبه اساسیندا یازیلیمیشدیر و من امینم کی، همین کیتابلارین مۆکیفه آذربایجانین هم جنوبوندا، هم ده شیمالیندا گتیردیگی شوهرته، حاقیندا بحث

قاباقچا دئديگيميز كيمسى، ايراندا و ايكى چاي آراسيندا يئرلشن قۇوملارين بير عيدهسى «سامى» ايديلر (آشورلار، اكديلر، بابيليلر...)، بير حيصهسى ده (يعنى چۇخلوقدا) ايلتيصاقى دىللى و آلتاي منشالى ايديلر. ايلتيصاقى دىل دئديكده ده تۆركلردن باشقا آيرى بير دىل اولمايلىمز، چۇنكى قاباقچا دئديك كى، اورال منشالى قۇوملار (فين- اوغور و سامونيدلر) آسيانين قوزنى بۇلومو و اوروپانين قوزنى دوغوسوندا اولوب و گۇنتى طرفينه (ايران و ايكى چاي آراسى) اصلاً گلمه ميشلر. آلتاي قۇوملاريندان (تۆرك، موغول، مانچو، تونغوز و كۆرهليلر) دا تۆركلردن ساوايى هئچ بيرى نين يۇلو ايران و ايكى چاي آراسيندان دوشمه- ميشدير. اونا گۆره ايراندا و ايكى چاي آراسيندا ياشايان غنير- سامى قۇوملارين (سوئتر، ايلام، قۇنتى، لوللويى، كاس، ماد، اورارتو، ماننا و ...) آلتاي منشالى و ايلتيصاقى دىللى اولدوقلارى ئوبوتتا يئتديگينه گۆره اۇنلارى تۆرك (پروئتوتۆرك)-دن باشقا هئچ نه آدلانديرماق اولماز. بۇ آيدين و اينكار ائديلمز حقيقتين باشقا ئوبوتا احتياجى گۇرونمور.

ايلام اولكەسى و مدنيتى حاقيندا (۲)



مير هدايت حصارى

ايلاملارا گلديكده ايسه بۇ قۇوم لاپ آزي ۸۰۰۰ ايل بۇندان اۇنجه اينديكى خوزوستاندا (و اۇنون اطرافيندا) ساكين اولوب، ايتيدائى

تۇپلوم قۇرمالاشدىرمىشلار.

بۇنلار آناسالارلىق دۇورونو سۇودوقدان سۇنرا آتاسالارلىق دۇورونو كىچىمىشلر و مىلاددان اۇنجه اۆچونجو مين ايللىكدن صينفى جاميعه يه آياق قۇياراق، كىچىك دۇولتلىر و سۇنرا مۆتھىد اولاراق واحىد بىر دۇولت قۇرموشلار.

آناسالارلىق هنج ده بۇ آنلاما گللىرى كى، آپارىجى رۇللار دايىما قادينلارلىق عۆهدەسىنە ايمىش. ذاتاً آغىر ايشلر، اۆ جۆملەدن اۆچولوق كىشىلرلىق عۆهدەسىنە ايمىش.

قادينلارلىق اسكى دۇورده كى وظيفه لىرىنى بىنله سايماق اولار: اۆدو قۇروبوب ساخلاماق، ساخسى يا پالچىق قابلار قايىرماق (ساخسى نىن اىختىراعسى دا قادينلارلىق السى ايلە اولموشدور)، و داغلاردان و دۆزلردن يشمەلى اۆتلارى و وحشى مئىوه لىرى تۇپلاماق.

قادينلار اۆزون زامان بۇ ايشلر ناظر اولدوقلارى اۆچون اۆتلارلىق بىتمك مۇسىمىنى و مئىوه لىرىن يىتىشمك واختىنى تانى بىر، مئىوه لىرىن دنە لىرى نىن جۆجرمه سىنى كشف ائتمىشلر. بىنله لىكلە اكينچىلىك شيوه سى- نىن اساسىنى قۇيان دا قادينلار اولموشدور. اكينچىلىك ايلك دفعه چاى قىزاقلارلىقدا يۇمشاق تۇرپاقلاردا اولموشدور.

آناسالارلىق دۇورونده عايىلە نىن باشچىسى

اۆين قادىنى (اوشاقلارلىق آناسى) اۆلوردو. اؤنا گۆره عايىلە نىن ان ياخىن و اۆستون آدمالارى آنانىن قۇوملارى (داىى، خالا...) ايدى.

دايىلارلىق رۇلوو و مۇوقىتى بۇ دۇورده چۇخ اۆنملى ايدى. چۆنكى اۆ آنانىن آن ياخىن آدمى ايدى و بىرىنچى رۇل اۆنون عۆهدەسىنە ايدى. اؤنا گۆره اۆ دۇورده باجى ايلە قارداشىن ائولنمەسى رسم ايدى. يعنى اۆ هم داىى اۆلوردو، هم ده آتا. دايىدان كىچىنە خالانىن رۇلو داخىلى و تربىه وى ايشلرده اۆنملى ايدى.

محرملرله ائولنمك باتى آسيادا ساير قۇوملار آراسىندا دا عۆمومى بىر قايدا ايدى. آناسالارلىق دۇورونده دىنى جهتدن ده آن يۆكسك مكان ايلاهلر (قادىن آلاله لارا) وئرىلدى.

بۇنونلا بىنله دنمك اولار كى، ايلاملارلىق اسكى دۇورلىرى حاقينىدا اليمىزده اولان معلومات چۇخ آزدىر. بۇنون اساس سىبىلرلىق بىرى بۇدور كى، تۆركولوقلار داها چۇخ دۇغو آسيادا دىقنت گۇستىرىلر. اۆدوركى، تۆرك تارىخىنى هونلاردان اۆ طرفه آپارا بىلمە مىشلر. بىر حالدا كى اسكى تۆرك تارىخى ايراندا و اورتا شرقده آراشدىرىلسا، نهايت درجه گنىشلىنىپ، ۷-۸ مين ايل بۇندان قاباغادك آپارىلا بىلر و چۇخلو گىزلىننده قالان سىرلر ايشىق اۆزونه چىخار. ماراقلدىر كى، آسيانىن

پیشمیش کریچلر دیقته لایققدیر. ایلاملاردان بعضی یئرلرده داش قازیتیلی کتیبه لر ده قالمیشدیر.

ایلام دؤولتی قونشو اولکهلرله همیشه ووروشمادا، تۇققوشمادا اولموشدور. خوصوصی ایله بابیللیر و سومرلر دفعهلرله هوجوم اندیب، ایلام تورپاغینی ایشغال اتمیشلر. اولار ان چوخ ایلامین مالی قاینقلارینا (آغاج، دمیر، داش، تاخیل، آت...) گوز تیکیردیلر. سومر شاهلارینین بۇ باره ده یازدیردیقلاری کتیبه لر (فتحنامه لر) - دن ایلامین او زمان نه قدر اهمیتی اولدوغو آنلاشیلیر. او کتیبه لر دن ده ایلام باره سینده بعضی معلوماتلار اله گتیرمگ اولار. او کتیبه لرین بیرینده ایسه ایلاملارین سومر اولکهلرینی فتح اندیب، ایشغال ائتدیکلرینی گوروروک.

تدیقاتلار گوستیریر کی، او زمان «پارس» ایالتینده ایلام دیلی اسکى پارس دیلیندن آرتیق ایشلنیردی. حتا هخامنیشلر زامانی او حوکومتین ایداری دیلی ایلام دیلی ایمیش. نجه کی کتیبه لر ده کی اوچ دیلین بیری ده ایلام دیلی ایدی. کتیبه لرین چپوی خطلری ده ایلاملارین خطلریندن آلمیش ایدی.

پیر آمیه (Pierre Amiet) - نین نظرنجه کوروشون خاندانی اولان اویماق، پادشاهلیغا چاتمادان اونجه بیر زمان ایلام

(و ایرانین) ایلك حوکومتلری و ایلك مدنیتی آسیانین گونئی باتیسیندا و ایرانین باتیسیندا یا باتی قونشولوغوندا اولموش و شرقه ایسه بۇ باره ده چوخ شئی گورونموش. لاکین بۇ باره ده لازیمی قدر آختاریش آپاریلمامیشدیر.

سومرلردن و بابیللردن بیزه معلومات ورنن آن موهوم وسیله اولنلاردان قالان چوخلو پالچیق لۇوحهلردیر. ایلاملاردان ایسه مینلرجه موهورلرین تاپیلماسی دیقته لایققدیر.

بۇ موهورلر بعضاً یاستی، بعضاً اوستوانه شکلینده، یا حلقه وی و یاخود دزگه و یاریم کوره وی شکلیده اولموشدور. آن اونملیسی ایسه همان اوستوانه ای موهورلردیر. اولارین اوستونده یازی عوضینه مۆختلیف شکللر واردیر. بۇ شکللر چوخ چنشىدلی و چوخ معنالیدیر. اولارین واسیطه سی ایله ایلام خالقینین تاریخی و ایجتیماعی شراییطلری و یاشایش طرزلرینی اؤیرنمک اولار. بۇ اوستوانه ای موهورلردن شاهلارین حربی و سیاسی وظیفهلریندن علاوه دینی رهبرلیگه ده مالیک اولمالاری آنلاشیلیر. آیری سوزله اولنلار تاپینقلارین ریسی و بویوک کاهین کیمی ده تانیلمیشلار.

ایلاملاردان دا آز چوخ لۇوحهلر اله کلمیشدیر، خوصوصی ایله چوغازنیلده اولان مینلرجه اوستلری چپوی خطی ایله یازیلیمیش

اولمالیدیر. ایلام دیلینده «هال» سۆز و وطن و یورد معناسینادیر. اکباتانین قدیم آدی «هال ماتان» ایمیش (یعنی مادلارین وطنی) و اؤدا اصلینده «هال مادان» ایمیش کی، «د» حرفی «ت» حرفینه چئوریلیمیشدیر، نجه کی بعضاً ده «هاگمتان» یا «هگمتانه» ده اولموشدور.

ایلام میلاددان اؤنجه اۆچۆنچو مین ایلیگین اولینده (۵۰۰۰ ایل بۆندان قاباق) قۆدرتلی بیر حۆکومه مالیک ایمیش. سندلره گۆره ایراندا ایلیک تشکیل اولان دۆولت و دۆنیانین ایلیک فدرال دۆولتی اولموشدور. ایلام حۆکومتی نین اؤزلیکلیکلریندن بیری ده بعضاً اۆچ نقرین بیرلیکده اولکجه حۆکومت ائتمه سیدیر.

ایلام تاریخینی دۆزگون باشا دۆشمگ اۆچون اونون آنا یاساسی (اساس قانونو) ایله یاخشی تانیش اولماق لازیمدیر. بۇ قانون بیر سیرا پالچیق لۆحه لرده قئیده آلینیمیشدیر و بۇگۆنه کیمی قالمیشدیر. بۇ قانون اۆزره حاکمیت و قۆدرت اۆچ یشره بۆلونور. یعنی اولکهنین شاهی (ایلامجا: زونکیر) باشدا دۆردوغو حالدا، بیر ولیعهد و بیر نایب الحکومه اولکهنی ایداره ائتمکده ایشتراک اندیردیلر.

فدرال قانونو اۆزره ولیعهد شاهین ان گنج اولان قارداشی و اونون جانیشینی ایدی. آیری سۆزله ایلام آنا یاساسی آن قدیم بیر رسم اولاراق قارداشلیق (قارداش سالارلیق) اساسیندا

اولکهنه سینده اولموشدور. اولای بیلسین کی، اولنلارین آدلاری، حتا کۆرؤشون اۆز آدی ایلام اولاریندان ایمیش و «کۆراش» (Kurash) دنیلیرمیش. نظره گلن ایلام مدنیتی نین اولنلارین گنج مدنیتلرینده ده تائیری اولموشدور.^۱

ایلامین قاباقجیل مدنیتی و اۆستون شهر یاشایشی و قۆدرتلی دۆولت قۇرولوشو بیر زاماندایدی کی، ایرانین باشقا (شرق) حیصه- لرینده اهالی هله بدوی جامععه شکلینده یاشاماقتا ایدیلر.

سۆز یۆخ کی، بله بیر اۆستون ایجتیماعی شرایط بیردن- بیره تاپیلمامیش، ذاتاً چۆخ زامان اولندان قاباق باشلانمیش ایدی. شۆبه سیز کی، بۇ مدنیت قۇنشو مدنیتلرله ده ایلیگیلی اولوب، بیر- بیرلرینده قارشیلیق تائیرلری اولموشدور.

ایلام حۆکومتی ۶۴۰- جی ایل میلاددان اؤنجه آشور شاهی «آشور بانپال»- ین واسیطه سی ایله بیر یوللوق دنوریلدیسه، اونون اۆستون مدنیتی و نۆفوذو آرادان گئتمه دی، و ذاتاً ماد حۆکومتینه و اوردان دا هخامنیش دۆولتینه مۆنتقیل اولدو. نجه کی مادلارین پایتختی اولان اکباتان شهری نین آدی دا ایلامجا

۱- تاریخ عیلام، پیر آمیه، ترجمه شیرین بیانی، نه ان ۱۳۴۹، ص ۷۳.

فيكرينه دۆشمزدى. شاهين اوغلو دا قانونا اساساً شاهلىقدا حاقي اولمادىغى اۆچون هئىچ واخت قودرتە چاتماق اۆچون مۆباريزە يە قۇرشانمىردى.

«جى. جى كامرون»- ون واسيطەسى ايله كشف اولان بۇ اۆچلوك قانون بىر طرفدن اسكى ايلام وراثت حاقي اۆزرە، ديگر طرفدن ايسە فدرال ايالتلر آراسيندا ايتيفاقين ضرورتى اۆزرە قۇرولموش ايدى.

شاه اۆز اوغلونا سوزيان شاهزاداسى عونوانى آلتيندا چوخلو صلاحيتلر وئيرمىش. اؤرنك اولارق، شاهين «بۇيوك حاكيم» صيفتى ايله چىخاردىغى حوكملر يالئيز اوغلو (شوش شاهزاداسى) طرفيندن تاييد اولدوقدا قانونى سايلىردى و رسميت تاپىردى.

بۇ وراثت حاقي اۆزرە شاه اولدوكده اونون اوزوندن كيچىك قارداشى (وليعهد) يئرئنى توتاردى. بۇ زامان اونون قاباقكى مقامى (وليعهدلىك) كيچىك قارداشىنا وئريلردى. بئلهلىك شوش شاهزاداسى ايكى عميسى نين حاكمىتى آلتدا اۆز حاكمىتىنە دوام اندرمىش و يئنى شاه اونو گؤتوروب اۆز اوغلونا اونون يئرئنى قويماق فيكرينه اولمازدى.

شاهلىق خاندانيندا اولوم حادئئەسى تئز- تئز باش وئردىگينه گؤرە، شاهلارين تئز- تئز دئيشيلمەسى بەضاً بۇ ورنەلىك رسمينده

قۇرولموشدور. بئلهلىك شاهين تاج و تختى- نين قانونى وارىشى شاهين اوغلو يوخ، ذاتاً اونون قارداشلاريندان بىرى ايدى.

نايبالحكومە ايسە شاهين ارشد (بۇيوك) اوغلونون منصبى ايدى. او عئين حالدا سوزيان (شوش) شەرى و ايالتى نين حاكيمى يا شاهزاداسى ايدى.

بئلهلىكە اولكە آتا- آتائين قارداشى و شاهين ارشد اوغلونون الى ايله ايدارە اولوردو. سؤز يوخ كى، حقيقى قودرت شاهين الينده ايدى و اؤبىرى شاهزادالارا حوكم اندىردى. لاكين او ايكى شاهزادانين دا اۆز مقاملارينا گؤرە گئنىش صلاحيتلرى و ايقتيدارلارى وار ايدى. وليعهد معمولاً پايتختده واختينى ھدرە وئرمك عوضينه اؤبىرى ايالتلرە باش ووزاراق اولكە نين ايتيفاقينى گؤجلندىرىردى. آتا- اوغول (شاه و شوش شاهزاداسى) ايسە ھر ايكيسى شوشدا (پايتختده) قالب، ايشلرە يئتيشىردىلر.

بۇ قودرتين اۆچ يئرە بؤلونمەسى و شاهين اوغلونون شاهلىقدا حاقي اولماماسى دؤولتئين ايستحكامينا سبب اولوردو و اوزادا چوخ دؤولتلردە اولان قودرت مۆباريزەلرى و دسيسەلرى باش وئرمزدى، چؤنكى شاهين قارداشى (وليعهد) بيليردى كى، شاهين تاج و تختى هئىچ واخت اونون اوغلونا چاتماياجاقدىر، اونا گؤرە اونو آرادان آپارماق

چتینلیکلر قاباغا گئیرردی.

اسکی دۆنیادان قالان آن اؤنملی بیر اثر دیر. بۇ آبیده گرچکده بیر زیقورات (عیبادتگاه) دیر. آمریکاداکى قیزیل دریلیردن قالان اوجا پیللهکان شکلینده اولان آبیده لر ده بۇنون کیمی بیر زیقورات دیرلار. بۇ زیقورات نئجه قات بیر- بیرین اؤستونده، بلکه ده دنمک اولار کی، عشین حالدا بیر- بیرینین ایچینده قایریلمیشدیر، یعنی ایلك طبقه هامی طبقه لردن گئنیش اولور.

ایکینجی طبقه اوندان دالیدا و اوندان اوجالیق اولور و سؤنونجو قات بیر ذیروه شکلینی آلیر. قۇرولوش آز- چؤخ میصیرلیلرین هیرملری کیمیدیر، آنجاق بینا او عظمتده و اوجور بۇیوک، حئیران اندیجی داشلارلا یؤخ، ذاتاً کرییج ایله هؤرولموشدور. بۇنو آلاها آرتیق یاخینلاشیب، اونا عیبادت ائتمک اوچون هر یتردن اوجا قاییرمیشلار. والتر آندره بۇ باره- ده دئییر کی، «عۆلوی و ملکوتی بیر قؤدرته قۇوشماق اوچون باشقا بیر یؤل دا وار، او دا اوجالیب، یؤکسلمکدیر. آلاهدان اوترو و اونون یتره یئتمگی اوچون یؤکسک بیر یؤل چکیمله لیدیر، او دا همان بۇ عۆلوی معبددیر. بۇ اوجا پیللهکانلار هم آلاه اوچون قایریلمیشدیر، هم ده اولارین اؤزلری اوچون».

بۇ زیقوراتلارین تابلارینی ایکی جای آراسیندا (بین النهرینده) ده گؤرمگ اولاردی.

بیر نسلده ایکی قارداشدان آرتیق دالبادال شاهلیق تاختینا چئیمخاق آزاراق گؤرونردی. یالنیز بیر دفعه اوج قارداش دالبادال شاهلیغا چاتدیلار. قارداش قالمادیقدا ولیعهدلیک شاهین قارداشلارینین بیرینین اؤغلونا چاتاردی. قارداشلار و عمو اؤغلولار قوزتار سایدی، شوش شاهزاداسی ولیعهدلیگه چاتا بیلردی. لاکین عملده اوندان تئز بۇ مقاما چاتا بیلردی، چؤنکی بعضاً یئنی شاهین قارداشی اولمادیقدا، یا قارداشلاری و قارداش اؤغلولاری اوندان حیمایت ائتمه مەلری نتیجه- سینده ولیعهدلیک مقامی شوش شاهزاداسینا وئریلردی.

وراثت رسملریندن بیرى ده بۇ ایدی کی، یئنی شاه وفات ائندن شاهین آروادینی آلمالی - ایدی، بیر حالدا کی عادتاً بۇ قادین هر ایکیسىنین باجیسی اولوردو. البته وراثت باره ده آیری ریویتلر ده واردیر، لاکین مقاله نین فزاسی نین محدود اولدوغونا گؤره بۇ بحثه سؤن قویاراق ایلامین ان اؤنملی تاریخی و دینی آبیده سی اولان چوغاز نیل زیقوراتی باره- ده دانیشماق ایسته ییریک.

چوغاز نیل زیقوراتی

چوغاز نیل آبیده سی ایلامیلاردان، بلکه ده

الینده اولموشدور. اونلارین شوْش شهرینده «باستیل زیندانی» شکلینده قاییردیقلاری مؤحتشم قالا ایندی اوزو ده تاریخی بیر آبیده به چنوریلمه ده دیر.

فرانسا ایله ایران آراسیندا ایلك موقاویله ۱۲ مای ۱۸۹۵- جی ایل (قمری ۱۳۱۲- جی ایل)، ناصرالدین شاه قاجار زامانی باغلانیلدی. ایکینجی دفعه ۱۲ آوقوست ۱۹۰۰ - جو ایل (قمری ۱۳۱۸- جی ایل)، مظفرالدین شاه قاجار دؤورونده او موقاویله تره لندی. بو موقاویله به اساساً ایرانین هر یئرینده آرکتولوژیک آختاریش ایشلری نین ایمتیازی فرانسالیلارا وئریلمیشدیر. اونا گؤره ده فرانسا هیئاتی ایرانین باشقا یئرلرینده او جومله دن: سیالک (sialk)، نیشابور، گیان تپه سی (نهایند)، اسداباد، مسجد سلیمان، سر مسجد، برده نشان و خارکدا قازیتتی ایشلری ایله مشغول اولموشلاردی.

أما فرانسالیلارین چوخلوقدا فعالیت ائتدیکلری یئر خوزوستان، داهه دؤغروسو شوْش شهری و چوغازنیبل اولموشدور، و او چالیشمالار نتیجه سینده ده ایلام دؤولتی نین اوستون مدنییتی تانینمیشدیر (اونا گؤره ده لور موزه بی نین بویوک بیر حیصه سی ایران اثرلری ایله دؤلموشدور). فرانسا آرکتولوژی هیئاتی نین/ مسئوللاری ژاک موزقان و دؤ منکوم اولوب،

زیقوْرات کلمه سی اوزو ده بسایلیلردن آلینمیشدیر.

ایلام مدنییتیندن قالان بو چوغازنیبل آبیده- سی اونون پایتختی شوْش شهری ایله ایندیکی شوْشتر شهری نین آراسیندا تیکیلیمش و اونون ایری پیشمیش کریجیلری نین (حتا چیی کریجیلری نین) اوستونده چوخلو چوی خطلی یازیلاری گؤرمگ اولار، اما نه ایسه ایندیبه دک او یازیلار بوتونلوقله اوخونولمامیشدیر. بئله بیر اونملی تاریخی آبیده باره سینده لازیمینجه آختاریش و امک آپاریلمامیشدیر. بؤرادا بو سؤزغو قاباغه گلیر کی، نه اؤچون ایرانین هخامنیشلردن (آریالیلاردان) قاباکی تاریخی بو شکیلده اعتیناسیزلیغا معروض قالمیشدیر؟ ایرانین بیر بئله قات- قات آرتیق فخر ائدیلمه- لی تاریخی نه اؤچون تکجه اصللری ایرانلی اولمایان اریالیلارین خاطرینه قتراغه قویولموشدور؟

آلتی مین ایل سایقه سی اولان خوزوستان تاریخی نین آرکتولوژیک آختاریشی ایلك دفعه ۱۸۱۵- جی ایله ویلیام کؤنت آدلی بیر اینگیلسلی نین الی ایله اولدو. لاکین غنیر رسمی اولان بو ایکتیشاف دوام ائتمه دی. هر طرفلی و رسمی آختاریش ۱۸۹۵- جی ایلدن باشلایاراق ایران ایسلام اینقیلابینا دک (م ۱۹۷۹) یعنی ۸۰ ایل مودتینده فرانسا آرکتولوژی هیئاتی نین

«اۋنتاش - قال» آدلى بىر شاھىن طرفىندىن سالىنىشىدى. ھەر ھالدا ايلام مەدەنىيىتى دۇنياغا تانىتىدىغان آنجاق شۇش شەھرىنىن (چۇغازنىيلىن) خارابالارىندىن چىخارىلان اثرلەر و متلەر اولدو. بىلىرىكى كى، شۇش شەھرى ايلام ايمپىرىياسىنىن پايتختى (باش كەندى) اولدوقدا، سۇنرالار ھەمەنىش سۇلالەسىنىن پايتختى دە اولموشدور.

شۇش شەھرى مىلادى ۱۱ - جى عصرەدەك اھمىيىتى الدىن و ئىرمەمىش، لاکىن ۱۳ - جو عصرەدە تەقريباً سەكەندەن بۇشالمىشىدىر. البتە بۇ شەھەر ايندى دە ياشاماقدادىر.

بۇ ۵۰۰۰۰ ايل عۇمر ائىدىن شۇش شەھرىنىن مۇوجودىتى اۇرالاردا اولان چۇخلو سۇنەمى تەلەرىن اولماسىنى تۇجىيە ائىدە بىلەر. اۇ تەلەرى آختاردىقىدا مۇختەلىف دۇورلەر عايىد اولان مەدنىتلىرىن اثرلىرىنى قات - قات، بىر - بىرىنىن اۆستونىدە گۇرەمگ اولور. نەجە كى بەغىزلىرىندە ۱۳ - جو قاتا چاتدىقىدا ھەلە دە بىر ك تۇرپاغدا اولاشىلمىر. بۇ مەھبى «دۇر - اۋنتاش»^۱ شەھرىجى (چۇغازنىيلى) ايلاملارىن ايكىنجى دەفە مۇوجودىت تاپىدىغى آلتۇن دۇور دە قايرىلمىشىدىر. اۇرادا الە گلن اثرلەر نەمەلى اۇ اولكەنىن اۇز اسكى صنعتكارلارىنىن يادىگاريدىر.

داھا سۇنرا ۱۹۴۵ - جى ايلدىن ۱۹۶۸ - جى ايلەدەك ۲۳ ايل رۇمان گىرەشەن فرانسىزلىرىن شۇشداكى قازىتى ھىيأتىنىن باشچىسى اولموش و حىيات يۇلداسى ايلە بىرلىكەدە بۇ ايشدە چالىشىشىدىر.

چۇغازنىيلى آختارىش باشلانمىشىدىن اۇنچە آنجاق بىر بۇيوك تە كىمى گۇرونوردو. ايلەك دەفە اۇ بۇلگەدە نفت اينكىشافي ساحة - سىندە چالىشىمادا اولان اينكىلىس نفتچىلىرى اۇرانى فرانسىز آرکتولوژىستلىرىنە تانىتىدىر دىلار. بۇ ايسە اۇنلارىن فرانسىز ھىيأتىنە اولان بۇرچلارىنىن اۇدەمەسى ايدى، چۇنكى ۵۰ ايل اۇندىن قىباق يعنى ۱۸۹۰ - جى ايلدە خۇزۇستاندا علمى اعزامىتدە اولان فرانسالى يثر بىلىملىرى مۇتەخەسسسى زاك مۇرقان اۇرادا تاپدىغى نفت ياتاغىنى اينكىلىسلىلەر خىبر وئردى و بۇ ايش سۇنرالار بۇيوك بىر نفت شىركىتىنى تاپىلىشىنا سەبب اولدو. يارىم عصر بۇ حادىيەدەن سۇنرا دا ھەمان نفت شىركىتىنىن ايشچىلىرىندەن بىرى چۇغازنىيلىدە تاپدىغى چىوى (مىخى) خط ايلە اۆستو يازىلمىش بىر كرىبجى شۇش شەھرىندە آختارىشىدا اولان فرانسىز آرکتولوژى ھىيأتىنىن باشچىسىنا وئىرەك بۇيوك، اسكى بىر شەھرىن (دۇر - اۋنتاش شەھرىنىن) تاپىلىشىنا سەبب اولدو. بۇ شەھەر مىلادان اۇنچە ۱۳ - جو عصرىن اورتالارىندا

ایکی طبقه‌لی اولان زیقۇراتی ظاهیراً از ایمپریادا اولان مؤختلیف دینلری و مذهبلیری بیرلشدیرمک قصدی ایله اینشا ائتدیرمیشدی.

زیقۇرات یا سیقۇرات (ایلامجا زاقراتو) اصلینده بائیل دپلیندن آلینمیشدیر. بۇ نؤوع معبدلر قاییرماق م. اؤ. دؤردونجو مین ایلیکده سومترلرده و ایلاملیلاردا رسم ایمیش.

چوغازنبیل گئرجکده بیر معبد یؤخ، ذاتاً نئچه معبدین بیرلشمه‌سی ایدی. بۇ بینا ایلام معمارلارینین عالی بینالار سالماقدا اولان اؤستون مهارتلیرنی گؤستیریر. تأسوفلودور کی، شوشون ایلیک بینالاری باره‌ده هئچ معلومات الده یؤخدور. لاکین بیر اسکى قبریستانلیقدان تاپیلان زینت اشیا لاری اؤنلارین اؤستون اینجه‌صنعت و معمارلیق و مدنیتلرینین اؤلدوغونو گؤستیریر.

اؤست- اؤسته دنمک اولار کی، ایلام تاریخی میلاددان اؤنجه ایکینجی مین ایلیگیین اؤرتالاریندان دالیا گئتدیگده خوصوصی ایله ۳- جۆ مین ایلیک و اوندان اویانا، بۆتونلوکله آلتورانیلیقدادیر. چوغازنبیل آبیده‌سی ایسه دئدیگیمیز کیمی میلاددان اؤنجه ۱۳- جۆ عصرده بینا اولموش و اؤزلوگۆنده ایلام مدنییتی گؤسترمگ اۆچون کیفایت ائدر. بۇ آبیده میلیونلارجا چیی و پیشمیش کرییجیلردن دۆزلدیلیمیشدیر. بۇ کرییجیلر اصلینده اؤ

اؤ بۆلگه‌ده تاپیلان اشیا، مؤحتشم بینالار و اؤستون مدنیّت اثرلری، اورادا تاپیلان حمورابی قانونونون سؤتونو و «نارام- سین»- یین داش لؤوحه‌لری و کئیبه‌لرینین، زامانی ایله ایلام شاهلاری طرفیندن ایکی چای آراسینی فتح ائدرکن، غنیمت گتیرمه‌لری مسأله‌سی ده شۆبهه آلتینا گئدیر.

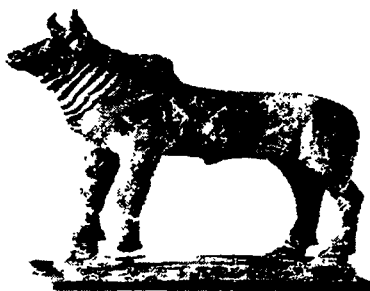
میلاددان اؤنجه ۱۳۰۰- ۱۱۰۰ ایلام مدنییتی نین آلتون دؤرور ایدی. میلاددان اؤنجه ۱۶- جی عصرین آخیرلاریندا ایلام شاهلاری- نین قدیم سؤلاله‌سی اولان «سوککالماهولار»^۱ بائیل شاهینا مغلوب اولوب، یثرنی یثنی بیر سؤلاله‌یه وئردی. بۇ سؤلاله‌یه «انشان و شوش شاهلاری» دئییلردی. اؤنلارین زامانیندا ایلام اۆلکه‌سی گۆنئی دؤغودان گئنیشلنهرک فارس کۆرفزینده «لییان» آداسینا و پارس ایالتینده شیراز شهری اطرافینا چاتدی. بۇ سؤلاله اولجه چتینلیکله اۆزیه اۆز اولسا دا، سؤلاله نین ۴- جو پادشاهی «هویان نؤمنا»^۲ و اونون اوغلو «اؤنتاش قال» (م. ا. ۱۲۶۵- ۱۲۴۵) زامانیندا آرتیق پارلادی. بۇ شاه «دۆز- اؤنتاش» یا چوغازنبیل دئییلن شهرین قۇروجوسو ایدی. بۇ شهر شاهلارین اؤتوردوغو یئر و ایمپریانین مؤشترک آلاله‌لاری نین ییغینچاق مکانلاری ایدی. اؤ بۇ

۱- Sukkalmahhu

۲- Huban- Numena

«اينشوشيناك» آدلى تانرىيا وقف اولاراق
دۆزلىدىلمىش اولدوغو آنلاشيلير.

زىقۇراتىن بىرىنجى قاتىندا جمعىنده ۲۱
اوتاق گۇرونور. بۇ اوتاكلاردا قالان شئىلردن
اۇنلاردان اىلك دفعه آمبار (انبار) كىمى
اىستىفاده اولوندوغو معلوم اولور. اۇنلارین



زىقۇراتىن دروازاسىندا قۇيولان اۇكوز

هئىكلى

بعضىلرىنده بۇيوك و كىچىك كۆپلر
تاپىلمىشىدىر. بۇيوك كۆپلرین مایىع دۆلدورماق
اۆچون اطرافلاری كرىپىجله هۇرولوب
مۇحكمنمىشىدىر. بۇ دا ايكى چای آراسىندا
گۇرونن زىقۇراتلارلا تام اوخشايشدادير.
بۇزادا ايكى چای آراسىندا گۇروندوگو كىمى
بىر دفعه ده يۇخ، ذاتاً نئچه مرحله ده
دۆزلىدىلمىشىدىر. دئدىگىمىز اوتاكلارین
قاپلاری بىنا يۆكسلىدىكجه كرىپىجله هۇرولوب
تۆتولموش و ايجلری اۆست طرفده كى
باجالاردان چىي كرىپىجلرله دۆلدورولموشدور.
بۇ «دۆر- اوتاش» آدلانان شهر و معبدلرله

ياخىنلىقىدا اولان بىر چايین اطرافىندا اولان
پالچىقلاردان دۆزلىدىلب و مال و اينسانلار
واسيطهسى ايله ايش باشىنا گتىرىلمىشىدىر. بۇ
بىنادا اۆچ جۆره كرىپىچ ايشلنمىشىدىر: پىشمىش
كرىپىچ، چىي كرىپىچ، اۆچونجو نۇوع ايسه
پىشمىش كرىپىجلرین سىنىقلاری و اؤووتولاری
ايله قارىشىدىرىلمىش چىي كرىپىچ (بۇ نۇوع
كرىپىجلر داها دا مۇحكم اولوردو). كرىپىجلرین
اندازهسى غالیباً ۴۰×۴۰×۱۰ و ۳۵×۳۵×۱۰ يا
۳۷/۵×۳۷/۵ سانتىمتردير.

مۆزىع شكلىنده اولان بۇ زىقۇرات اولجه
هر ديواری ۱۰۰ متر اولاراق ايجرىدن چىي
كرىپىچ ايله هۇرولموش و اونون قاباغىندا ۲ متر
اننىنده پىشمىش كرىپىجىدن بىر آىرى ديوار
چكىلمىشىدىر. هر ديواردان بىر قاپى اورتاداكى
خىطه آچىلىردى. بۇ خىط مذهبى مراسىملرین
ايجراسى اۆچون نظره آلىنمىشىدى.

بۇ معبد اطرافدا اويىرى آلاهلار اۆچون
قارىلمىش معبدلرله علاقه ده اولمالى اىدى.
لاكىن شاه بۇزاتىن اهمىيىنى اۆتيرماق اۆچون
اۇزاتىن يىللله كان شكىللى بىر بۆرجه تبدىل
اولماسىنا امر اتتىدى. پىشمىش كرىپىجىدن
دۆزلىدىلمىش ديواردا هر اون سىرا ساده
كرىپىجىدن سۇنرا بىر سىرا چىيوى خط ايله
ياسزىلمىش كرىپىجلر دۆزولموشدور. بۇ
يازىلاردان اۇ زىقۇراتىن اوتاش- قال طرفىندىن

بۇ زیقۇراتین دروازالاریندا مؤحافیظت اۆچون قویولان حیوان ھیکللیری بارهده آشور بانپالین سالنامه لرینده ده ایشاره لر وار.

دئمه لی بیک کی، زیقۇراتین اطرافیندا اولان معبدلرین ده بعضیلرینین اثرلری قالماقدادیر. بۇ معبدلردن اۆچو داها اهمیتلی اولدوغونا گۆره آدلارینی گتیریریک: «ایشینکاراب-کی ری ریشا-قال». ظاهراً بۇنلار اۆچ نفرلیک بیر تۆپلوم ایمیشلر. بیر آلاله (رب النوع) و ایکی ایلاھه (قادین آلاله). اونتاش قالین شاهلیق دؤورونده بۇ تانیچانین آدی «ایشوشیناک» ایدی.^۱

بعضی قایناق لارین آدی

- ۱- تاریخ ایلام، پیر آمیه، ترجمه شیرین بیانی، تهران ۱۳۴۹
- ۲- دنیای گم شده عیلام، والتر هیتس، فیروز نیا، تهران
- ۳- در تاریکی هزاره ها، ایرج اسکندری، تهران
- ۴- ایران در سبیده دم تاریخ، جورج کامرون، حسن انوشه، تهران ۱۳۶۵
- ۵- ایران از نظر خاورشناسان، رضازاده شفق، تهران ۱۳۳۵
- ۶- آذربایجان دلی نین تشکولو، غ. غیب الله بنف، باکی
- ۷- چوغازنیبل، ر. گبرشمن، اصغر کریمی، تهران ۱۳۷۳

آشورلار طرفیندن فتح اولمادان قاباق مؤوجود اولان بعضی سۆتونلار و کتیبه لر «شوتروک-ناھوتنه» نین واسطه سیله شوش شهرینه داشیدیلیمیشدیر. ظاهراً بۇ ایش بۇ شهرین اهمیتیسی آزالتماق اۆچون گؤرولموشدو. بۇنونلا بئله آرکتولوژی قازیتسیسی اثناسیندا لؤعابلی ساخسیدان قایریلمیش بیر اؤکوز ھیکلی نین پارچالاری اؤرادان تاپیلدی. بۇ پارچالار بیر- بیرینه پایشدیریلدیقددا باشسیز و قویروقسوز و السیز- آیاقسیز بیر اؤکوز بدنی اله گلدی. اونون بئلینده ایلام خطی ایله یازیلیمیش ۱۶ سطرلیک بیر کتیبه وار ایدی. اؤرادان معلوم اولدو کی، او اؤکوز ھیکلی ایلام شاهی اونتاش- قال طرفیندن «ایشوشیناک» آلاله نینا وقف اولموشدور.

بئش ایل اؤندان سؤنرا اوتاقلارین بیرینی بوشالتدیقددا او ھیکلین، باشی، آیاقلاری و قویروغو دا تۇریاق آلتیندان چیخدی. ظاهراً آشور عسگرلری او ھیکلی خوشونتله سئیندیریب، هر تیکه سینی بیر طرفه آتمیشمیشلار و اولار گئتدیكدن سؤنرا بیر ایمانلی شخص اولنلاری بیغیب، تۇریاق آلتیندا گیزلتمیشمیش. همین ھیکل ایندی ایران- باستان مۆزه یینده ساخلانیلیر.

بۇندان علاوه آیری حیوان ھیکللیری نین ده زیقۇراتین دروازالاری اطرافیندا قویولدوغو معلوم اولموشدور. «ر. لابات» بایبل صنعتکارلاری نین دا ایلاملی اولدوقلارینا اینانیر.

۱- In shushinak شوش شهری نین حیما بتچیسی اولان آلاله

نباتی

یئنی دۆشونجه لر و چاپ اولمامیش شعرلر

تبریزلی رضا همراز

آذربایجان ادبیاتی نین پارلاق اولدوزلاری نین بیری ده شۆبهه سیز قاراداغلی سید ابوالقاسم نباتیدیر. نباتی حاقدا گونوموزه قدر ایستر قوژنی، ایسترسه ده گونئی آذربایجاندا اولارجا علمی - ادبی آراشدیرمالار آپاریلیسا دا، آنجاق قارانلیق حیصه سی هله لیک گوزه دیر. اورنک اولاراق اونون هانسی سلیسلیه به باغلی اولدوغونو دوزگون آیدینلاشدیران اولمامیشدیر. البته بوتو دا قئید اتمک یئرسیز اولایلمز کی، نباتی نین شعرلریندن اونون مسلکینی قطعیلشدیرمک نه قدر راحتدیرسه، بیر اوقدر ده چتیندیر.

محترم اوغلو سید ابوالقاسم نباتی ۱۱۹۲- ده اوشتویونده دیندار و اکینجی بیر عایله ده دوغولموشدور. هله کیچیک یاشلاریندان مکتبخانادا تحصیل آپاران سید ابوالقاسم، دینی علملری، عرب و فارس دیلرینی ده منیمسه میس و بو دیلر ایله آنا دیلی نین یاردیمیه شرفین کلاسیک شاعیرلری نین، خصوصیه مولانا، حافظ، صائب و فضولی کیمی سوز صنعتکارلاری نین اثرلرینی اوخوموش، اوزو ده آرابیر عیرفان مایه سینده شعرلر یازمیش و چوبانلیقلا گون کنچیرمیشدیر. او بیر آن علم اویرنمکدن گئری قالمایب و هر آن بیلگی نین داییره سیننی گئنیشلندیرمک آرزوسیندا ایدی. ائله بوتنا گوره نباتی اوز یوردونو، مووقتی اولموشسا دا تبریز دئییه ترک اندیب و بو شهرین طالیه مدرسه سینده دینی علملرله علاقه دار تحصیلنه دوام گوسترمگه جان آتیر. داهی شاعیر نباتی نین بو گونلرینه شاهد او دورون تانیمیش عالیم و شاعیری تبریزلی اسرار علیشاه ایدی. اسرار علیشاه اوز آنتولوژی سینده نباتی به گلدیکده بئله یازیر: شمس ولایت معرفت، قمر آسمان... در عصر خود رئیس سلسله شاه نعمت اللهی بود. اکثر اوقات نقاب به چهره چون آفتاب انداختی... نگارنده این اوراق... در مدرسه طالیه به شرف حضور آن بزرگوار رسیدم، دست مبارکش را بوسیده، ایستادم. به پایش خوانده، دست بر سرم نهاده، فرمود که

انشاءالله پير- كامل اولاسان و در حقيقت هرچه يافتيم، از ... نفس آن جنابست...^۱

اسرارين بو سؤزلريندن يىنى بير حقيقت و آنلام اۆزه چىخير و اؤ دا بو كى، بو گونه قدر نباتى نين زردؤشتى، على آللهى و نه بيلم نه كيمى مسلكلره باغلى اولدوغو دؤشونجه لرى بو شا چىخير. البته اؤنجه دندىگيميز كيمى نباتى نين شعر ديوانيندا بو مسأله بير آز پير تلاشيقدير و ائله بو نا اساساً اونو زردؤشتى آدلانديرانلار بلكه ده بو شعرينه دا ياناراق بئله فيكيير ايرلى سؤرورلر:

نه خوشلاييب خانيم بيلم، خراب كردشتى، كردشتى،
گل اؤشتويينه، تفرؤج قتل جنت باغى، دشتى، دشتى،
قويمايديم قتيزل قاندا، چكه يديم اولسايدى هر ياندا،
بنا قىلايديم ايراندا دين- زردؤشتى، زردؤشتى^۲

و يا بلكه ده اونو على آللهى و اهل - حق آدلانديرانلار دا بو شعرلرينه توجه يئتيريرلر:

بيلمم سجع نه دير، آنلامام قافيه نى،
من قارا داغلى يام وئر منه خورما، خورما.
محترم اوغلو دئييلر منه، آديم مجنون،
بير آديم خان چؤيانى بير بينى بؤرما، بؤرما^۳

يا باشقا بير يترده دئيير:

هاشمى يم، واريث - فخرالكلام،
بيزلره بو شيوهى - آبا ايميش.

- ۱- تبريزلى اسرار عليشاه، بهجه الشعراء، كاتب حسن حسينى، ۱۲۹۹، تبريز ميلى كتابخاناسى ال يازما نؤسخهسى / حاج حسين آقا نخجوانى / نؤمره ۶، صص ۲۵۲-۲۵۴.
- ۲- سيد ابوالقاسم نباتى قراداغى (قراجه داغى)، مير هدايت حصارى، مهد آزادى گؤنده ليگى، ۱۰ شهر يور ۷۲.
- ۳- ديوان تركى سيد ابوالقاسم نباتى، توپلايان، رداكتور دوكتور حسين محمدزاده صديق، تبريز، احرار نشرىياتى، بيرينجى چاپ ۱۳۷۲.

خان چۆبانی آدی نباتی، اوزو،
بیر اوزو قیر خیق، بیغی بۇرماي ایمیش.^۱

بۇ و بۇ کیمی شعرلردن نه جۆر دۆشونمک اولسا دا، آنجاق نباتی حاقدان اونون بیر سیرا شعرلری و اسرارین یازدیغی اساسیندا دۆشونمک باشقا نتیجهلره یول آچیر و اؤ بۇ کی، نباتی گنج چاغلاریندا مؤعین بیر مسلکه و عقیده یه صاحب ایمیسه ده، سؤنرالار اؤز فیکرینی دیشیمیش و قطعی دنسک بیر صؤفی مسلک اولموشدور و صوفیچیلیکده تانیمیش و مشهور عاریف ماهانلی شاه نعمت الله ولی نین سلسیله سینه ایرادت الی و ثرمیش و اؤ عالیمین عقیده سینا ایزله میشدیر و یازیلار گۆره نباتی چاغی نین عاریفی اردبیلی صدرالمالکه مۆردلوک اتمیشدیر.

چۆخ احتیماللا نباتی هیجری ۱۲۳۴- ده نعمت اللهی سلسیله سینا نین قۇطبیت مقامینا چاتان حاج محمد جعفر همدانی کبوتر آهنگی تبریزی و میرزه نصرالله صدرالمالک اردبیلی نین نظری ایله سۆلۆک اتمیشدیر و حتا ظاهیری علملری ده همین منابعدن کسب اتمه سی ظن ائدیلیر. واختیله تبریزین سرخابیندا، نعمت اللهیلر تکیه سینده ظاهیری علملر ده تدریس اولونارمیش. نباتی نین دئدیگیمیز تکیه یه گل - گندی بۇ میصراعلاردان یقین اولور:

جذبه ی- ذوق- صؤحبت- یاران،
دئیسه سن سالدی جانیمه قۇلاب.
ساقیا، ائی هؤمای- زرین بال،
بۇ نه تبریزدور، بۇ نه سیرخاب؟^۲

«سخنوران آذربایجان» آنتولوژیسی نین ترتیبچسی حؤرمتملی اؤستاد دولت آبادی ده صدرالمالک اردبیلی نین ۶ نفرلیک مۆردلریندن بیرینی نباتی نی بیلیر.^۳
نباتی اوزو ده شعرلرینده شاه نعمت الله ولی نین باسدیریلدیغی یئر «ماهان» ی چۆخ سلام- صلواتلا یاد ائدیر.

۱- همان.

۲- سید ابوالقاسم نباتی و اونون پیروی ساییلان اردبیلی صدرالمالک (ناصر علی) / احد زمانی، تبریز، مهد آزادی گۆنده لیگی ۷۲/۷۱۳.

۳- سخنوران آذربایجان، عزیز دولت آبادی، ج ۱، چاپ دوم، تبریز ۱۳۷۷، ستوده، صص ۸۷-۸۲

هرچه هستیم دل به یاد توئیم،
گرچه گبریم یا مسلمانیم.
چند پرسى تـواز طریقت ما،
کوچک ابدال شاه ماہانیم.^۱

اؤنون تۆرکجه، فارسجا شعر دیوانیندا تقدیم ائتدیگیمیز شعرلردن علاوه، باشقا شعرلرینه ده همین مؤوضوعدا راستلاماق اولار کی، مقاله نین اؤزون اولدوغونا گۆره اؤنلاری بیر داها تکرار ائتمگه یئر گۆرمه دیک.

نباتی نین شاعیرلرله شعرلشمه سی:

نظرمیزه یئتیشن دیوانلار و مقاله لرده نباتی ایله بیر سیرادا شاعیرلرین شعرلشمه سینى گۆرسک ده، شۆبیه سیز اؤنلارین بیر سیراسی یشره دۆشموش و اؤنودولموشدور. بؤ شاعیرلردن بیسری نباتی ایله چاغداش اولان ملا مهرعلی فدوی ایدی. شازدا فرهاد میرزه نین «زنبیل» کیتابیندا ملا مهر علی نین بیر بیئتی اساسیندا قۇرولموش بئله بیر قصیده وار:

یؤخ گۆله عشقی بۆلبولون، عشق بؤدور کی، منده وار،
گۆلده نه حؤسن ائی پری، حؤسن بؤدور کی، سنده وار.^۲

بیلیریک کی، نباتی ۱۲۶۲ ده وفات ائتمیشدیر، حال بؤ کی ملا مهرعلی ده همین ایلده دؤنیاسینی دییشمیشدیر. نباتی نین دیوانیندا همین وزن و قافیه ده بیر شعر گۆرونور کی، باشلانیشی بئله دیر:

مئیده نه لؤطف ائی پری، نشئه اؤدور کی، سنده وار،
آب- حیات لؤذتی لبلرینی امنده وار.
ائتمه نظاره سۆنپوله، سال یشره مۆشک و عنبری،
تاب و طراوت ایسته سن، زؤلف- شیکن- شیکنده وار.^۱

۱ - حصارى، میر هدايت، قاباکی

۲- زنبیل، فرهاد میرزه، کلاله خاور، تهران.

داها سۆنرا تبریزلی حاج میرزه مهدی شکوهی نین شعر دیوانلارینا مۆراجیعہ ائتدیکده

شاعیریمیزین:

صبا مندن سؤیله او گؤل عۆذاره،
بۆلبول گۆلوستانه گل سین، گل مه سین؟
بۆ هیجران دۆشکونو، ایل لر خسته سی،
قاپینا درمانه گل سین، گل مه سین؟

معروف قوشماسینا بیر نظیره ایله راستلاشیریق:

بیر دئین یۆخدور جماله،
عاشیق - نالان گل سین - گل مه سین؟
حسرتی چۆخدور بزم - وۆصاله،
دیده ی - گیران گل سین - گل مه سین؟^۲

نباتی ایله شکوهی نین دیوانلاریندا گزیشرکن اؤنلارین یارادیجیلیغیندا بعضی باشقا بنزریکلره ده

راست گل مک اولار. نباتی نین:

عۆریان - زار اولدوم یئنه، معنوننا باخ، معنوننا باخ،
سؤلطان - غار اولدوم یئنه، هامونا باخ، هامونا باخ.^۳

گرایلیسینا نظیره اولاراق شکوهی بئله یازیر:

۱- دیوان ترکی سید ابوالقاسم نباتی، توپلایان، رداکتور دؤکتور حسین محمدزاده صدیق، تبریز، احرار نشریاتی، بیرینجی چاپ ۱۳۷۲.

۲- دیوان شکوهی، داش باسما، ص ۱۹۴.

۳- دیوان ترکی سید ابوالقاسم نباتی، توپلایان، رداکتور دؤکتور حسین محمدزاده صدیق، تبریز، احرار نشریاتی، بیرینجی چاپ ۱۳۷۲، ص ۱۹۴.

بۇ بى وفا دۆنيايه باخ، دۆنيايه باخ،
سالىدى منى معجون كيمي صحرايه باخ، صحرايه باخ

...

بۇ مجلسه عزم ائيله ديم، شۇريا يثيب، هضم ائيله ديم،
اوتدوم بۇنو نظم ائيله ديم، سۇودايه باخ، سۇودايه باخ.^۱

نباتی نین چاپ اولان دیوانلاری حاقدا:

ابوالقاسم نباتی نین شعرلری بۇ گۆنه کیمی ایران و ایراندان قیراقددا دفعه لرله چاپ اولموشدورسا، هله لیک اونلار جا شعری اوندولموشدور. یازیلارلا گۆره اونون دیوانی نین بیرینجی چاپی اولوموندن ۱۰ ایل سونرا تبریزده ایشیق اوزو گۆرموشدور و سونرالار، دندیگیمیز کیمی یوخاری تیراژلاردا باسیلمیشدیر. نباتی نین شعرلری ۱۹۷۱- ده «نباتی و اثرلری» باشلیغی آلتیندا تۆرکیه ده «تئلما تکین»- ین لیسانس تئزی کیمی ۲۱۳ صحیفه ده نشر اولموشدور.^۲

گۆزدوگوموز دیوانلاردان نباتی نین آن مۆکمل و گۆزل چاپی آذربایجان ادبیاتی نین یۆرولماز عالیمی دۆکتور حسین محمد زاده صدیقین، نباتی نین شرفینه کنچیریلن قورولتایا عایید نشر اتدیگی ایکی جیلدلیک اثری اولموشدور.

نباتی نین چاپ اولمایان شعرلری:

ایشاره اتدیگیمیز کیمی نباتی نین بیر سیرا شعرلری دیوانلاردا داخیل اولونمامیشدیر. بونلاردان علاوه بیر سیرا شعرلر ده دیوانلاردا اولان شعرلرله فرقلیدیر. اؤرنک اولاراق داھی شاعیریمیزین بیر ذوق اوخشیان شعرینه نظر سالاق:

ایشیم- پشهم اؤد یان دیرماق،

عجب آتش پرست اولدوم.

ایچدیم سؤدو، چکدیم بنگی،

غریبه شیر- مست اولدوم.

تنز اول چک شیشه کبابی،

آت گتتسین چنگ و رویابی،

۱- دیوان شکوهی، داش باسما، صص ۱۰۳-۱۰۲

۲- ینتی یؤل، نۆمره ۲، ص ۲۵، حسین دوزگون.

قوی الدن جام شرابی،
 من کی مست-الست اولدوم.
 کئچدیم تمام-عالمدن،
 سلیمان ایله خاتمدن،
 گویا دگیلدیم آدمدن،
 بیر حویاب ایدییم، پست اولدوم.
 کمانا شصته بیر تیره،
 فلکلر تیکدیم بیر-بیره،
 رۆستمی اتسدیم بیر بیره،
 گۆر نجه زیر-دست اولدوم.
 شیکار ایکن دامه دۆشدوم،
 بیر مست اولوب جامه دۆشدوم،
 نباتی صویح شامه دۆشدوم،
 بیسری ایلانری پای بست اولدوم.^۱

ایندی بۇ کیچیک یازیمیزی نباتی نین هله گۆنوموزه قدر چاپ اولمایان بیر شعرى ایله بیتیریریک و نباتی حاقدا مۆکمل آراشدیرمالاری سایین تدقیقاتچیلاریمیزا مۆحول اندیریک.

سئیر اندیب گزدیم کۆل-آفاقی،
 گۆرمه دیم سن تک قان ایچن یاغی،
 بیر دۆلو ساغر مئیدن ائی ساقی،
 هر زمان کۆنلوم ایستر، ائی ایستر.
 شوهرت-حۆسنون گئتدی کنعانه،
 درد-هیجرۆنلن یتیمیشم جانه،

۱- تیریزلی اسرار علیشاه، بهجه الشعرا، کاتب حسن حسینی، ۱۲۹۹، تیریز میلی کتابخاناسی ال یازما نۆسخهسی / حاج حسین آقا نخجوانی / نۆمره ۴۰۶، صص ۲۵۴-۲۵۳، دیوان ترکی سید ابوالقاسم نباتی، توپلایان، رداکتور دوکتور حسین محمدزاده صدیق، تیریز، احرار نشریاتی، بیرینجی چاپ ۱۳۷۲، صص ۱۹۸-۱۹۷

شمع- رۇخسارون مىشل- پروانە،
 ھەر زىمان كۈنلۈم اىستر، ائى اىستر.
 بىر جفا پىشە يار- بدىخۇدن،
 فرقى يوخ، بالله جىسمىمون مۇدن،
 مۇژدەى- وصلۇن خم- ابرۇدن،
 ھەر زىمان كۈنلوم اىستر؛ ائى اىستر.
 صۇرتون گۇرچك عجز اندر مانى،
 دۇشلىو بىر دردە، يۇخلىو درمانى،
 لعل- لېوندن آب - حىوانسى،
 ھەر زىمان كۈنلوم اىستر، ائى اىستر.
 گل صبا، رحم ائت من دىل افكارە،
 عرض قىل حالىم، سۇيله اول يارە،
 بىر نىگامىلە دردىمە چارە،
 ھەر زىمان كۈنلوم اىستر، ائى اىستر...^۱

قايناقلار:

- ۱ - بەجەالشعرا، تېرىزلى اسرار علىشاه، كاتىب حسن حسىنى، ۱۲۹۹، تېرىز مىلى كىتابخاناسى ال يازما نۆسخەسى، حاج حسىن آقا نىخجوانى، نۆمرە ۴۰۶
- ۲ - سىد ابوالقاسم نىباتى قراداغى (قراجه داغى)، مىر ھدايت حصارى، مەھد آزادى گۆندەلىگى، ۱۰ شەرىور ۱۳۷۲
- ۳ - دىوان تركى سىد ابوالقاسم نىباتى، دۇكتور حسىن محمدزادە صدىق، احرار نىشرياتى، بىرىنجى چاپ، تېرىز ۱۳۷۲

۱- بۇ شعر تېرىزلى عالمىم، خطاط و شاعىر دۇستوم محمد بەرامى اصل (عامى) نىن اۋزل كىتابخاناسىنداكى «كىتاب قواعد برهان بر مختصرالعروض» ال يازما كىتابىندا گۇتورولدى. بۇرادا يىرلىدىر كى، حورمتلى «عاصى» دن بىزە بۇ اىمكانى ياراتماق اۋچون چۇخلو تشكۇر ائىدىب، مىتتدارلىغىمىزى بىلدىرك.

گۆركملى آراشديرىجى عزىز محسنى نىن دده قۇرقود، كىتابى حاقيندا

دۆكتور جواد ھىشت

بۇ ياخىنلاردا حورمتلى دوست و همكارىمىز، وارلىق درگىسى نىن تحريره ھىتى نىن عۆضوو و گۆركملى عالم و آراشديرىجى عزىز محسنى نىن دده قۇرقود بارەدە كىتابى چىخمىش و تابان انتشاراتى طرفىندىن يايملانمىشىدۇر. بۇ كىتاب ۳۱۲ صحىفەدە و رۆقى اندازەدە باسلىمىشىدۇر.

مۆلىف كىتابىن جىلدىنە دده قۇرقودون قۇبوزويلا برابر شكلىنى قۇيموش و آلتىندا تواضوعكار بىر ادا ايله: چئورن، تدوين و شرح اندن عزىز محسنى عۆنوانىنى يازمىشىدۇر.

مۆلىف كىتابىن گىرىش قىسمىندا بللە يازىر: بۇ كىتاب بىش حصەدن عىبارتدۇر:

۱- دده قۇرقود دۇنياسى: مۆلىف بو حصەنى گۆركملى موعاصىر يازىجى و آذربايجان يازىچىلار بىرلىگى- نىن صدرى آنارىن يازدىغى «دۇنيا بىر پنجرەدۇر» كىتابىندان اليفامىزا كۆچورەرك اۆز كىتابىنا مۆقدىمە پىرنە نقل ائتمىشىدۇر.

۲- مۆلىف دلى دۇمرول و باساتىن تپەگوزو اولدوردوگو بۇيلارى عىنىا و چاغداش مئىنلرىنى فرھاد زىنالوف و صامت علىزادەنىن باكىدا نىش اولونان «كىتاب- دده قۇرقود» اثرىندىن اليفامىزا كۆچوروب كىتابدا نقل ائتمىشىدۇر.

۳- اۇن ايكى بۇى دده قۇرقود كىتابىندان «ترجۆمە و قىسالدېلمىش و سادەلشديرىلمىش، چاغداش شكىلدە» و مۆلىفنىن شرحلىرە برابر وئرىلمىشىدۇر.

۴- جو حصەدە دده قۇرقود كىتابىندا گئدىن اىصطىلاحلار، پىر آدلارى و تارىخى آدلار حاقيندا، دده قۇرقود كىتابى بارەدە مۆختلىف آراشديرىجىلارنىن نظرىئەلرى وئرىلمىش، ھابئىلە ديوان- لغات- الترك، ابن فضلان، ابوالغازى بهادرخان و اۇنون يازدىغى «شجرە تراكمە»- دن. ايقوز داستانى، ايلياد و اوديسە داستانلارى و دده قۇرقود اۆزىندە تديققات، آپاران دىتس، بارتولد، كۆنونو، محرم ارگىن و اۇرخان شايىق كىمى عالېھلردن بحث ائتمىشىدۇر. سۇنرا خۇلاصە و نىجە فصلىندە بۇ حقىرىن فىكىرىندىن دە سۆز ائتمىشىدۇر.

مۆلىف بۇ كىتابدا مشهور دده قۇرقودشۇناس آنار بىگىن و دىگر دده قۇرقودشۇناسلارنىن فىكىرلىرىنى نقل ائتمكە دده قۇرقود داستانلارى بارەدە مۇباحىئەلى فىكىرلىرى اورتايا قۇيور و اۇز دە بۇيلارنى خۇلاصەلرىنى، اۇرىژىنال و چاغداش مئىنلرىنى وئرمكە اۇخوجولارىنا داستانلارنى اساسىنى چاتدېرىر، ھم دە وئردىگى اىضاحلارلا بۇيلارداكى اساس فىكرى و مەھوملارى اچىقلاير، ائلە كى اۇخوجو بۇ كىتابى دىقتلە اۇخودوقدان سۇنرا دده قۇرقود و اۇغوزلارى يعنى اۆز اولو بابالارىنى ياخشى تانىمىش اولور.

منجە بۇ كىتابىن اساس اۇغورو بۇدور و مۆلىفى بۇ باشارىسىندان اۇترو آلقىشلاماق و تېرىك ائتمك لازىمدۇر.

حورمتلى مۆلىفنىن يازدىغى كىمى، دده قۇرقود اۇغوز تۆركلرىنىن ان قدىم يازىلى آيدەسى و يا آيدەلرىندىن بىرىدۇر. بۇ كىتاب خالقيمىزىن ياشايىش طرزى، عادت- عنعنەلرى و مىلى خۇصوصىتلىرى و بىر سۆزلە خالقيمىزىن

وارلیغینی ان گۈزۈل شکیلده عکس اتئدیریر.

کیتابدا حۆرمتملی آنار مۆعلیمین یازدیغی «دده قۇرقود دۆنیاسی» فصلینده دده قۇرقود داستانلاری بارهده گئیش معلومات وئرلیب و دده قۇرقوددا کئچن حادیهلر، بۇیلارداکی یئر آدلاری و تاریخ آدلار، بۇیلارین و مۆقدیمهنین دیلی و یاراندیغی زامان و مکان حاقیندا علمی تحلیل و ایضاحلار وئرلمیشدیر. آنجاق بۇ تحلیللر و ایضاحلاردان آلینان نتیجهلرین بعضیلری ایله من راضیلاشا بیلیمیرم. اونا گۆره ده حاضرلادیغیم قئیدلری تحقیقی و تنقیدی بیر مقاله کیمی گلهجک ساییمیزدا وئرمگی دۆشونورم.

حۆرمتملی دوستوم عزیزآقا محسنی بۇ کیتابدان باشقا بیر چۆخ اثرلرین مۆکیغی و بیر نچه کیتابین مۆترجمی اولموش و وارلیقدا تانیدیلان یئنن چئیخان کیتابلاری اوخویوب اینجهلهدیکن سؤنرا کئچیک وینغجام شرحلرله تانیدان همکاریمیزدیر. اونا اولو تانیردان اوژون و ساغلام عۆمور و آپاردیغی اوغورلو مدنی ایشلرینده باشاری دیله بیرم.

دۆکتور جواد هیئت



وارلیق درگیسی نین یازچییلار هیئاتی

اوتورانلار سۆلدان: میرهدایت حصاری، دۆکتور جواد هیئت، عزیز محسنی، کریم مشروطهچی (سۆنمز). آیاقدا دۆرانلار: مۆهندیس ابراهیم رفر، حسن راشدی، حسن مجیدزاده (ساوالان)، اکبر آزاد، دۆکتور صمدسرداری نیا، محمدرضا هیئت، اسماعیل هادی. دۆکتور محمدعلی فرزانه و مۆهندیس علیرضا صرافی سفرده اولدوقلاری اوچون شکیلده ایشتیراک ائتمه میشلر.

آذربایجاندا ، داش دؤورو مدنیتی نین ایلک اینکیشافلاری (۱)

بهرام آجثرلو

صنعت، معمارلیق و شهرسالما انستیتوسو

آرکتولوژیک آراشدیرمالار پروژه لری نین آزیغینا باخاراق جنوبی آذربایجان اراضیسینده اولان ایلک مدنیتلر حاقیندا بیلگیلریمیز هنج ده گؤرکملی سایلماز . ایندییه دک جنوبی آذربایجاندا تاپیلان ان قدیم مدنیت اثرلری نجه داش بالتاسینا (۱) حصر اولونموشدو کی، دؤکتوره . ص. کورروس ۱۹۷۴- جو ایلده آپاردیغی اؤزنیسل آراشدیرمالاریندا (۲) مراغا- میاندا- تبریز بؤلگه سینده تاپمیشدیر (شکیل ۱).

بۇ داش آلتلرین قیدمتی ۲۵۰ مین ایل اؤنجه یه دایانیر؛ بلکه ده هؤمؤ ارکتوسلارین (۳) اولسون. آرکتولوژییه دایاناراق، مودرن اینسان (۴) ۲۰۰ مین ایل بۇندان اؤنجه آفریقانجی ترک ائتمیشدیر؛ بۇنا گؤره ده تاپیلان داش بالتالار مودرن اینسانا منسوب اولایلمز.

مدنیتی آشولین (۵) آدلانان هؤمؤ ارکتوس ایکی آباغی اؤستونده یثری بیردی، اؤدو تانی یردی، اؤچولوقلا اؤغراشیردی و ماغارالاردا یاشاییردی. صنعت اؤزلیگی تکجه داش بالتاسینا محدودلاشان آشولین مدنیتی ۱/۵ میلیون ایل اؤنجه یثر اؤزونده اورتایا چیخمیشدیر، آنجاق دؤکتور لوییس بینفورد (۶) اؤز



ال بالتاسی

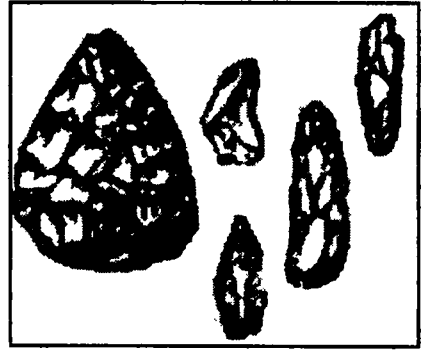
آراشدیرمالارینا دایاناراق هؤمؤ ارکتوسلاری اؤچو تانیمایب، لاشخور حساب ائتمیشدیر؛ چؤنکی اونون داش آلتلری اؤچولوغا

یارامازدیر.

جنوبی آذربایجاندا تانینمیش ایکینجی داش مدینیتی موسترین (۷) یا دا اورتا-اسکی داش دؤورو (۸) دور کی، نئاندرتال (۹) اینسانی ایله اورتایا چیخمیشدیر. موسترین دؤورو اوروپا و آفریقادا ۲۵۰-۲۰۰ مین ایل اؤنجه باشلامیشدیر و ۴۰-۳۵ مین ایل اؤنجه مودرن اینسانین مدینیتی اؤنون یئرینی تۆتموشدور. ژئولوقلار نئاندرتالین یاشاییش دؤورونو ۴-جو بوؤ عصری (۱۰) ایله باغلی بیلیرلر کی، ۷۵-۸۰ مین ایل اؤنجه باشلامیشدی.

نئاندرتالین معیشتی نین بعضی نظرلردن هؤمو ارکتوس معیشتی ایله بنزریلگی وار؛ آنجاق اؤنون اؤچولوغوندا هنج بیر شۆبهه میز یؤخدور. ایلک دفعه اولاراق اوخلا یای اؤنون زامانیندا اورتایا چیخمیشدیر. نئاندرتالارین داش آلتلری هؤمو ارکتوسلارا گۆره داها اینجه لشیب و اؤچولوغا داها اویغونلاشمیشدیر. بؤ دؤورده ساده جه آذربایجاندا یوخ، بۆتون ایران فلاتیندا داش آلتلری داش کسیتیلریندن (۱۱) دۆزلیردی و داشدان قاییریلیمیش یونما و دئشمه آلتلر، هابئله دیش-دیش آلتلر ده گۆرونور کی، البته داشدان قاییریلیمیش یونما آلتلرین سایسی داها چؤخدور.

جنوبی آذربایجاندا ایندییه دک تانینمیش اولان بیرجه موسترین آرکتولوژی سایتی آمریکالی آرکتولوق دؤکتور کارل ایستنلی کون (۱۲) طرفیندن تمتما ماغاراسیندا (۱۳) کشف ائدلمیشدیر. دؤکتور کون بؤ مکانی نئاندرتالارین یایلاغی اولاراق قئید ائتمیشدیر.



نئاندرتالارین داشدان قاییریلیمیش
ایش آلتلری

دایسون و فیشر (۱۴) بؤ نظری اورتایا گتیردیلر کی، جنوبی آذربایجان تاریخ اؤنجه سینده (۱۵) آناتولی، قافقاز، شیمالی بین النهرین و ایران فلاتی نین مرکزینده یئرلشن داش مدینتلی نین اورتاق بؤلگه سی و علاقه محوری اولموشدور. بؤ نظر آمریکالی آرکتولوق دؤکتور رالف سولکی نین جنوبی آذربایجاندا آپاردیغی آراشدیرمالارا ایستقامت وئرن بیر نظر اولموشدور.

آردیسی وار...

ایضاحلار:

Hand Axe - ۱

۲ - Üzeyşal Araşdırmalar (آرکتولوژیک سایتلارین اۆزیریندن آرکتولوژیک فاکتلاری تۇیلاماق)

۳ - Homo Erectus (آنتروپولوقلارین تانیدیغی آناٹومیک اینکیشاف پروسه سینده ایکینجی اینسان کی، ۱/۸ تا ۱/۵ میلیون ایل اؤنجه اورتایا چیخدی.)

Homo Sapiens - ۴

۵ - Acheulean (هؤموارکتوسون مدنیتی کی، ایزلری ایلک دفعه فرانساداکی سنت آشول بؤلگه سیندن تاپیلدی و اونا خاطر آشولین آدلاندى.)

۶ - Lewis Binford (دؤنیادا یئنی آرکتولوژی مکتبى نین آتاسی)

۷ - Mousterian (نئاندرتال مدنیتی نین آدی. بۇ مدنیت کی، ۲۵۰۰۰مین ایل اؤنجه آشولین مدنیتی نین یئرینی آلدی، ایلک کره فرانساداکی لاموستر بؤلگه سینده تاپیلدی.)

Middle Upper Palaeolithic - ۸

Homo Sapiens Neanderthalis - ۹

Glacier - ۱۰

۱۱ - Flake (داش دؤورو صنعتینده، انا داشدان آیریلان قطعهلر کی، اؤنلاردان داش تیغه لر دؤزلیردی.)

Carl Stanly Coon - ۱۲

۱۳ - تمتا ماغاراسی اورومیه شهرى نین باتیسیندا و اوندان ۲۲ کیلومتر اؤزاقدادیر. بۇرانین اؤجالینی دنیز اۆزیریندن ۱۵۰۰ متر دیر.

Dyson & Fisher - ۱۴

Prehistory - ۱۵

قایناقلا:

-Coon, C.S. ۱۹۵۱, *Cave Exploration in Iran 1949*. University of Philadelphia press.-Hind, S.K. ۱۹۷۴. *Early Hominid Traces in East Azerbaijan*, Proceedings of The IVth Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, Tehran, Iran Centre for Archaeological Research, pp ۱-۱۰.-Thomas, D.H. ۱۹۹۸. *Archaeology*, ۳rd ed., New York.

مالمو شهرینده آذربایجان سمپوزیومو
 فروردین آیی-نین ۲۶-ده (آپریل ۱۵،
 ۲۰۰۳) سوئد اۆلكه سی-نین مالمو شهری-نین
 اوئیورسیتیه سی طرفیندن «آذربایجان دیلی و
 هویتی» آدلی بیر علمی سمپوزیوم
 دۆزئلنمیشدی. آذربایجان جوْمهوریتیندن،
 هولاندان، آلمانان، لهیستانان، و باشقا
 اۆلكه-لردن سمپوزیوما ایشتیراكچیلار
 قاتیلیمیشدی. آذربایجان دیلی و مدیتی
 حاقیندا مۆختلیف معروضه-لر اوخودولار.
 اۆلكه میزدن دوكتور جواد هیئت، دوكتور محمد
 علی فرزانه، دوكتور ضیاء صدر، علیرضا
 صرافی، ابراهیم رفر و آغشین آغ کهرلی و ...
 بو سمپوزیومدا ایشتیراك ائدیردیلر.

سمپوزیوم مالمو اوئیورسیتیه سی-نین
 موعاوینی Björn Fryklund طرفیندن
 آچیلدی. دوكتور جواد هیئت «آذربایجان
 دیلی-نین تشکولو» آدلی معروضه سینده قوزئی
 آذربایجاندا تۆرك دیلی-نین تشکولونون
 میلاددان اؤنجه ۷- جی عصردن باشلادیغینی و
 میلاددان سوئرا ۷- جی عصرده تاماملانندیغینی
 قئید ائدی، اؤز شخصی آراشدیرمالاری
 اساسیندا بونظریه نی ایرلی سۆردو کی، گوئی
 آذربایجاندا تۆرك دیلی-نین تشکولو تخمیناً
 ۵۰۰ ایل قوزئیدن داها گنج حیاتا کئچمیشدیر.
 یۆته-بۆزی شهریندن سمینارا قاتیلان
 دوكتور محمد علی فرزانه «آذربایجان دیلینه

بیر نئچه خبر

حاضیرلایان:
 ابراهیم رفر

باش ساغلیغی

حۆرمتلی دوستوم و همکاریم دوكتور
 محمد کنگرلی بیگ:

سیزین دامادینیز احمد خلوق بیگین
 واختسیز اولوم خبرینی دۆیدوق. بو آجی
 خبردن بیز ده کدرلندیک. سیزه و قیزینیز
 سئوی خانیمما و بۆتون عاییله یه
 باش ساغلیغی وئریر، اولو تانریدان
 هامینیزا صبر، دۆزوم و جان ساغلیغی
 دیله ییرم.

دوكتور جواد هیئت

ۋرشو شەھرىندىن بۇ سەمىنارا قاتىلان گىنج لەھىستان ۋەتەنداشى ايهار لالكوۋ آذربايجان مەدىنىتىنى غەربدە تانىدىغان ايسلاۋ كۆكلو آراشيدىرىجى آلکساندر خۇچكوۋ حاقىندا مازاقلى معروضە اۋخودو. ۱۸۲۹- جو ايلده سن پترزبورق اۋنيورسيتەسىندە تحصيل ايشينه مشغول اولان آلکساندر خۇچكودا ايلک آذربايجان حيسلرینی يارادان ميرزه جعفر تۇپچوباشوف اولموشدور. ۱۸۴۰- جى ايلده اۋنون لوندون شەھرىندە بىر كىتابى چاپدان چىخىمىشىدى. اۋ، كىتابىندا كۇراۋغلو حاقىندا، فارس خالق ماھنىلارى حاقىندا، ايران تۆركلرى نىن خالق ماھنىلارى حاقىندا معلومات ۋە ئىلمىش ۋە كىتابىن ۳ ۋە ۷- جى فصىللىرىندە كۇراۋغلو داستانى نىن اينگىلىسجه ترجمەسىنى كىتىرمىشىدىر. ۱۸۴۳- جو ايلده آلمان دىلىندە تېرىزلى عاشىق صادق پىن رىوايتى اساسىندا كۇراۋغلونون سرگۆزشتلرینی قلمە آلمىشىدىر. فرانسى اولكەسىندە آلکساندر خۇچكونون آدى ۋە اثرلىرىنە ايشارتلرى احتىوا ائدن ۲۰ ايل اۋنجه حاضىرلانمىش بىر دۆكتورلوق رىسالەسى نىن دە مۇوجود اولماسى قئىد اولوندو.

سەمپوزيومون قۇرۇلۇشوندا ۋە گىئەشىندە خانىم دۆكتور كارينا فاملىنگ ۋە دۆكتور مناف سىبى نىن صرف ائتىدىگى امك ۋە زحمت تقدیره لايىق ايدى.

اۋترى بىر باخىش «آدىلى معروضەسىندە بۇ دىلین ايفادە قابىللىرىندىن بحث ائتىدى ۋە اۋنون قراماتىك ۋە لکسىك ايمكانلارینی بۇيوك تحسین حىسى ايله گۇز اۋنونە كىتىردى.

دۆكتور ضياء صدر قىبلەوى منلىك، ژنوتىپ، شجرە مسألەسى، بىرە ۋە تۇرپاغا باغلىلىق، دىل ھويتى ۋە دىن ھويتى دئىە ھويتىن آيرى- آيرى تەمللرىندىن بحث ائتىدى ۋە نہایت «مىلتلرین ئروتى» كىتابى نىن مۇكىفى اولان شۇھرتلى اينگىلترە اىقتىصاد عالیمی آدم اىسمىتىن نظرىەسىنە داياناراق مۇدرن مىلت قاورامىندان بحث ائتىدى ۋە «مىلت گۇمروكدن باشلانار ۋە گۇمروكدە بىتر»- دئىە اىقتىصادى عامىلین مىلتىن فۇرمالاشماسىندا نە قدر گۇجلو تاثيرە مالىك اولدوغونو گۇز اۋنونە كىتىردى. ضياء صدرىن فىكرىنجه پول واحىدلرى ھويتى فۇرمالاشدىران اۋنملى عامىلردن سايىلمانيدىر.

بۇ سەمپوزيومدا مۆھندىس علیرضا صرافى تۆرك دىللىرى نىن ايران تۇرپاغىندا يايغىنلىق خرىطەلرینە ۋە بىر چۇخ آمارى معلوماتا داياناراق تۆرك دىلى نىن بۇگۇنكو دۇرومو حاقىندا گىئىش معلومات ۋە ئىردى ۋە آنا دىلیمیزىن تەلىم- تریبە سىستەمىندە ھلە دە اۋز يىرنىنى آلمادىغى ۋە بۇ ساحەدە پىروبلملر، چاپالار ۋە چۇزوملر حاقىندا دانىشتىدى. ھابئله ابراهیم رفر ف آذربايجان توركجهسىندە «دیشكن دئىمسلىك» مسألەسى ۋە آغشىن آغ كمرلى پىر آدلارى حاقىندا چىخىش ائتىدىلر.

اؤلوندو. جواد هیئت «نؤوروز بایرامی کیملره عاییددیر؟» - سؤزغوسو ایله قارشیلانماقدا «نؤوروز بایرامی هم بیزه، هم ده فارسلا عاییددیر، بۇ و بۇنا بنزر عنعنلر بیزیم اورتاق عنعنلریمیزدیر و بیزی بیرلشدیره جک ان باشلیجا عامیللردن ساییلماقدادیر» - دئییه جاواب وئردی.

گؤرکملی یازچی و شاعیر عزیز محسنی نین شرفینه آغیرلاما مجلسی

وارلیق درگیسی و صابر ادبی انجۆمنی نین تشبۆثو ایله خؤرداد آیسی نین ۲۳- ده اندیشه مدنیت اوجاغیندا گؤرکملی و چالیشقان یازچی، شاعیر و ادیب عزیز محسنی نین شرفینه طنطنه لی آغیرلاما مراسیمی کئچیریلدی. مجله میزین چاپا حاضرلانماغی ایله مراسیم اؤست- اؤسته دؤشمه سی سببیدن بؤمراسیم حاقیندا اطرافلی بیلگی درج اتمک ایمکانیمیز اولمادی و بۇ ایشی گله جک ساییمیزدا یثرینه یئتیرمگی داها اؤیغون گؤزدوک. بیز چالیشقان یازچییمیز عزیز محسنی جانابارینا اوزون عؤمورله برابر خالقا خیدمت اوغروندا بۇندان دا پارلاق باشاریلار دیله بیریک.

دؤکتور محمد علی فرزانه نین شرفینه آغیرلاما مجلسی

فروردین آیسی نین ۲۹- جو گۆنۆنده سؤند اۆلکه سی نین یۆته بؤری شهرینده گؤرکملی عالیم دؤکتور محمد علی فرزانه نین ۸۴ یاشیندا لیغینی قئید ائله مک اۆچون آغیرلاما مراسیمی کئچیریلدی. مراسیمده اۆلکه میزدن گئدن قوناقلار دا ایشتیراک ائدیردیلر. بۇ مراسیمده اؤستاد فرزانه نین حیاتی و یارادیجیلیغی حاقیندا دؤلغون مقاله لر اؤخوندو و شنلیک مراسیم لری کئچیریلدی. بۇ مراسیمده وارلیق درگیسی نین طرفیندن گؤرکملی عالیمه بیز تقدیرنامه اهدا اولوندو.

ایستۆکهولم شهرینده آذربایجان آخشامی قۇجامان عالیم دؤکتور جواد هیئت و اؤنو مۆشایعت ائدن هیئاتین ایستۆکهولم شهرینه سفری مۆناسیبتی ایله بۇ شهرده یاشایان آذربایجانلیلار طرفیندن فروردین آیسی نین ۳۱- جی گۆنۆنده سؤند اۆلکه سی نین پایتاختیندا بیر مدنیت تۇپلانتیسی دؤزلنلندی. بۇ تۇپلانتیدا آذربایجانین مدنی و ایقتیصادی مسألہ لری حاقیندا فیکیر مۇبادیله لری کئچیریلدی و آنادیلیمیزین باشی اۇجالینی اوغروندا لازیم گلن آدیملار حاقیندا دؤکتور جواد هیئت و باشقا ایشتیراکچیلار طرفیندن دؤشونجه لر ایفاده

گۆرولوب و بو دیپلوم اونیورسیتته ده برپا ائدیلن مراسیمده اونیورسیتته رکتورو پروفسور صلاح الدین خلیلوف طرفیندن صمد آقا سرداری نیایا وئریلمیشدیر.

بو مراسیمده وارلیق درگیسی نین مسؤل مۆدیری و باش رداکتورو دۆکتور جواد هیئت ده ایشتیراک اتمیشدیر. شکیلده اونیورسیتته رکتورو پروفسور صلاح الدین خلیلوفو صمد آقا سرداری نیایا دۆکتورا دیپلومونو وئریرکن گۆروروک.

باکیدا آذربایجان اونیورسیتته سینده صمد سرداری نیایا دۆکتورا درجه سی وئریلدی.

فروردین آیی نین ۱۲- نده (آپریل ۱) باکیدا آذربایجان اونیورسیتته سی نین علمی شوئراسی طرفیندن وئریلن قرارلا، وارلیق درگیسی نین قۇروجو و ایداره هئیاتی عۆضوو صمد آقا سرداری نیایا، کئچن ۲۵ ایلده آذربایجانین سؤن یۆز ایللرده کی تاریخی باره ده آپاردیغی تحقیقی چالیشمالاری و یازدیغی دۆرلی اثرلرینه گۆره فخری دۆکتورا عۆنوانی وئریلمه سی اویغون



آذربایجان اونیورسیتته سی نین رکتورو پروفسور صلاح الدین خلیلوف صمد سرداری نیایا

فخری دۆکتورا درجه سی وئریر (باکی، ۱ آپریل ۲۰۰۳).



سندە دە وار

چمنى ترك ائله ديم كى، او صفا سندە دە وار،
 نىليرم گۆلشنى من، عشق و وفا سندە دە وار.
 باغلا ديم وارليغىمى صيدق و صفا سۆزلرينە،
 اهل - عثيشم، دئديم، او ساز و نوا سندە دە وار.
 بىر مثلدىر كى، اولار هر گۆزلىن بىر عثيى،

سندە عثيب اولمادى، اما بىر ادا سندە دە وار.
 بيوفاللىق گۆزلىن گۆرهرىنى لكه لدر،
 خط دۆشن لعل - بدخشان عجبنا سندە دە وار.
 گۆزلىن عشوه و نازى اولار عاشىقلره درد،
 ايندى بيلديم، بۇ يامان جوور و جفا سندە دە وار.
 ناز ائلر نافي نين عطريله خوتن آهوسى،
 سن دە بىر مۆشك - ختاسن كى، خطا سندە دە وار.
 سینه دە بسله ميشم وصلينه اۆميد افسوس،
 بۇ خياليله كى احسان و عطا سندە دە وار.
 نا اۆميد اولمادى «يىتكين» باشاباش عؤمرونده،
 چۆنكى ايجاز ائله ين رمز - شفا سندە دە وار.

تيمور جم نژاد (يىتكين)

رفت از بر من آنکه مرا مونس جان بود،
دیگر به چه امید در این دهر توان بود؟

دوكتور جواد هيئت



دوكتور احمد فروغون دوكتور جواد هيئتله

سۇن شكىلى، تۇلدۇ (اۇھايو)، فروردین

۱۳۸۱

دوكتور احمد فروغون ياسيندا

بۇ گۆنلر عالم گۆزومده قارارماغا باشلاميش،
ايسوچ سفريندن يىنى قايدىب داھا از گۆزل
واؤنودولماز گۆنلرين سئوينجلى خاطيره لريله
ياشاركن... فلک اؤز ايشينى گۆردو و بۆتون
سئوينجىمى كدره و شادليغىمى غم— غۇصه يه
چئويدى.

بلى آمريکادان تلفونلا وئريلن بير خبر ان
عزيز دوستوم دوكتور احمد فروغون
هميشه ليک بيزدن آيريلديغىنى بيلديردى. بۇ آجى
خبر شيرين ديللى عزيز دوستوم امير اصلانى
طرفيندن وئريلدى. از دوستلارى طرفيندن بۇ آجى
و سارسيدجى خبرى منه وئرمگه مأمور
انديلميشدى. از مجبور ايدى بۇ خبرى منه وئرمگه،
چونكى از و دوستلارى بيليرديلر كى، من دوكتور
احمدين ان ياخين دوستو و ان چؤخ سئودىگى
قوهومو و قارداشى يام. بۇ خبر منى سارسيتدى،

عصبلريمى آلت— اوست ائئدى و بۆتون وؤجودومو ماتمه بؤرودو. آخى احمد منيم خالا اؤغلوم، سؤد
قارداشىم و عؤمور بؤيو دوستوم و يولداشىم اولموشدور. اؤنونلا اؤشاقليغيميز بيرگه كئچدى، برابر مکتبه

گنتدیك. سونرا من عایله‌مله تهرانا كۆچدوك، آما یننه یای تعطیللرینده تبریزه گشدر و احمدله برابر اولاردیق. بیزیم اوشاقلیق تربیه‌میز چوخ سرت (خشن) ایدی. اویونلاریمیز دا سرت ایدی. بیز بعضاً داش داعواسی ائدردیك. من و کیچیک قارداشیم فیروز (ایرانین قدیم تۆرکیه‌ده‌کی باش کونسولو) مئیداندا بئر قالانی، احمد ده کیچیک قارداشی قولی ایله قارشیداکی قالانی توتاردیق. فیروز و قولی بیزه داش تۇپلار، بیز ده او داشلاری بئر-بیریمیزه آتا-آتا قارشیداکی قالانی آماغا یۆگوردیک. هر کس قارشیداکی قالانی آلسایدی، غالیب ساییلاردی!

لیسه تحصیلی زامانی او، تبریزده من ده تهراندا عسگری مکتبه گنتدیك. ۱۳۲۰-ده ایران مؤتقیقلر طرفیندن ایشغال اولونمه‌وقدان سونرا تبریزین عسگری لیسسه‌سی باغلانندی و احمد آقا دا تهرانا گلیب تهرانین عسگری لیسسه‌سینه گirdی... ۱۳۲۲-ده ایکیمیز ده تۆرکیه‌ده عالی تحصیل‌آماق اۆزره استانبولا گنتدیك و بش ایل اوزادا برابر یاشادیق. سونرا من ایختیصاصیمی تاماملماق اۆزره پاريسه گنتدیم. او دا طیب فاکولته‌سینی بیتیردیكدن سونرا نورولوزیده آسیستان اولدو. اۆچ ایلدن سونرا من تهرانا قاییدارکن استانبولدا اۆچ آی قالدیم و یننه برابر اولدوق. سونرا من تهرانا گلدیم، او دا آمریکا‌یا گنتدی و اوزادا نورولوزیده ایختیصاصینی تاماملادی و ائولندی و آمریکا‌دا قالماغا قرار وئردی. دشمه‌لی اؤنون عؤمرونون بؤیوک حیصه‌سی آمریکا‌دا کئچدیگی حالدا نه وطنینی، نه ده وطنداشلارینی اؤنوتمادی. او غۆرتده کئچیردیگی یاریم عصر مۆدته منی ده اؤنوتمادی، نئجه کی من ده اؤنو هئچ واخت یادیمدان چیخارمادیم. بیز هر ایل و یا ایکی ایلده بئر تهراندا، آمریکا‌دا، پاريسه‌ده و سون زامانلار باکیدا گۆروشردیك و ان آزی ۲۰ گۆن برابر اولاردیق. او هر ایکی هفته‌ده بئر دفعه منه تلفن ائدردی. بعضاً من اؤنو یوخومدا گۆرر و سۆروشاردیم: احمد آقا، بس بیز نه زامان برابر اولاجاغیتی و آغلاشاردیق! سون ایکی ایلده خسته‌لندیگی اۆچون یاخشی دانیشا بیلمیردی. اؤنا گۆره من اؤنا تلفون ائدر و خانیمی واسیطه‌سیله دانیشار و خبرلشردیک. او ایکی ایلدن بری علاجسیز بئر سینیر خسته‌لیگینه (شارکو خسته‌لیگی) توتولموشدو. بؤ مۆدته اؤنون آمریکالی خانیمی اؤنا مهربان بئر آنا کیمی باخیردی و پروانه کیمی شمعی‌نین اطرافیندا دولانیردی! الله اؤندان راضی اولسون.

دۆکتور احمد فروغ چوخ یاخشی بئر اینساندی. اؤنو تانیانلار و دوستلاری اؤنو چوخ سئوردیلر. او ایکی دفعه ائولندی. هر ایکی خانیمی دا آمریکالی ایدی. بیرینچی خانیمی آدری اؤلندن سونرا یننه کریست آدیندا بئر آمریکالی ایله ائولندی. هر ایکی خانیمی اؤنو پرستیش ائدرجه‌سینه سئوردیلر، بؤ دا اؤنون نه قدر یاخشی بئر اینسان و مۆلاییم اخلاقلی اولدوغونو گۆستریردی.

دۆکتور احمد عثینی زاماندا چوخ بیلکلی و ویجدانلی بئر حکیمدی. او جسدی اولدوغو قدر ده گۆلر اۆزلو و خوش رفتارلی ایدی. اؤنون نورولوزی باره‌ده مقاله‌لری آمریکانین طیب درگیلرینده و ایران

و آذربایجانا عایید مقاله‌لری وارلیقدا نشر ائدیلمیشدیر. او همیشه ائلی نین و یوردونون عشقیله یاشاییر و آراشدیرمالاریندا ایران تاریخینه خصوصاً آذربایجان تاریخینه اؤستونلوک وئیردی.

سؤن آیلاردا اونا قورخو ایله تلفون ائدیردیم. بیر هفته بوندان اول سوند سفریمدن قاییداندان سؤنرا اونا تلفون ائتدیم. خانیمی حالی نین گرگین اولدوغونو سؤیله‌دی و احمد آقا ایله دانیشماغیمی ایسته‌دی، چونکی دؤکتور فروغ دانیشا بیلمه‌سه ده، هله ده ائشیده بیلیردی. من اونونلا اؤز دیلیمیزده دانیشدیم و یایدا اونون یانینا گئده‌جگیمی سؤیله‌دیم و اونونلا ساغ اوللاشدیم. ایکی گؤن بوندان اول اورتاق دوستوموز امیر اصلانی اونون اولوم خبرینی منه وئردی. سؤنرا باشینیز ساغ اولسون دئدی. بؤ آجی خبر گؤزلیمز اولمادیغی حالدا منی سارسیتدی و حالی می پؤزدو، ائله کی او گؤن کریستله دانیشا بیلمه‌دیم. اثرته‌سی گؤن خانیمینا تلفون ائتدیم و اونا باش ساغلیغی وئردیم، او دا منه باش ساغلیغی وئردی و دئدی کی، سیز اونونلا دانیشاندان سؤنرا همان گئجه وفات ائتدی، سانکی سیزین سسینیزی ائشیتمگی و سیزینله حلاللاشماغی گؤزله‌ییردی!

او گؤندن بری اونون خاطیره‌لرله یاشاییرام و اوندان یئنی آیریلیمیش کیمی هر یثره اؤنو آراییرام و ایچیمده اؤنو سسله‌ییرم. من احمدیمی هئچ واخت اؤنوتما‌دیم. ۵۰ ایل آیریلیق بیزی بیر- بیریمیزه اؤنوتدورا بیلمه‌دی، بوندان سؤنرا دا نه قدر یاشارسام، اؤنو اؤنوتما یا جاغام!

آخی او بوندان ۵۴ ایل اؤنجه رسمی نی منه وئردیگی زامان اونون آرخاسیندا اؤزو قوشدوغو شعر ایله بئله یازمیشدی:

اؤنوتما، گرچی اؤنوتماق بشرده عادتدیر،

بشردن اؤستون اولان وارسا، دؤکتور هیئت‌دیر.

من ده اونون ماتمینده مجنونون دیلبله بئله دئمک ایسته‌ییرم:

عالم خوش ایدی چؤ وار ایدی یار،

چؤن یار بؤخ، اولماسین نه‌ییم وار.

بؤ یازیمین سؤنوندا اولو تانیردان او عزیزیمه رحمت و عاییله‌سینه و اؤزومه صبر دیله‌ییرم. من اونون آمریکالی حیات یولداشی نین او معصوم محبت و عاطیفه‌سی قارشیسیندا باش اییرم و ابدی میندارلیغیمی بیلیرمکله آله تعالی دان اونا و اونلارین اوشاقلارینا (ثریا، سوزان و شیرین) و باجیسینا خوشبختلیک آرزو ائدیرم.

هنگامی که کتاب «فرهنگ ترکی نوین»، تأملاتی در ریشه‌شناسی» را می‌نوشتیم، از لفظ ترکی «کم» فقط سه تصور در ذهن داشتیم که در کتاب اشاره شده است و از مشتقات این کلمه در ترکی و فارسی حضور ذهن چندانی نداشتیم. لذا تحلیل آن بسیار ناقص و کوتاه مانده است. بعدها به اهمیت این بن در زبان ترکی و فارسی پی بردم که به تفصیل آتی اشاره خواهم کرد.

لفظ «کم» را در ترکی باید بن (اک) تلقی نمود که در مفهوم آن معانی «عیب و نقصان» و یا «گرایش از صحت به سقم، از سلامت به نقص و خرابی و ...» نهایتاً «گرایش از درستی به نقص و انحراف» مستتر و مقصود است که نمود عینی آن همان انحناء (میل از استقامت به کجی) و خم شدن است. کمی و قلت نیز در واقع گرایش از صحت (کثرت) به نقصان است که در فارسی همان معنا پدیدار شده است. مشتقات ذیل از این بن در فارسی و ترکی به چشم می‌خورد:

زیر ذره‌بین ریشه شناسی

اسماعیل هادی

۱ - ترکی

کم: غربالی با سوراخ‌های درشت، غربال بزرگ (به اعتبار محیط دایره‌وار/ خمیده آن)

کم چنه: کسی که چانه کوتاه باشد و آرواره پایینی او بیش از حد به سمت درون دهان متمایل باشد و در نتیجه دندان‌های فوقانی بیش از حد به سمت جلو برآمده باشد.

۲ - ترکی اویغوری

این مثال‌ها نیز از کتاب «یثنی اویغور تۆزکجه‌سی سۆزلوگو» (قاموس ترکی نوین اویغوری) نوشته امیر نجیبویچ نجیب (آنکارا ۱۹۹۵ T.D.K. گردآوری شده اند که شایان دقت‌اند.

کملک: کمان، زه

کمسیتمک: تحقیر کردن، کوچک شمردن

کمسوک: تا شده، خمیده

کمشیمک: تا کردن، خم کردن

کمچیل: اندک و ناقص

کمتوک: عیب و نقص و تقصیر

کم بیگل: فقیر و ندار

۳ - تعبیرات ترکی امروز

کم گوژ: بد نظر، کم عقل، بی‌خرد

کم باخماق: به دیده تحقیر نگریستن

گم: (کم ← گم) لگام اسب، ایضاً پوزه‌بند. معمولاً طناب لگام را به صورت حلقه در آورده و به دهان اسب حلقه می‌زنند تا اسب را مهار کنند (به اعتبار حلقه‌وار/خمیده بودن آن)، **گمله‌مک:** اسب را با طناب لگام بستن، مهار کردن، ممانعت کردن

گمیرمک: (ترکی قدیم **کمۆرمک**) استخوان و غیره را خاییدن (که در نتیجه آن شی مورد نظر از حالت صحت و سلامت به تجزیه و تخریب می‌رسد/از اصل کم می‌گردد) و از همان در ترکیه **کمیک:** (اسم مفعول، در مفهوم چیز خاییده شده ← استخوان، **گمیرچک/گمیردک:** غضروف

گمیشمک: جست و خیز کردن و بازی پرندگان که با نوک زدن و گاز گرفتن همدیگر همراه است (ترکی قدیم **کمیشمک:** به دور انداختن... که همان مفهوم کاهش و نقصان را افاده می‌نماید).

گمی: (ترکی قدیم **گمی/گمه**) کشتی (به لحاظ ساختار منحنی شکل آن)

کملنمک: (ترکی قدیم) بیمار شدن (به ویژه بیماری اسب) آت **کملندی:** اسب بیمار شد (دیوان لغات‌الترک)، در اینجا نیز گرایش از صحت به خرابی است.

كِمّ (الكِمّ): غلاف گل و یا خوشه خرما.
الكُمَّه سرپوش گرد (در این معنا مقایسه
 شود با کلمه ترکی **کوممک/گوممک**:
 زیر گرفتن، دفن کردن که با «گم» فارسی
 نیز مرتبط است)، **الکمام**: پوزه‌بند حیوان
 (معادل گم ترکی)

گَمَخ/گَمَج/گَمَخ: حیوان را پوزه‌بند زد
 (معادل **گمله‌مک** در ترکی که همگی از
 بن: کم/کب مشتق شده‌اند).

غَمّ: ریشه این کلمه نیز حاوی معانی
 مشابه است: پوشاندن، مثل پوشاندن ماه
 به واسطه ابر. **الغَمّه** پوشش، سرپوش،
غَمام: ابر، **الغمامه** (با کسر غین): پوزه‌بند
 (کمام = غَمام). آنگاه می‌رسیم به معنای
 مجازی کلمه، یا همان که «المنجد» آن را
 «معنای دوم کلمه» می‌داند: **الغَمّ** (جمع آن
غَموم) غم و اندوه، **الغَمّه** محنت و
 مصیبت (که چون ابر تیره زندگی را سیاه
 می‌کند ...)

در همه این کلمات و معانی آن مفهوم
 بن(کم/گم...) را، به توضیحی که در اول
 بحث گفتیم، توان دید.

۴ - کلمات مشترک ترکی و

فارسی

کمر: اعم از کمر آدمی و یا در تعبیر
 مجازی کمر کوه و ... (به اعتبار شکل
 خمیده آن)

کمان / کامان: (و مشتقات آن
کمانچه/کامانچا، کماندار ...) به اعتبار
 شکل خمیده و منحنی آن

کمند: از لحاظ زبان‌شناسی من/مند پسوند
 واحدی هستند و **کمان/کمند** هر دو وجه
 اشتقاق واحدی دارند (ایضاً به اعتبار فرم
 حلقه‌وار آن).

۵ - فارسی

کم: اندک، ناقص

خم: دارای انحناء، خمیده. این لفظ در
 واقع با تبدیل ک ← خ (که مخصوصاً در
 ترکی بسیار رایج است) ساخته شده است.

۶ - انگلیسی

Cam میله یا چوبی که حرکت دورانی را
 به حرکت افقی یا عمودی تبدیل می‌کند،
cam shaft: میل لنگ

۷ - عربی

غم: شاید کلمه عربی غم (اندوه) با این بن
 بی‌ارتباط نباشد.

Azərbaycan Türkcəsində Dəyişkən Deyimsəllik Məsələsi

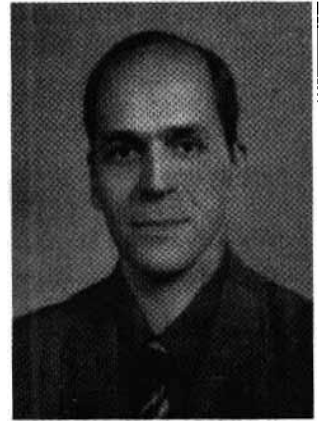
Malmoe Universitəsində Keçirilən
Azərbaycan Dili və Höviyyəti Simpozyumuna
Sunulmuş Mə'ruzə
Malmoe, 15 April 2003

Deyimlər məcazi mə'na daşıyan, sabitləşmiş
söz ya söz birləşmələrindən ibarətdir:

Qursaqsız.

Sudan quru çıxmaq.

Qazanın dibinə daş atmaq.



E. Rafrat

"Sabitləşmiş söz ya söz birləşmələri" ifadəsindən belə anlaşılır ki, deyimlərin mə'nası onların tərkib hissələrinin leksik mə'nasından elə çox asılı deyil. Ancaq bir az sonra görəcəyimiz kimi, deyimlərin ifadə etdiyi mə'na ilə onların tərkib hissələrinin mə'nası arasında dəyişkən dərəcələrdə bağlantı ola bilər, buradan isə dəyişkən deyimsəllik (variable idiomaticity) anlamı ortaya çıxır.

Deyimlərin başqa bir xüsusiyyəti də ondan ibarətdir ki, onlar vahid bir məcazi mə'na ifadə edərlər, və bu baxımdan onların tərkib

hissələrinin arasında olan nəhvi əlaqə cümlə daxilində müəyyən dərəcədə gözəgörünməzdir. Ona görə, deyimlər qramatik dəyişikliklərə uğramadan cümlə daxilində tikinti materyalı şəklində işlənirlər və onlara müəyyən təsrifi dəyişikliklər vermək asanlıqla mümkün olmur. Məsələn can yandırmaq deyimini canı yandırmaq ya canları yandırmaq şəklinə salmaq mümkün deyildir.

Türk dilləri və özəlliklə Azərbaycan Türkcəsi deyimlər baxımından zəngin dillər sırasına daxildir, bələ ki, hər bir deyimin bə'zi vaxtlar çeşitli variantları olur. Misal üçün Farsca yekke xord deyiminin qarşılığı bu biçimlərdə ola bilər:

**Uyuq qaldı, mat qaldı, qutundan qurudu, tüstüsü təpəsindən çıxdı,
gözləri bərələ qaldı, gözləri böyüdü, damarları pilləndi, ürəyi
qopdu, qan beyninə yügürdü, v.s.**

Deyimlər hansı vəzifəyə ximət göstərir?

Urəyi qopdu misalında nə "ürək" həqiqi ürəkdir, nə də "qopmaq" sözü həqiqətən "qopmaq" anlamındadır. Bu deyimin ifadə etdiyi mə'narı adi cümlələr vasitəsi ilə ifadə etmək üçün sözügedən şəxsin psixoloji durumu və onun görkəmində baş verən dəyişiklər haqqında uzun-uzadı danışmaq lazımdır. Beləliklə demək olar ki, **deyim qramatik yoldan daha qısa olan kəsə bir yoldur.**

Deyimlərin Quruluşca Növləri:

Deyimlər bir kəlmədən də ibarət olduğu halda, söz birləşmələri və ya cümlə biçimində də təzahür edirlər.

Aşağıdakı misallar bir kəlmədən oluşan deyimləri təmsil etməkdədir:

Mənimki səninlə tutmaz, gilə.

Yaşar qursaqsız adamdır.

Yaşar uca səsle danışırđı.
Yaşarın cavabı çox iti idi.

Söz birləşməsi ya cümlə şəklində olan deyimlərə misal olaraq aşağıdakı örnəkləri gözdən keçirmək olar:

Qara xəbər, ağ gün, dərin hekmət.
Bərk adam, dəmir iradə, boz sifət.
İtin quduran yeri.
Bel bağlamaq, könül vermək, kəlmə kəsmək.
Dildən düşmək, göz goymaq, bara qoymaq.
Can qoymaq, üz döndərmək, haray qoparmaq.
Ayağı yer tutdu, qaş-qabağı yer süpürür.
Qılıcının dalı da kəsir, qabağı da.
Qazanın dibinə daş atdıq.
Sudan quru çıxmaq, dərisinə saman təpmək, dadı damağında qaldı.
Şerti şoxumda kəsmək.
Əli ətəyindən uzun qayıtmaq.
Yeddi dəyirmanda bir ovuc unum yoxdur.

Deyimlər və Atalar Sözü

Atalar sözü (Farsca *əmsal və hekəm*, İngiliscə *saying, proverb*) müəyyən bir hekməti ifadə edən cümlə ya cümləyə bənzər ibarətlərə deyilir:

At at olunca, yiyəsi mat olar.

Deyimlərdə isə hər hansı hekməti anlatmaq xüsusiyyəti yoxdur və bunlar sadəcə leksik materyal kimi söz ifadəsinə yardımçı ola bilirlər. Ancaq bə'zi misallarda bir ifadənin kəskinliklə deyimmi, yoxsa atalar

sözü olduğunu kəskinliklə ayırd etmək mümkün olmur:

Yorğanına görə ayağını uzat.

Yerimədən yügürür.

Sıçan olmamış dağarcıq dibi dəlidir.

Yağmadan guruldama.

Başqa misallar:

Yaş da qurunun oduna yandı.

Toyuq, dimdiyinə görə qıqqılda.

Hər hekmətə baş uzatma.

Beləliklə bu hökmü çıxarmaq olar ki, deyimlər və atalar sözü arasında bir ortaq bölgə mövcuddur. Necə ki, deyimlər və adi ibarətlər arasında da kəskin sınır yoxdur, belə ki, **deyimlər müxtəlif dərəcədə deyim sayılırlar**. Başqa sözlə, deyimlər çox zəyif miqyasda məcazi mə'na ifadə etdiyi zaman, adi ibarətlərə yaxınlaşır, və güclü şəkildə məcazi mə'na ifadə etdiyi zaman deyim məquləsinə yaxınlaşır. Misallara fikir verək:

Leksik mə'naya yaxın deyimlər:

Könül vərmək.

Kəlmə kəsmək.

Can qoymaq.

Birinə qulaq burması vermək.

Leksik mə'nadan uzaq deyimlər:

Söz dəyirmanını üyütmək.

Əli ətəyindən uzun qayıtmaq.

Keçəni həvəngə salmaq.

Sudan quru çıxmaq.

Atalar sözü deyimlərə yanaşanda, məhdud şəkildə qramatik dəyişiklikləri qəbul edə bilir və deyimlər isə adi ifadələrə yanaşanda daha geniş miqyasda qramatik dəyişiklikləri qəbul edə bilirlər:

Hər hekmətə baş uzatma.

Adam hər hekmətə baş uzatmaz.

O hər hekmətə baş uzadır.

Atalar sözünün anladığı hekmət həm həqiqi, həm də məcazi mə'nada ola bilir. Başqa sözlə atalar sözünün quruluşunda dəyişkən dərəcədə deyimlərdən istifadə ola bilir:

Aralıq sözü ev yıxar.

İki baş bir qazanda qaynamaz.

Deyimlər və Höviyyət:

Azərbaycan dili deyimlər baxımından ən zəngin dillər sırasında yer almaqdadır, və deyimlər Azərbaycan höviyyətinin danılmaz hissəsi kimi tanınmaqdadır. İstər klassik ədəbiyyat, istərsə də çağdaş nitq mədəniyyətimiz bu deyimlərlə doludur və həmin məsələ, hətta Türk dilləri ailəsinin məhdudəsində də bizim höviyyətimizi əks etməkdə və başqa Türk xalqlarından fərqləndirməkdədir. Misal üçün öz evinin ağası olmaq bir Azərbaycan deyimi tanınır, ancaq həmin ifadə kəndi evinin əfəndisi olmaq şəklində ortaya çıxsə, kəskinliklə dəmək olar ki, danışıq hansısa Türkiyə atmosfəində cərəyan edir.

Deyimlərin tarixi gəlişməsini araşdırmamızdan belə bir qənaətə gəlirik ki, deyimlər əski Türkcədə çox zəyif miqyasda görünür, ancaq dilimiz zaman axınında deyimlər baxımından zənginləşmiş və bugünkü dolğun vəziyyətə ulaşmışdır. Fizulinin əsərlərində bə'zi deyimlərə fikir verək:

*Könlüm açılır zülfi- pərişanını görcək,
Nıtqım tutulur qonçəyi- xəndanını görcək.
Baxdıqca sənə qan saçılır didələrimdən,
Bağrım dəlinir navəki- müjqanını görcək.*

Fizuli habələ Hadiqətüssüeda-da bu kimi deyimlər işlədir:

*Nalə çəkdi, ayaqdan düşdüğü zamanda, ol məzlumi ayaqdan bıraqdı,
ərsəyi- məydanə yüz tutdı, seylabi- siyasət yürütdi, Həzrəti- Fatimə
kəndusinə gəldikdə...*

Qövsü- Təbrizi-nin də qəzəlləri Azərbaycan deyimlərindən dolğundur:

*Dillər tökərəm bülbül ü pərvanəyə Qövsü,
Ta bir gün ola, halımı cananə desinlər.*

*Kimsənin dəyməmişəm könlünə hərgiz ya rəb,
Niyə hər kim ki, yetər könlümü viran eylər?*

*Ney kimi kirdarımız bəndindədir göftanımız,
Qulluğa bel Dağlamaqdır qövlümüz, iqramımız.*

*Səbə bir söz başı bitablərdən açdı, əmma mən,
İki yüz dil töküüb bir sünbüli- pürtabə yalvardım.*

*Öz babını hər kimsə hər yerdə tapar Qövsü,
Mən hər yana kim getdim, divanəyə tuş gəldim.*

*Yar olub dövlət, əgər düşsəydi bir gün fürsətim,
Saxlanınca, canımı təslimi- yar etməzmidim?*

*Sənə nəzarə girandır, boyun bəlasın alım,
Məgər bu şivə yamandır, boyun bəlasın alım.*

Ancaq dilin bu zəngin sahəsi ciddi təhlükə qarşısındadır, belə ki, Fars dilinin söz tərkibləri və deyimləri getdikcə artan dərəcədə bunları əvəz etməkdədir. Bunun tək səbəbi isə ana dilində təhsil ocaqlarının mövcud olmaması və yayın vasitələrinin təməmilə Fars dilində aparılmasından ibarətdir. Bə'zi misallara fikir vərək:

Yekkə yedim! (uyuq qaldım, qutumdan qurudum, mat qaldım, gözlərim bərələ qaldı, cin təpəmə döydü, qan beynimə yügürdü).

Bərnəmə be həm yedi! (bərnəmə pozuldu).

Yaşarın sözü mənə bər yedi (yaşarın sözü mənə toxundu, qəlbimə dəydi).

Yaşar xali bağlayır! (Yaşar gop uçurdur, qas basır).

Hol oldum! (əl-ayağımı itirdim, kırığ düşdüm).

Soyuq dəymişəm! (mənə soyuq dəyib, soyuqlamışam, mənə soyuq ilişdirib).

Yaşar mənə zowquma vurdu! (neşəmi pozdu, isti aşımə soyuq su qatdı).

Yaşar sərvət bə həm vurub! (sərvət baş bağlayıb, sərvət toplayıb, altını doldurub, özünü bərkidib, yükünü tutub).

Diqqətinizə görə təşəkkür edirəm.

TÜRKÇƏNİN ETİMOLOJİ SÖZLÜKLƏRİ

M. Riza HEYƏT

Etimoloji, bir kəlmənin ya da kəlmə ünsürünün kökəni (məşəyini) araşdırən, onun nə zaman dilə girdiyini və nə kimi dəyişikliklər keçirdiyini incələyən bilim dalıdır. Etimoloji sözlük isə dildəki bütün sözlərin kökənlərini açıqlar. Başqa bir deyişlə, yaxşı bir etimoloji sözlük, sözlərin quruluşunu (kök və əklərini) çözümləmək-ayırmaq, onların yazılı bəlgələrdə görüdükləri ən əski zamanı və ən əski şəkillərini səpt etmək zorundadır. Ayrıca, dildəki sözlərin eyni dil ailəsinə bağlı olan bütün qohum dillərdəki dənkdəşlərini də verməli və qarşılaşdırma yolu ilə onların ana dildəki ilk şəkillərini yenidən qurmalıdır. Yaxşı bir etimoloji sözlük eyni zamanda başqa dillərdən girmiş alınma sözləri açıqlarkən də bu sözlərin alındıqları dilləri, onların alınma zamanı və şəkillərini, başqa bir deyişlə, dilə girdikləri zamanla (il ya da yüzil olaraq) giriş yollarını (ticarət, siyasi etkilər, din, ədəbiyyat vb.) bəliitməlidir (T. Tekin, 1975-76: 274).

Daha 11. Yüzdə Kaşqarlı Mahmud tərəfindən yazılmış olan və Türkçənin ansiklopedik sözlüyü mahiyətini daşıyan *Divni-Luğat-it Türk'ün* yazıldığı tarixdən günümüzədək, Türkçənin mükəmməl bir etimoloji sözlüyünün hələ də yazılmamış olması, yazılan sözlüklərin isə ideal bir etimoloji sözlüyün meyarlarına uymaması olduqca üzücü bir hadisədir. Prof. G. Doerfer'ə görə, belə bir etimoloji sözlüyün hazırlanması ancaq qalabalıq bir araşdırmaçı ekibi tərəfindən və də çox uzun bir zaman içində

mümkün ola bilər. Bir tək âlimin belə bir şeyi yapması təqribən imkansızdır (G. Doerfer, 1984: 367).

Türkcənin ilk etimoloji sözlüyü 1878'də Macar Tükoloqu Hermann Vambéry tərəfindən yazılmışdır. *Türk-Tatar Dillərinin Etimoloji Sözlüyü (A török-tatar nyelvek etymologiai szótára: NyK 13:249-483)*'nin yazıldığı dövəndə Tükoloji çox gəlişməmişdi, elə ki hətta əski Türk yazıtları daha tapılmamış, Kaşqarlı Mahmud'un *Divani-Luğat-it Türk* əsəri də ələ keçməmişdi. Türkcənin tarixi gəlişimi açıısından son dərəcə önəmli olan Xələccə və Sarı Uyğurca kimi Türk ləhcələri haqqında çox az bilgi vardı. Bugün Vambéry'nin sözlüyünün artıq tarixi dəyəri vardır.

Türk ləhcələri üzərinə yazılmış ikinci sözlük Bedros Keresteciyan'ın *Materiaux pour un dictionnaire etymologique de la langue turque* adlı əsəridir. Bu əsərdə daha çox Türkcədəki yabançı kəlmələr özəlliklə də Yunanca və Ermənicə ünsürlər ələ alınmış və bə'zi Türkcə kəlmələrin Yunanca ya da Ermənicə kökənli olduğu isbatlanmağa çalışılmışdır (M. Ölmez, 1998: 176). Bu çalışma M. Fuat Köprülü'nün 1925'də Türkiyat Məcmuəsi'nin 1-ci cildində belə dəyərləndirilmişdir:

"... Lâkin nə kadar təəssüfə şayandır ki, uzun sənələr sarf ettirən bu məsai, ilim için əhəmiyətətsiz nəticələr vermiş, usul dairəsində yapılmayan tətqiqatın-hatta asırlarca dəvam etsə-ilmnin tərakkisinə hizmet edəməyəcəğini bir dəfa daha meydana koymuştur." (H. Eren, 1999: XI).

Türk dilinin etimolojisi üzərinə indiyə qədər yazılmış olan ən önəmli sözlüklərdən biri, Martti Räsänen'in *Versuch eines etymologischən Wörterbuchs der Türksprachen (Türk Dillərinin Etimoloji Sözlüyü Üzərinə Bir Sınama)* adlı çalışmasıdır. Räsänen bu əsərində varsa hər kəlmənin ən əski biçimi (əski Türkcə, orta Türkcə vs.) ya da günümüzdəki biçimi (Azərbaycan Türkcəsi, Kumukca vs.) maddəbaşı yapılmış, kəlmənin yaşadığı dillər, fərqli anlamları varsa bunlarla birlikdə tək-tək göstərilmişdir (M. Ölmez, 1998: 177). Räsänen'in bu sözlüyü G. Doerfer tərəfindən də dəyərləndirilmişdir. G. Doerfer, sözlüyün hazırlanmasına düzəltmələriylə qatqıda bulunduğuna baxmayaraq, ayrıca üzərində durulmaya dəyər bə'zi müşahidə və təkliflərlə dolu dəyərləndirməsində "*Türkcənin İdeal Bir Etimoloji Sözlüyünün Necə Olması Gərəkdii Haqqında Düşüncələr*"ini də açıqlamışdır. Doerfer, Türkcənin ideal bir etimoloji sözlüyünün yazılmasında gərəkən xususları açıqlarkən, Ana Türkcə şəklin

rekonstruksiyon¹unun yapılması üçün iki metod təklif etmişdir. İlk metoda görə, maddəbaşı olaraq ana şəkil seçiləcək və muhtəlif dillərdəki tək-tək şəkillər alfabetik sırayla bu maddəbaşı içində sıralanacaqdır. Fəqət bu durumda oxucunun axtardığı kəlməni tapması, məsələn *yedi* "7" kəlməsini Ana Türkcə *dētē* şəkli altında tapması son dərəcə zor olardı. Daha praktik olduğunu düşünən ikinci metodda Türkcə tək-tək şəkillər kronoloji sırayla verilir və sonunda da rekonstruksiyonu qurulmuş Ana Türkcə şəkli əlavə edilir. Doerfer^ə görə, Bir tərəfdən bir Ana Türkcə maddəbaşına görə bir sıralama, digər tərəfdən də Türkcə *yedi*, Çuvaşca *siççē* vb. kimi şəkillərin tək-tək alfabetik yerlərində yer almaları və bunların hamısında Ana Türkcə *dētē*yə göndərmə yapılması ideal bir şey olardı ki, bu da sözlüyün çox həcmli olmasına səbəb olar. G. Doerfer, Ana Türkcənin rekonstruksiyonunda Çuvaşca və Xələccə'nin son dərəcə önəmli olduğunu söyləməkdədir. Ona görə, Lambdaizm-Rotasizm (l'ləşmə-r'ləşmə) problemi çözülməz bir problemdir. Fəqət yapılması gərəkən şey sadəcə fonemlərin rekonstruksiyonudur. Çuvaşca'nın Ana Türkcədəki *-m: -n: -mA'*nin rekonstruksiyonu üçün son dərəcə önəmli olduğunu söyləyən Doerfer, bu ünsürlərdən *-m:*'nin Gənəl Türkcədə *-n*, Çuvaşca ilə Macar və Moğol dillərindəki əski tarixli alınma kəlmələrdə *-m*, ikincisinin hər yerdə *-n*, sonuncusunun da Ortaq Türkcə və Çuvaşcada *-m*, Moğolcada isə *-mA* olduğunu söyləyir. Ayrıca Ana Türkcənin rekonstruksiyonu üçün *-iâ-* kimi diftonqların da önəmli olduğu və **ə* və **ē* səsləri üçün Çuvaşca'ya ehtiyac duyulduğu söylənməkdədir. Ana Türkcə **-ē*, *-ē* səslərinin rekonstruksiyonunda, Ana Türkcə *h-<p'*nin qorunmuş olmasında, bizi bə'zi yanlışlıqlardan qorumasında (Räsänen'in *eki* "2" kəlməsiylə Korecə *pegim* "ən yaxındakı, sıradakı, ikinci" kəlməsini eyni kökdən izah etməsi kimi. Fəqət Xələccə *ükki*) və Ana Türkcədəki necəliyin (Quantitat) qorunmuş olmasında (məsələn qısa və normal *a*; bəsit uzun *ā*; dəyişkən uzun *â*) Xələccə'nin önəmi vurğulanmışdır. Ana Türkcə şəkillərin ortaya qoyulmasında Türkcə, Çuvaşca və Xələccə ilə yanaşı Moğolca, Tunquzca, Türkmən Türkcəsi və Yakutca'nın çox önəmli olduğunu söyləyən Doerfer, tarixi çalışmanı asanlaşdırmaq üçün qaynaqların kronoloji olaraq zikr edilməsini uyğun görür. Ona görə, Əski Türkcə şəkilləri

günümüzə gətirən Rus kroniklərinin və səyyahların verdiyi dil örnəkləri də ehmal edilməməlidir. Ayrıca Ərəb əlifbası dışındakı əlifbalarla yazılmış mətinlərə daha çox muraciət edilməli, Türkcədəki alınma kələmələrin hamısının haradan gəldikləri və haralara getdikləri göstərilməlidir. Kələmənin keçdiyi ən əski qaynaqların zikr edilməsi, kələmələrin mənalandırılmasında kəskinliyin şərt olması, Türkcə sözlüklərin hamısının zikr edilməsi, əklər dizininin (fehrestinin) verilməsi, kələmə sınıfları ayırd edilərək ən azından fə'l köklərinin bir "-" işarətiylə bəlihtilməsi, tərcümələrin bir dildə dəyil, Alman, İngiliz, Fransız, Rus və Türk dillərində olması və bütün Türk dilləri üçün ortağ bir transkripsiyon işlədilməsi ideal Türkcə etimoloji sözlük üçün Doerfer'in təklif etdiyi maddələr içində yer alır. (G. Doerfer, 1984: 365-374).

Gerard Clauson'un 10.000 maddədən ibarət *An Etymological Dictionary of Pre-Thirteenth-Century Turkish* (13. yüzil Öncəsi Türk Dilinin Etimoloji Sözlüyü) əsəri bu xususta yazılmış olan digər qiymətli əsərlərdən biridir. Sözlükdə öncə səslilərə, sonra da səssizlərə yer verilmiş, kələmələr də həca düzəniylə sıralanmışdır. Hər kələmə qarşılaşdığı ən əski kitabəyə, mətnə görə maddəbaşı yapılmış, onların gərçək və bə'zən də məcazi anlamları verilmiş, çağdaş Türk ləhçələrinin hankısında yaşamaqda olduğu bəlihtilmişdir. T. Tekin (1975-76: 275) sözlüyün başlıca qusurlarını belə açıqlayır:

1) Sözlük alfabetik deyildir. 2) Sözlükdə bir kökdən çıxmış törəmə gövdələr, gərçək etimoloji sözlüklərindən fərqli olaraq ayrı maddələr halında verilmişdir (Məsələn, ekki "2" maddəsində toplanmış olması gərəkən ekinç "ikinci", ekinti ey.¹, ekkiz "ikiz" və ikirçqü "ikircim, şübhə" kimi sözlər ayrı-ayrı yerlərdə bulunmaqda və açıqlanmaqdadır). 3) Ehtiva etdiyi sözlərin daha əski şəkillərini verməkdə yetərsizdir (məsələn öl "nəmli, rutubətli" kələməsi açıqlanırkən daha əski şəkilləri olan Az. höl ilə Trkm. hō:l / ö:l (<Alt. *pö:l) şəkillərinin anılması gərəkirdi). 4) Kökəni tartışmalı bə'zi sözlər üçün kəskin etimoloji hökmlər verilmişdir. 5) Bir çox yerdə yenidən qurma yanlışı vardır. Məsələn, art "ard" (s.200) sözü ârt, art- "yükləmək" fe'li (s. 201) ârt-, ēv ismi (s.3) eb, āv sözü (s. 3) āb, öpkē ismi (s. 9) öbkə, uçā sözü (s. 20) ūça, açı- fe'li (s. 21) āçı-, oçok / oçak ismi (s. 22) oçuk / oçak, ūd- "uymak, izləmək" fe'li (s. 38) ud-, udī- "uyumaq" fe'li

1 - ey. = eyni mənada

(s. 42) *üdi-*, *al* "ön" ismi (s. 121) *āl*, *bakā* "qurbağa" sözü (s. 311) *bāka*, *bukā* sözü (312) *būka* olarak düzəldilməlidir.

Əski Türkcə və Qaraxanlı Türkcəsinin söz dağarcıqlarını içərməkdə olan bu sözlük günümüzdə qədər Türk dilinin etimolojisi üzərinə yazılmış ən dəyərli əsərlərdən biridir.

1974'də *Etimologičesskiy slovar' tyurkskix yazıkov* (Türk Dillərinin Etimoloji Sözlüyü) adlı əsərin səsliləri içinə alan ilk cildi yayımlandı. Sözlüyün qapağında müəllif adı olaraq sadəcə Sevortyan'ın adı keçmişsə də, onun hazırlanmasında SSCB Bilimlər Akademisi Dil Bilimi Ənstitüsünün Türk Dilləri Bölümü üzvlərinin (N. Z: Gadjiev G. İ. Donidze, A. K. Koklyanova, L. İ. Lebedeva, L. S. Levitskaya, L. A. Pokrovskaya, A. A. Yuldaşev, Kışmen F. D. Aşmin) də qatqıları olmuşdur. Sözlüyün günümüzdə qədər beş cildi (I. *Səslilər*, II. *v, g, d*, III. *b*, IV. *c, j, y, V. k, q*) yayınlanmışdır. Son cild 1997'də *Etimologičeskij slovar' Tjurkskix jazıkov. Obşçetjurkskie i meztjurkskie osnovy na bukvu "k", "k"* adı ilə Moskova'da nəşr edilmişdir. Onun digər cidlərinin hazırlanması işi Sevortyan'ın ölümündən (23 Mart 1978) sonra anılan bilim adamları tərəfindən sürdürülməkdədir. Talat Tekin'in bu əsəri tanıtma mahiyətində yayınladığı yazısında (T. Tekin, 1975-76: 274-285) əsərin zəngin bir bibliyografiyaya (14 sayfa) sahib olmasına rəğmən Clauson'un sözlüyü ilə Doerfer'in *khaladj Materials* adlı əsərindən faydalanmamış olması anlaşılır. "Sözlüyün maddələrinin 1-ci və 2-ci Bölmələri, gənəl olaraq yaxşı hazırlanmış və düzənlənmişdir. Sözlərin Türk dil və diyalektlərindəki çeşidli şəkilləri diqqətlə səbt edilmiş və bir araya gətirilmişdir. Əski qaynaqlar da diqqətlə taranmış, sözlərin Ərəb hərflə yazılışları verilmiş və keçdikləri yerlər, səhifə nömrələri də bəlihtilmək sürətiylə göstərilmişdir. Bununla birlikdə bütün sözlər üçün bütün qaynaqların tarandığı və bütün verilərin səbt edildiyi söylənə bilməz.... Bu etimoloji sözlüyün ən zəyif yanı, nə yazıq ki, sözlük maddələrinin 3-cü Bölümü olan "etimoloji açıqlamalar"dır. Bu bölümlərdə müəllif, böyük bir qərarlılıq, hətta çaşqınlıq içindədir. Əsasən, Sevortyan gərçək anlamı ilə etimoloji yapmur, yə'ni sözlərin Ana Türkcədəki ilk şəkillərini tasarlamur (tərh etmir); müəllifin yapdığı, sözlərin Türk dil qruplarındakı çeşidli şəkillərini növbətləşən şəkillər olaraq yan-yanə gətirməkdən ibarətdir."

Sevortyan'ın sözlüyünün hazırlanması 25-30 il zaman almışdır. Sözlük yalnız Türk diyalektlərində işlədilən ortağ kökləri qapsamaqdadır və Rusca yazılmışdır.

1988'də İsmət Zəki Əyuboğlu'nun yazdığı *Türk Dilinin Etimoloji Sözlüğü* bütün qusurlarına və ehtiva etdiyi yanlış bilgilərə rəğmən son illərə qədər bir Türkiyəli tərəfindən yazılmış tək etimoloji sözlük sayılırdı. Bu sözlük Türkoloqlar tərəfindən dəfələrcə tənqidə məruz qalmışdır.

Təqribən 25 ildən bəri Türkcənin etimoloji sözlüyü üzərində çalışan Hasan Eren'in *Türk Dilinin Etimoloji Sözlüğü* adlı çalışması 1999'da yayınlanmışdır. Türkcədə işlədilən əski və yeni sözlərin yer aldığı bu sözlükdə kəlmələrin kökəni və keçmişini üzərinə geniş bilgi verilmiş, yabançı dillərdən keçən kəlmələr, eyni zamanda Türkcədən qonşu dillərə keçən ünsürlər araşdırılmışdır. Çuvaşca və Yakutca'ya özəl bir dəyər verən bu əsərin ən zəif tərəfi çağdaş diyalektlərin sadəcə bir bölümünün dəyərləndirilmiş olmasıdır. Sözlükdə kökəni bilinən sözlər yanında soyu- sopu bilinməyən ünsürlər də yer almaqdadır. Əski və yaşayan diyalektlərdə keçən kəlmələrin yazılışında Türk əlifbası işlədilmişdir. Ancaq Azərbaycan Türkcəsində açıq ə səsi ə hərfiylə ayırd edilmişdir. Çuvaşca və Yakutca verilərdə Latin əlifbasına dayanan bir transkripsiyon işlədilmişdir.

Hasan Eren'in bu sözlüyü Türk dilinin etimolojisinin yeni bir sınımasıdır. G. Doerfer'in "Türk Dilinin İdeal Etimoloji Sözlüyü" tam anlamı ilə gərçəkləşincəyə qədər yayınlanan bütün sözlüklər bir "sınama-dənəmə" mahiyətində olacaqdır. Əsərin müəllifi də kitabın giriş bölümündə bunu etiraf etmişdir (H. Eren, 1999: XI-XXVIII). H. Eren Türkcənin etimolojisi ilə ilgili onlarca məqalə və çalışmanın sâhibi olaraq Türkiyə'nin ən tanınmış etimoloji uzmanıdır. Onun *Türk Dilinin Etimoloji Sözlüğü* bu sahədə yapılmış ən dəyərli çalışmalar içərisində yer almaqdadır.

1997'dən bəri Türk dilinin etimolojisinə aid bir neçə əsər yayınlanmışdır. Onlardan biri də A.M. Şçerbak'ın mövzuyla ilgili dəyərli müşahidələrlə dolu olan *Rannie tjurksko-mongol'skie jazykkovye svjazi* (VIII-XIV vv., Sankt-Peterburg 1997) adlı çalışması, bir digəri isə Rus Bilimlər Akademisi xəbərləşmə üzvü E.R. Tenişev'in aparıcılığı ilə yayınlanan *Sravnitel'no-istoričeskaja grammatika tjurkskix jazykov* adlı qramerin *Leksika* başlığı altında dördüncü cildidir. Rus Bilimlər Akademisi Dil Bilimi Ənstitüsünə bağlı Türkoloqların iştirakı ilə gərçəkləşən bu əsər, 800 səhifə tutarında olub təqribən 1000 ünsürü içinə almaqdadır.

Üzərində durmaq istədiyimiz başqa bir çalışma da 2000 ilində Təbriz'də yayımlanan *Fərhanqe- Torkiye- Novin, Təmmolâti Dər Ərseye Rîşesenasi (Yeni Türkcə Sözlük, Etimoloji Üzərinə Bir Çalışma)* adlı əsərdir. Kitabın adı iç səhifədə *Fərhanqe- Etimolojiye- Torkiye- Novin (Yeni Türkcənin Etimoloji Sözlüyü)* olaraq kəçməkdədir. Əsərin müəllifi İsmail Hadi, vəkil və eyni zamanda 24 ildən bəri Tehran'da yayınlanan Varlıq dərgisinin yazarlarından və *Balaş* (senaryo), *Laçın* (roman), *Göy Qurşağı* (roman), *Dumanlı Günlər* (özünün tərcüməyi- halı), *Türkcə Hünərdir* (dil bilgisi) kitablarının və bir neçə məqalənin müəllifidir. Etimoloji ilə ilgili çalışmalarına *Divani- Luğat-it Türk*'də keçən kəlmələrin bugünkü Azərbaycan Türkcəsindəki izlərini araşdıran məqaləsiylə başlamışdır. *Yeni Türkcənin Etimoloji Sözlüyü* 836 səhifədə və Farsca olaraq hazırlanmışdır. Kitab İran'da Türk dilinin etimolojisi üzərinə yapılmış ilk çalışma olduğundan böyük önəm daşımaqda, fəqət təəssüflə yuxarıda bəlihtilən kriterlərə uymamaqdadır. Müəllifin kitabı yazarkən başvurduğu qaynaqlar olduqca məhduddur. Bu sahədə yazılmış olan etimoloji sözlüklərdən sadəcə Clauson'un sözlüyünə müraciət edilmiş, Hasan Eren'in sözlüyündən isə müəllifin əlinə zamanında kəçmədiyindən faydalanılmamışdır. Müəllifin yararlanmış olduğu qaynaqlar bunlardır:

(1983). *Yeni Tarama Sözlüğü*, TDK., Ankara.

(1994). *Okul Sözlüğü*, TDK, Ankara.

CLAUSON, G., (1972). *An Etimological Dictionary of Pre-Thirteenth Century Turkish*, Oxford.

ƏSTƏRƏBADI, M., (1995). *Sənglax*, Mərkəz Yayınları., Tahran.

ƏYUBOĞLU, İ.Z., (1991). *Türk Dilinin Etimoloji Sözlüğü*, Sosial Yayınlar., İstanbul.

KAŞGARLI Mahmud, Çev. Besim Atalay, (1991). *Divani- Luğat-it Türk Dizini*, TDK. Ankara.

Ayrıca bə'zi xususlarda *Azərbaycan Dilinin İzahlı Lüğəti*, A.M. von Gabain'in *Əski Türkcənin Qrameri* və bə'zi şairlərin əsərlərindən də faydalanıldığı kitabın ön sözündə bəlihtilmişdir. Çalışmanın giriş bölümündə Azərbaycan Türkcəsinin dil bilgisi, əklər dizini (fehrest) və ağızlardakı bə'zi səs dəyişmə və gəlişmələrinə işarə edilmişdir. Kitabın ən güclü yönü günümüzədək toplanmamış olan ağız kəlmələrinin özəlliklə də Qaradağ və çevrəsi ağızlarındakı söz dağarcığının qismən də olsa sözlüyə köçürülməsi və kəlmələrlə ilgili deyimlərə və ata sözlərinə geniş yer verilməsidir ki, bu da Günəy Azərbaycan

ağızlarındakı kələmələrin dərlənməsi baxımından olduqca önəmlidir. Bu sözlüyün başlıca qusurları bunlardır:

1) Kələmələr Ərəb hərfləriylə yazılmış və fonetik transkripsiyonu verilməmişdir. Bu səbəblə də məsələn *at* 'at' və *a:t* 'isim' kimi kələmələrdəki fərq göstərilmədən izah edilmiş və oxucuya uzun səsilər haqqında heç bir bilgi verilməmişdir. 2) Türkcənin ən önəmli səs gəlişmələrindən olan *d>z~y* gəlişməsinin yanlış olaraq *z>d>y* şəklində açıqlanması (s. 33) müəllifin yanlış yorumlamalarına səbəb olmuşdur. Məsələn, *azaq>adak>ayaq* 'ayaq', *zol>yol* 'yol' (s. 33). Müəllifin Clauson'un sözlüyündən yararlanmasına rəğmən bu şəkildə açıqlamalarda bulunması hər halda diqqətsizlik ya da tələsmə sonucu olaraq ortaya çıxmış olmalıdır. 3) kələmə başı *-h* səsinin yanlış olaraq ikincil olduğunu göstərməsi və bu barədə heç bir açıqlamada bulunmaması bu əsərin digər qusurlarındandır: *ürk>hürk* 'ürkmək', *ayva>hayva* 'ayva', *amul>hämil* 'sâkin'(s. 757), *aça>haça* 'ikiyə açılmış olan'(s.758). Burada müəllifin diqqətini çəkməsə də, Azərbaycan Türkcəsi *pöşlə* 'suda qaynatmaq' və Türkiyə Türkcəsi *haşla* 'qaynar suya daldırmaq' örnəklərində bir *p->h*-gəlişməsi və Az. *püflə* 'üflmək' və T.T. *üflə*-ey. örnəyində də *p->h->Ø* gəlişməsi düşünülə bilər. 4) Sözlükdə maddəbaşı kələmələr yeni şəkliylə verilmiş, varsa əski şəkillər də mətində göstərilmişdir. 5) Kələmənin əski şəkli göstərilərkən, hər yerdə hətta Orta Türkcə olsa belə "Əski Türkcə" dəyə tanımlanır. 6) Sözlükdə çağdaş ləhcələrdən sadəcə T.Türkcəsindən örnəklər verilmiş, Türkcə etimoloji sözlük üçün son dərəcə önəmli olan Xələccə və Çuvaşca örnəklərə yer verilməmişdir. 7) Sözlükdə Azərbaycan Türkcəsində əski şəkli ilə hələ də işlənməkdə olan *adax* 'uşağın ilk addımları' və *höl* 'nəmli' kələmələrinə rastlanmamaqdadır. 8) *atlamak* başlığı altında verilən *addım* 'addım' (s. 55) kələməsinin yanlış olaraq *atlım>addım* şəklində açıqlanması müəllifin ən böyük xətalərindəndir. Halbuki önsəs /a/'nın uzun olması səbəbiylə onu izləyən /t/ fonəmi /d/'yə dönüşmüşdür. Az.'də /d/ səsinin ikizləşməsi ikincil (sânəvi)dir və önsəs /a/'nın uzunluğu ilə ilgilidir (T. Tekin, 1975-76: 282). Bu kələmənin belə açıqlanması gərəki: *a:t*- 'addım atmaq'>*a:tım>a:dım>adım~addım*. 9) Kələmələrin ilk dəfə nə zaman və harada işləndiyi, hansı çağdaş Türk ləhcələrində yaşadığı, nə kimi dəyişikliklər keçirdiyi haqqında heç bir bilgi verilməməkdədir.

Anılan sözlüyün sonunda Türkcədən Farsça'ya keçmiş olan kəlmələr dizini (təqribən 500 kəlmə) yer almaqdadır. Doerfer'in *Türkische und Mongolische Elemente in Neupersischen* əsərinin bu haqda müəllifə yararlı bir qaynaq olacağından əminəm.

Doerfer'in də söylədiyi kimi Türkcənin etimoloji sözlüyü bir nəfər tərəfindən dəyil, mütəxəssislərdən olunan geniş bir çalışma qrupu tərəfindən və uzun araşdırmalar sonucu olaraq hazırlana biləcəkdir.

Qaynaqlar:

- (1998). *Türkcə Sözlük (I-II)*, TDK, Ankara.
- ALTAYLI Seyfəttin, (1994). *Azərbaycan Türkcəsi Sözlüğü (I-II)*, MEB, İstanbul.
- ATALAY, Besim, (1991). *Divani- Lüğat-it Türk Dizini*, TDK, Ankara.
- BASKAN, O., (1978). *Dil Çalışmalarında Etimoloji*, Türk Dili (319), Ankara.
- CAFEROĞLU A. (1957). *Etimolojik Araştırma Denemeleri*, TDAY-B, s.1-11.
- CLAUSON Sir G., (1972). *An Etimological Dictionary of Pre- 13th Century Turkish*, Oxford.
- DOERFER, G., Çev. İlhan Çənəli (1984). *Türkcənin İdeal Bir Etimolojik Sözlüğünün Nasıl Olması Gərəkliyi Hakkında Düşüncələr*, Türk Dili, 385-396, s. 365-374.
- EMRE, A.C., (1931). *Türkcənin Etimolojisi için Metot Araştırmaları*, TD, Ankara.
- EMRE, A.C., (1939). *Etimolojik Lüğatimize Hazırlık Etütləri*, TD, Ankara.
- EREN Hasan, (1958). *Türkcə Gök Kalıməsinin Türəvləri*, Jean Deny Armağanı'ndan ayırıbasım, TTK, Ankara.
- EREN Hasan, (1978-79). *Türk Dilinin Etimolojik Sözlüğüne Katkılar*, TDAY.
- EREN Hasan, (1999). *Türk Dilinin Etimolojik Sözlüğü*, Ankara.
- EYUBOĞLU, İ.Z., (1988). *Türkcənin Etimolojik Sözlüğü*, Sosyal Yay., İstanbul.
- HADİ, İsmail, (2000). *Fərhang-e Torkiye- Novin*, Ahrar Yay., Təbriz.
- OLMEZ M. (1998). *Dosya: Tarihî Türk Dillərinin Sözlükləri*, Kebikeç (6), Ankara.
- OLMEZ M. (1998). *Etimoloji Sözlükləri*, Kebikeç (6), Ankara.
- OLMEZ, M. (1994). "Türk Dillərinin Sözlükləri və Türk Sözlükçülüğü", *Uygulamalı Dilbilim Açısından Türkcənin Görünümü*, Dil Dərnəği Yay., Ankara.
- RÄSANEN, A.M.O., (1969). *Versuch Eines Etimologischen Wörterbuchs der Türksprachen*, Helsinki.
- SEVORTYAN, E.V., (1979-80). *Etimolojiçeskiy Slovar Tyurskix Yazıkov (I-III)*, Moskva.
- TEKİN, T. (1975-1976). *Etimolojiçeskiy slovar' tyurskix yazıkov'un Tanıtımı*, TDAY-B, s.274-285.
- VAMBERİ, A. (1878). *Etymologisches Wörterbuch der Turko-Tatarischen Sprachen*, Leipzig.
- YAKIN Aziz, (1997). *Etimoloji Sözlükləri*, Türk Dili (541) s. 140-150.

Evolution of The Azerbaijani Language and Identity

Paper Presented to
The Symposium on Azerbaijani Language and Identity
University of Malmoe
Malmoe, 15 April 2003
Dr. Javad Heyet



The Turkish language of Azerbaijan or Azerbaijani language belongs to the Oghuz group, and is spoken in Iran as well as the republic of Azerbaijan, eastern Anatolia and Kerkuk region in Iraq. The formation of Azerbaijani language as a nationwide language is related to the immigration of the Turkic tribes and peoples to Azerbaijan, though not exactly synchronous with it. There is difference of opinion among the linguists as to when exactly this language developed into a

folks-scale language.

Western turcologists believe that the language took the form of a nationwide language simultaneously with the immigration of the Oghuz Turks at the beginning of the 11th century from the central Asia to Azerbaijan through Iran. The literary works began to emerge from the 13th century. The scholars of North Azerbaijan and ex-Soviet authors date this evolution back to the 7-8th centuries (A. Demirchizade etc.). Even some scholars consider Azerbaijan to be the original homeland of

the Turks.

According to my own research, the northern part of Azerbaijan was subjected to Turkish elements beginning the 7th century B.C., by the immigration of various Turkic tribes from the central Asia, such as Schythes, Bulqars, Huns, Sabirs, Agajeris, Pecheneks, Kengerlus, On-Oghurs, Sari-Oghurs, Khazars, and finally Qipchaqs, thus the turkicisation process was completed in the north as early as the 7th century A.D., whereas in the south, this process still waited to be intensified by the immigration of Oghuz-Qipchaq and Uyghur elements in the 11-13th centuries. In these centuries the territories of southern Azerbaijan were conquered and settled by Seljuk Turks (Oghuz), whose settlement was later intensified by the Uyghur (who accompanied Mongols), Ag-Qoyunlu, Qara-Qoyunlu, Turks arriving with Tamerlane from Central Asia, and later by the Qizilbash (Oghuz) tribes arriving in the 16th century and joining Shah Ismail Safavi. The language of all the native inhabitants including the Tats and the immigrating Mongols was converted to the Turkish language due to their melting within these Turkish elements.

The establishment of Oghuz dialect as the dominant language of Azerbaijan was made possible only after domination of the Oghuz element in the ethnic make-up of the population of Azerbaijan, i.e. after the 11th century, though other Turkic dialects such as Qipchaq and Uyghur and even the Tat and other Azeri dialects had played a certain role in this evolution, and Arabic and Persian words entered the language due to the Islamic and the Iranian influence.

The Turkish of Azerbaijan contains a written literary language and many oral dialects. Early literary works in the Azerbaijani language include Izziddin Hasan Oghlu, Nessir Bakui and Hindu Shah Nakhchivani, who wrote his famous lexicological and grammatical work called Sahah-al-ajem in the 13th century. The oral tradition is older and dates back to Dede Qorqud legend. The literary style of Dede

Qorqud marks the early phases of the Oghuz language , when the diferentiation between the Azerbaijani and Anatolian dialects had not set in yet.

The evolution of Azerbaijani language has been devided into 3 periods by A. Demirchizadeh as follows:

1 – The formation and evolution of the Azerbaijani on the basis of a comprehensive ethnic language (Umumxalq Dil), 11th century up to the end of 18th century.

2 – The stabilization of the literary language as a national language, 18th century up to early 20th century.

3 – The contemporary period, early 20th century up to present.

The first period can be devided into 3 stages as follows:

1 – The beginning stage (11-15th centuries). In this period the Oghuz dialect was dominant and certain language elements from Qipchaq- Uyghur and sometimes synonyms (qosha sözler, paired words) are present in parallel, as for example *Yaxshi* and *Eyu*, *ben* and *men*, *qilmaq* and *etmek*, *ayitmaq* and *soylemek* and *demek*, *ol* and *shol* and *o*, *varmaq* and *getmek*, *tamu* and *cehennem*, *uçmaq* and *behisht* etc. The U phoneme was dominant in the second syllable of the words and also in the suffixes, as for example *eyu*, *altun*, *qamu* (hami), *versun* (versin). This situation had persisted until the end of the 18th century and had taken its final, present day form after the emergence of the poet Vaqif. The most notable figure belonging to this period was Nassimi (14th century).

2 – Khatai and Fuzuli stages (16-17th centuries). In this period the Turkish language was developing in parallel to the Persian language, and was the official language used in the Safavi court and the military establishments as well as the administrative circles. In this period the Turkish language influenced the Persian language strongly by

providing many loan words and military terms to it, and paved the way for a unification, and the difference between the written and the oral language almost disappeared. The *qoshma* poetical form was introduced to the classical literature by the poetry of Shah Ismail Khatai.

Fuzuli was the most notable Ghazal (lyric) poet of the period, who wrote lyric divans in Turkish, Persian and Arabic. His *Leyla and Medjnun* is considered to be the most burning and aesthetic example of mathnavi of this kind. The school of Fuzuli is continued at contemporary times. Most Azerbaijani poets wrote their divans under his literary influence.

3 – Vaqif stage (18th century). Vaqif was a realist poet who introduced many innovations in the form and content of the Azerbaijani language and literature. He chose *qoshma* as the formal basis of his poetry, and used a relatively pure linguistic style, reflecting the traditions and life styles of the Azerbaijani people.

In this period the literary language took a unique and general form, and *qoshma* was effectively introduced into the literary tradition.

The phonological and grammatical elements of the language acquired unity and were stabilized, and new words replaced the older ones, and the language acquired its present day characteristics. In the 19th century (1812) the northern part of Azerbaijan was separated from Iran and annexed to the Russian Empire, but the linguistic process continued in the northern part, and the morphology acquired its present day, uniform characteristics. In the new period the emergence of journals like *Ekinchi*, *Fiyuzat*, and *Molla Nassreddin* helped stabilize the prose. School books and grammatical books were edited in the mother language, which helped stabilize the orthography and pronunciation of the language, and the standard style replaced the

former complicated scientific prose styles.

In the year 1918 the literary language was declared as the official language, and after 1920 this situation continued under the Soviet rule.

In the 19th century the *Marthia* literature (poetry dedicated to the tragedy of Imams) enjoyed extensive development in the Iranian section of Azerbaijan, but during the 20th century the written language was banned under the Pahlavi regime. This situation continued up until the onset of the Islamic Revolution in 1979, with the exception of a single year (1945-46) during which the government of the Democrat Party of Azerbaijan was in charge in Tabriz.

After 1979 with the settlement of the Islamic regime a new period began in the history of language and literature of the Iranian Azerbaijan. Many journals and publications appeared in the Turkish language alone or mixed Turkish and Persian languages. Today, there are more than 50 regular journals, although certain of the journals had a relatively short lifetime.

Varliq journal started to be published early 1979, and continued regularly up to now, both in Turkish and Persian, presenting essays on linguistics, as well as literature, history, folklore and some polemical issues. This journal has now acquired the status of a school, where the most learned Azerbaijani scholars publish their articles. The Varliq journal was pioneer in stabilizing the orthographic styles as well as the stabilization of the written language norms in the Iranian Azerbaijan.

Hundreds of books and journals have been published in Iran in the past 24 years, which contribute effectively to the promotion of linguistic features in the Azerbaijani language. The language of Varliq is based on the common Azerbaijani literary language, except that the Russian and Latin words are used with much less frequency in comparison to the literary styles of the northern part of Azerbaijan.

وارلیق درگیسی نین یازیچیلار هئیأتی و اوخوجولارینا مۆراجیعت

حۆرمتملی یازیچیلار و اوخوجولاریمیزدان اۆز مقاله لرینی حاضیرلادیغی زامان

آشاغیداکی قئیدلره دیقت یتیرمه لرینی خواهیش اندیریک:

- ۱ - مقاله لر ایستاندارد A4 کاغیدی نین بیر اۆزوندە اوخوناقلی شکیلده یازیلمالیدیر.
- ۲ - باشلیقدان سوئرا، مقاله نین خولاصه سی و آچار سۆزلر (مقاله نین مضمونونو تمثیل ائدن اساس کلمه لر) درج اندیلمه لیدیر.
- ۳ - بۆتون یازیلار اورتوقرافیک قوزاللار اساسیندا تنظیم اندیلمه لیدیر.
- ۴ - تۆرک دیلینده یازیلان مقاله لر مۆطلق آذربایجان ادبی شیوه سینده اولمالیدیر. وارلیق درگیسی باشقا تۆرک دیللی خالقلارین ادبی ناییتلریندن و اونلارین سۆز خزینه سیندن مۆعین درجه ده و آذربایجان شیوه سینین پوزماماق و خالقین دیلیندن قوپماماق شرطی ایله فایدالانماغی ضروری حساب اندیر، آنجاق آذربایجان دیلی نین اۆزونه مخصوص شیوه لرینی و گۆزللیکلرینی قۆروماغی اۆز باشلیجا وظیفه سی حساب اندیر. باشقا تۆرک دیللرینی و شیوه لرینی و اونلارین فولکلورونو آراشدیرماغا حصر اولموش مقاله لر طبیعتاً بۇ قایدان ایستینا اندیلیر. درگیمیزه چاتان بۆتون مقاله لرین مۆکیفلرینه تشکۆروموزو بیلدیرمکله برابر، لازیم گلینجه اونلاردا ایشلنن بعضی کلمه لر یا عیبارتلری آذربایجانلیلاشدیرماق حاقینی اۆزوموزه ساخلا بیریق.
- ۵ - یازیچی نین آدی، آدرسی و تلفون نۆمره سی و مۆمکونسه عکسی مقاله نی مۆشاییعت ائله مه لیدیر.
- ۶ - ایمكان اولدوغو حالدا مقاله Word بیلگی سایار برنامه سی ایله حاضیرلانمالی و بیر دیسکت اۆزینده وارلیغین دفترینه چاتدیریلمالیدیر. وارلیق درگیسی لازیم گلینجه مقاله لر قیسالتما و ایصلاح ائتمه حاقینا مالیکدیر. دۆرلی امکداشلیغینیزا گۆره تشکۆروموزو بیلدیریریک.

وارلیق درگیسی

آبۇنە فۇرمو

آبۇنە اولماق ایستهین عزیز وطنداشلاردان ایللیک آبۇنە پۇلونو (۲۵۰۰ تۆمن) آشاغیدا قئید اندیلین
حسابا یاتیریب، بانک قبضینی بۇ فۇرم ایله یاناشی وارلیغین دفترینه گۆندرمه لری خواهیش اولونور:
حساب نۆمره سی ۲۱۶۳ (دکتر جواد هیئت)، بانک ملی، شعبه دارپوش، تهران، خیابان بهار
آبۇنەین آدی و سۆی آدی
آدرس.....
پۇست کۆدو..... تلفون نۆمره سی.....

وارلیق درگیسی

تهران، شهرک غرب، فاز ۲، خیابان هرمزان، برج ۹، طبقه ۳ و یا
خیابان فلسطین شمالی، شماره ۱۵۱، تلفن ۶۴۶۶۳۶۶
حۆرمتملی آبۇنە لریمیزدن قاقادان قالان بۆرجلاریسی اۆده مه لری خواهیش اولونور.

وارلیق - مجله فرهنگی، ادبی، هنری به زبان ترکی و فارسی

شماره امتیاز: ۸۵۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر جواد هیئت

دبیر: ابراهیم رفر

چاپ گلبان

آدرس: تهران، شهرک قدس، فاز ۲، خیابان هرمزان، برج ۹، طبقه ۳ و یا

تهران، خیابان فلسطین شمالی، شماره ۱۵۱، کد پستی ۱۴۱۶۹

تلفن: ۶۴۶۶۳۶۶

VARLIQ - Quarterly Journal in Persian and Turkish

Chief Editor: Dr. Javad Heyat

Assistant Editor: E. Rafrat

3rd fl., Tower 9, Hormozan Ave., Phase 2, Shahrake Gharb or

151 Felestin Ave., Tehran, IRAN, Tel. 6466366

E- mail: varliqinfo@yahoo.com, varliq@ocaq.net